

این مجموعه رایگان عرضه شده

۷- مقطع دبیرستان

فهرست مطالب

کلاس نهم: معامله با استفاده از واگرایی

- معامله با استفاده از واگرایی
- واگرایی معمولی
- واگرایی پنهان
- چگونه با استفاده از واگرایی مبادله کنیم؟
- حقه‌های حرکتی
- ۹ قاعده برای مبادله با استفاده از واگرایی
- برگه‌ی تقلب واگرایی
- خلاصه: واگرایی

کلاس دهم: محیط بازار

- تشخیص روند
- بازار روند چیست؟
- بازار محدوده (یا خنثی) چیست؟
- اصلاح یا تغییر روند؟
- شناسایی بازگشت
- محافظت در برابر بازگشت
- شکست روند (Break Out)

کلاس یازدهم: مبادله به کمک شکست و شکست کاذب

- شکست روند (Break Out)
- راه‌هایی برای اندازه‌گیری نوسانات
- انواع شکست
- تشخیص شکست
- اندازه‌گیری قدرت شکست
- معامله از طریق شکست‌های کاذب
- محو کردن شکست
- محو کردن شکست

- نحوه معامله شکست‌های کاذب

کلاس دوازدهم: تحلیل بنیادین

- تحلیل بنیادین چیست؟
- نرخ بهره
- سیاست‌های پولی
- فهرست رجال بانک مرکزی
- محرک‌های بلند مدت بازار
- اخبار و اطلاعات بازار
- واکنش بازار
-

کلاس سیزدهم: جفت ارزهای متقاطع

- جفت ارز متقاطع چیست؟
- فرصت‌های معاملاتی بیشتر با جفت‌های متقاطع
- روندها و محدوده‌های بی نقص
- کسب سود از اختلاف نرخ بهره
- جفت ارزهای متقاطع مبهم
- تصمیم‌گیری بر مبنای اخبار و اصول بنیادین
- خلق جفت‌های ترکیبی
- جفت ارزهای یورو و ین
- استفاده از جفت‌های متقاطع در مبادله جفت‌های اصلی
- خلاصه: جفت ارزهای متقاطع

کلاس چهاردهم: تحلیل بازه زمانی چند گانه

- تحلیل بازه زمانی چند گانه
- در کدام بازه زمانی مبادله کنم؟
- تقسیم‌بندی بازه زمانی
- خرید یا فروش؟
- ترکیب بازه‌های زمانی
- خلاصه: تحلیل بازه زمانی چند گانه

مبادله با استفاده از واگرایی

اگر راهی با ریسک پایین برای فروش نزدیک به اوج یا خرید نزدیک به پایین‌ترین قیمت یک روند وجود داشته باشد چه؟ اگر قبلاً در موضع فروش به قیمت بالا بوده باشید و قبل از موعد می‌دانستید بهترین موقعیت برای خروج کدام است به جای آن که شاهد این باشید که سودتان یا ماشین استون مارتینتان در مقابل چشمانتان دود شود و به هوا برود چون مبادله‌تان جهت معکوس را پیش گرفته چه؟

اگر باور داشته باشید که یک جفت ارزی همچنان سقوط قیمت خواهند داشت اما دوست داشته باشید با قیمت بهتری بفروشید یا ورودی با ریسک کمتر داشته باشید چه؟

خب، می‌دانید؟ یک راه وجود دارد که به آن مبادله با استفاده از واگرایی می‌گویند.

به طور خلاصه واگرایی را می‌توان با مقایسه‌ی اقدام قیمت و حرکت نشانه دید. واقعاً مهم نیست که از چه نشانه‌ای استفاده کنید. می‌توانید از RSI، MACD، تصادفی، CCI و غیره استفاده کنید. خوبی واگرایی این است که می‌توانید از آن به عنوان نشانه‌ی هدایت‌کننده استفاده کنید و با کمی تمرین پیدا کردن آن کار چندان سختی نیست.

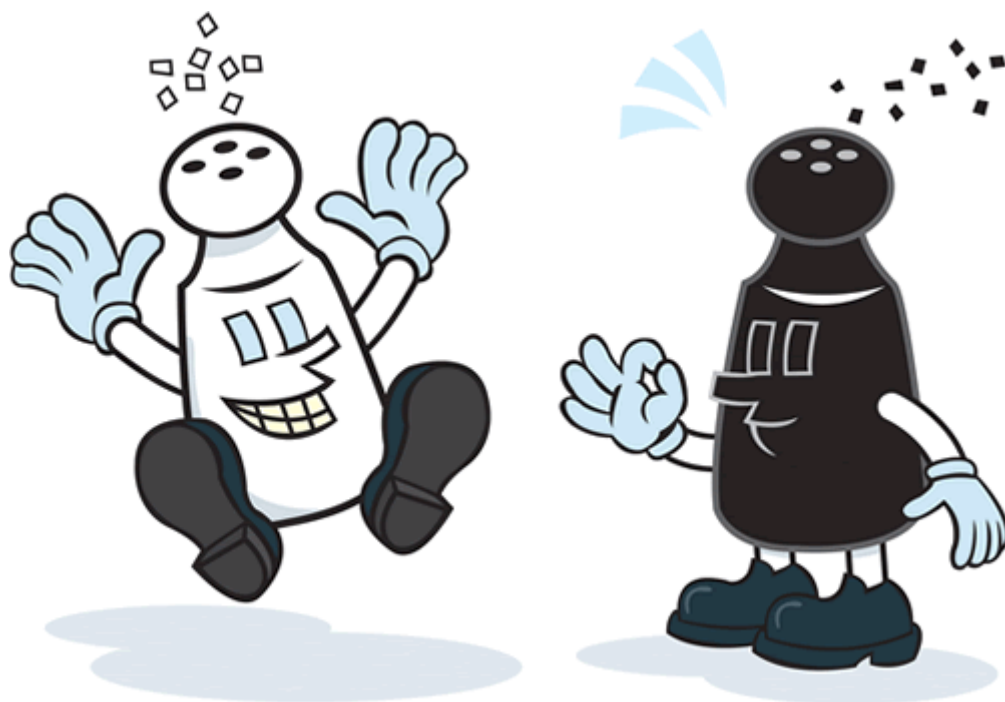
با مبادله‌ی درست می‌توانید از واگرایی سود خوبی به دست بیاورید. بهترین نکته در مورد واگرایی این است که معمولاً نزدیک به کف قیمت می‌خرید یا نزدیک به اوج قیمت می‌فروشید. این باعث می‌شود ریسک مبادله‌های شما نسبت به سود احتمالی‌تان بسیار کم باشد.

چه خوب!

بالاهای بالاتر و پایین‌های پایین‌تر

فقط فکر کنید «بالاهای بالاتر» و «پایین‌های پایین‌تر».

قیمت و حرکت معمولاً همگام با یکدیگر تغییر می‌کنند، مثل هانس و گرتل، بتمن و رایین، سرنا و ونوس ویلیامز، نمک و فلفل... منظورم را می‌فهمید.



اگر قیمت دارد به بالاها بالاتر می‌رسد، نوسانگر نیز باید به بالاها بالاتر برسد. اگر قیمت دارد به پایین‌های پایین‌تر می‌رسد، نوسانگر نیز باید به پایین‌های پایین‌تر برسد.

اگر این طور نیست، این یعنی قیمت و نوسانگر دارند از یکدیگر دور می‌شوند و به همین دلیل این حالت «واگرایی» نام گرفته است.

مبادله با استفاده از واگرایی ابزار بسیار خوبی است چون واگرایی به شما این نشانه را می‌دهد که یک اتفاق مشکوک در حال وقوع است و باید حواستان را بیشتر جمع کنید.

استفاده از مبادله‌ی واگرایی می‌تواند برای پیدا کردن روند در حال تضعیف یا وارونه در حرکت مفید باشد. گاهی می‌توانید حتی از آن به عنوان نشانه‌ای برای ادامه‌ی روند استفاده کنید!

دو نوع واگرایی وجود دارد:

۱. معمولی

۲. پنهان

در این کلاس به شما یاد می‌دهیم چطور این واگرایی‌ها را پیدا کنید و با استفاده از آن‌ها مبادله کنید. حتی در انتها یک سورپرایز شیرین هم برایتان داریم.

واگرایی معمولی

واگرایی معمولی به عنوان نشانه‌ی احتمالی برای وارونگی روند به کار می‌رود.

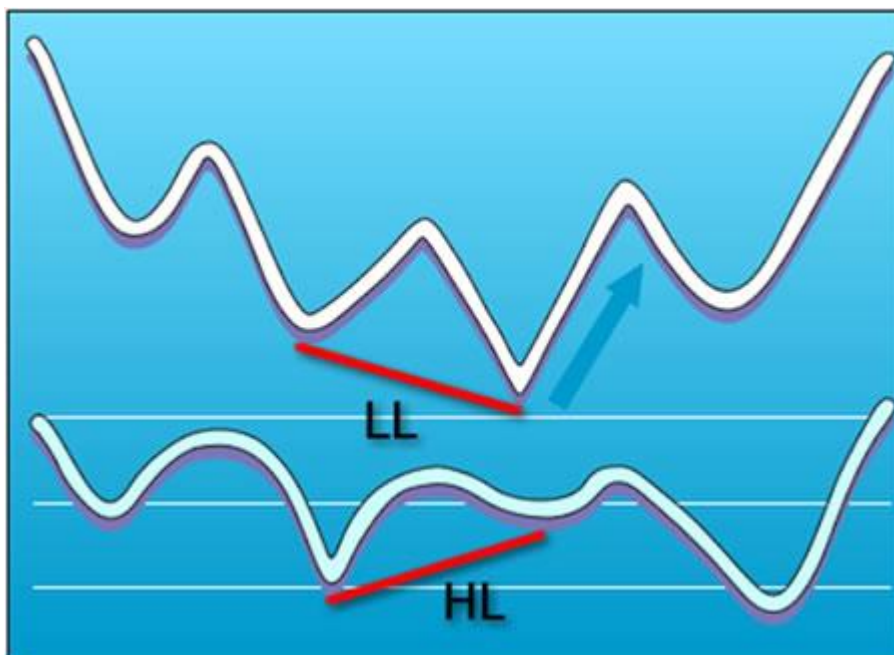
اگر قیمت پایین‌های پایین‌تر داشته باشد (LL) اما نوسانگر پایین‌های بالاتر داشته باشد (HL) این یک واگرایی معمولی تلقی می‌شود.

این معمولاً در پایان روند رو به پایین رخ می‌دهد. بعد از برقراری دومین پایین اگر نوسانگر نتواند پایین دیگری داشته باشد احتمال دارد که قیمت بالا برود چرا که معمولاً انتظار می‌رود که قیمت و حرکت همگام با یکدیگر پیش بروند.

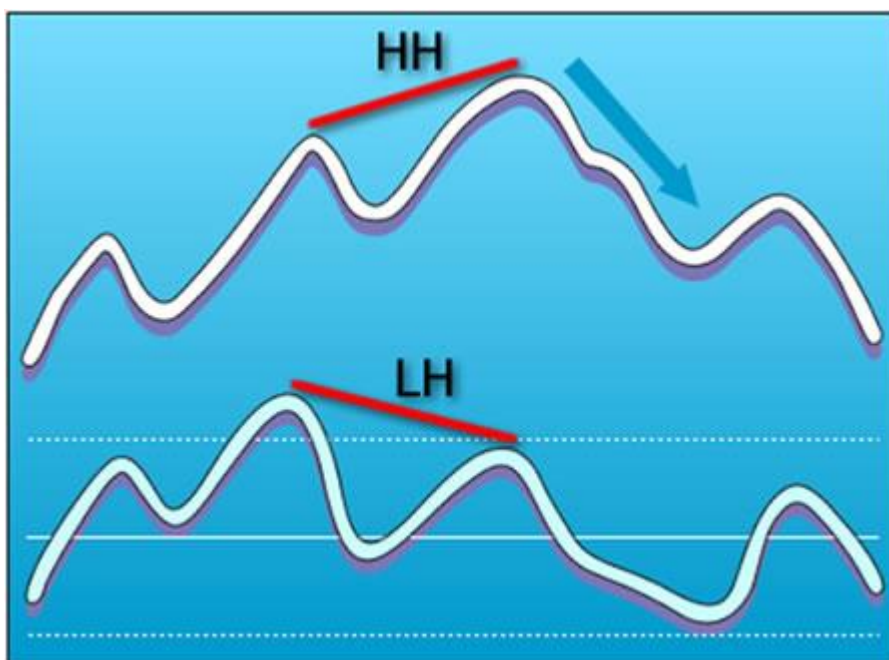
در ذیل تصویری آمده که واگرایی مترقی معمولی را نشان می‌دهد.

حال اگر قیمت بالای بالاتری داشته باشد (HH) اما نوسانگر بالای پایین‌تری باشد (LH) واگرایی افول معمولی دارید.

این نوع واگرایی را می‌توان در روند رو به بالا یافت. بعد از آن که قیمت به دومین بالایش رسید اگر نوسانگر بالای پایین‌تری داشته باشد احتمالاً انتظار دارید که قیمت معکوس شود و پایین بیاید.



در تصویر زیر می‌بینیم که قیمت بعد از رسیدن به دومین بالا معکوس شده است.



همان‌طور که در تصاویر بالا می‌بینید واگرایی معمولی زمانی به بهترین شکل مورد استفاده قرار می‌گیرد که سعی دارید بالاها و پایین‌ها را پیدا کنید. به دنبال محلی هستید که قیمت متوقف شده و معکوس می‌شود.

نوسانگرها به ما نشان می‌دهند که حرکت دارد تغییر می‌کند و گرچه قیمت به بالای بالاتر (یا پایین پایین‌تری) رسیده اما احتمال دارد که این حالت دوام نیاورد.

واگرایی افول معمولی را در این مبادله‌ی پوند انگلیس و دلار آمریکا که برایتان انتخاب کرده‌ایم ببینید! متوجه شدید؟ ساده است، نه؟

حالا که واگرایی معمولی را فهمیدید وقت آن است که پیش برویم و در مورد دومین نوع واگرایی یعنی واگرایی پنهان یاد بگیریم.

نگران نباشید، خیلی هم پنهان نیست. فکر نکنید مثل تالار اسرار کتاب هری پاتر است که کسی نمی‌توانست پیدایش کند! دلیل این که نامش را «پنهان» گذاشته‌ایم این است که در یک روند موجود پنهان شده است.

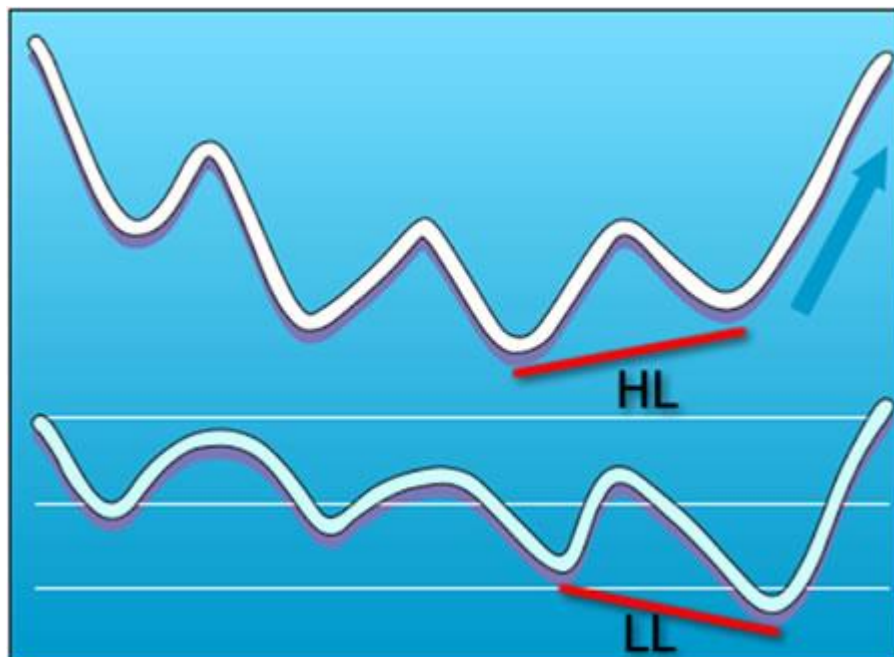
در بخش بعدی بیشتر توضیح می‌دهیم. به خواندن ادامه دهید!

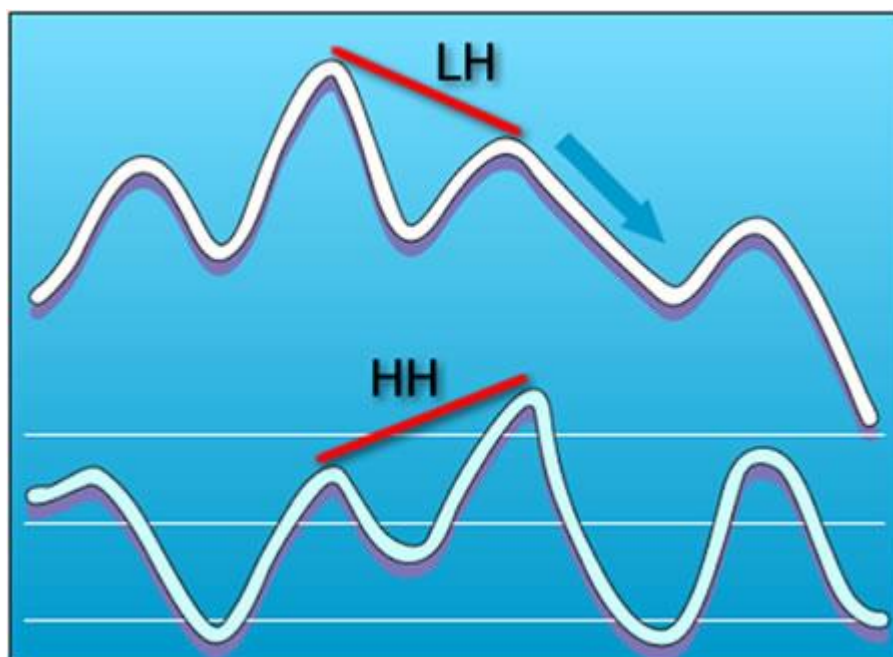
واگرایی پنهان

واگرایی‌ها نه تنها وارونگی روند بالقوه را نشان می‌دهند، بلکه می‌توانند به عنوان یک نشانه‌ی احتمالی برای ادامه‌ی روند نیز به کار روند. همیشه به یاد داشته باشید، روند دوست شماست پس هر وقت بتوانید نشانه‌ای مبنی بر ادامه‌ی روند بگیرید باید خوشحال باشید! واگرایی موقتی پنهان وقتی اتفاق می‌افتد که قیمت دارد به پایین بالاتری می‌رود (HL) اما نوسانگر دارد پایین‌ترین پایین‌تری را نشان می‌دهد (LL).

این حالت وقتی دیده می‌شود که جفت ارزی روند رو به بالا دارد. وقتی قیمت به پایین بالاتری رسید، نگاه کنید و ببینید که آیا نوسانگر نیز همین رفتار را دارد. اگر چنین رفتاری ندارد و به پایین پایین‌تر می‌رود پس واگرایی پنهان داریم.

در پایان واگرایی افول پنهان را داریم. این وقتی اتفاق می‌افتد که قیمت به بالای پایین‌تری می‌رود (LH) اما نوسانگر به بالای بالاتری می‌رسد. تا الآن احتمالاً حدس زده‌اید که این اتفاق در روند رو به پایین می‌افتد. وقتی واگرایی افول پنهان را می‌بینید احتمالاً جفت ارزی همچنان نزول خواهد داشت و به روند رو به پایین ادامه خواهد داد.





بیاید آنچه را تا به اینجا در مورد واگرایی پنهان یاد گرفتیم مرور کنیم.

اگر روندها را دنبال می‌کنید پس حتماً برای پیدا کردن واگرایی پنهان وقت می‌گذارید.

اگر توانستید آن را پیدا کنید می‌تواند به شما کمک کند زود به روند بپیوندید.

خوب به نظر می‌رسد، نه؟

خب، حالا در مورد واگرایی معمولی و پنهان می‌دانید.

امیدواریم که همه چیز را خوب یاد گرفته باشید. فراموش نکنید که واگرایی‌های معمولی نشانه‌های احتمالی برای وارونگی روند هستند،

در حالی که واگرایی‌های پنهان ادامه‌ی روند را نشان می‌دهند.

در درس بعدی به شما مثال‌هایی از واگرایی‌ها در دنیای واقعی نشان می‌دهیم و نحوه‌ی مبادله با استفاده از آن‌ها را آموزش می‌دهیم.

چگونه با استفاده از واگرایی مبادله کنیم؟

حالا وقت آن رسیده که این حقه‌های ذهنی واگرایی را عملی کنید و بازار را وادار کنید به شما سود بدهد.

در اینجا چند مثال از زمان‌هایی را به شما نشان می‌دهیم که بین حرکت‌های قیمت و نوسانگر، واگرایی وجود دارد.

اول بیایید نگاهی به واگرایی معمولی داشته باشیم. در ذیل نمودار روزانه‌ی دلار آمریکا / فرانک سوئیس آمده است.





اگر به سؤال آخر پاسخ مثبت داده باشید حتماً خودتان را وسط سواحل کارائیب و غرق در مارگاریتا یافته‌اید چون سود فوق‌العاده‌ای به جیب زده‌اید!

معلوم شد که واگرایی بین تصادفی و اقدام قیمت نشانه‌ی خوبی برای خرید است. قیمت خط روند نزولی را شکست و روند جدیدی رو به بالا تشکیل داد و اگر نزدیک به پایین خرید کرده باشید شاید هزاران واحد سود کرده باشید چون این جفت ارزی در ماه‌های بعد بالاتر هم رفت.

حالا می‌بینید چقدر خوب است که زود به روندی بپیوندید؟!!

قبل از آن که ادامه دهیم آیا متوجه پایین‌های تیزی که در دومین پایین شکل گرفتند شدید؟

مواظب نشانه‌هایی از برقراری وارونگی باشید. این به شما تأیید بیشتری می‌دهد که روند دارد تمام می‌شود و دلیل محکم‌تری است برای این که به قدرت واگرایی‌های ایمن بیاورید!

حالا بیایید نگاهی به مثال واگرایی پنهان بیان‌دازیم. باز هم بیایید از نمودار دلار آمریکا/ فرانک سوئیس استفاده کنیم.



در اینجا می بینیم که جفت ارزی روند رو به پایین را طی کرده است. توجه کنید که قیمت بالای پایین تری داشته است اما تصادفی بالاها بالاتری داشته است.

طبق یادداشت های ما این واگرایی افول پنهان است! خوب باید چه کنیم؟ وقتش رسیده که به روند برگردیم؟

خب اگر مطمئن نیستید، می توانید اول بنشینید و تماشا کنید.



اگر تصمیم گرفتید که در این یکی شرکت نکنید شاید به اندازه‌ی پروفیسور خاویر کچل باشید چون تمام موهبتان را کنده‌اید!

چرا؟

خب چون روند ادامه پیدا کرد!

قیمت از خط روند برگشت و تقریباً ۲۰۰۰ واحد افت داشت!

تصور کنید که اگر واگرایی را پیدا کرده بودید و آن را نشانه‌ی احتمالی برای ادامه‌ی روند می‌دانستید چه می‌شد؟

نه تنها داشتید در سواحل کارائیب مارگاریتا می‌نوشیدید بلکه سوار بر کشتی تفریحی خودتان بودید!

حقه‌های حرکتی

با این که استفاده از واگرایی ابزار بسیار خوبی است اما گاهی ممکن است بیش از حد زود وارد روند شوید چون منتظر تأیید بیشتر نمانده‌اید. در ذیل چند حقه ارائه شده که می‌توانید با استفاده از آن‌ها تأیید بیشتری به دست بیاورید مبنی بر این که واگرایی به نفع شما خواهد بود.

منتظر عبور بمانید

این بیشتر یک قاعده است تا یک حقه. فقط منتظر عبور نشانه‌ی حرکت بمانید. این نشان دهنده‌ی تغییر احتمالی در حرکت از خرید به فروش یا بالعکس است. استدلال اصلی آن این است که منتظر بالا یا پایین هستید و این دو شکل نمی‌گیرند مگر آن که عبور صورت بگیرد!



در نمودار فوق جفت ارزی نشان داده شده بالاها پایین تر نشان دادند در حالی که تصادفی از قبل بالاها بالاتر داشته است. این یک واگرایی افول است و واقعاً وسوسه انگیز است که بلافاصله به قیمت پایین بفروشید.

اما به قول معروف گر صبر کنی ز قوره حلوا سازی. بهتر است صبر کنید تا تصادفی عبور رو به پایین داشته باشد تا مطمئن شوید که جفت ارزی واقعاً در حال افت است.



چند شمع آن طرف تر تصادفی واقعاً عبور کرد. با استفاده از این واگرایی افول می‌توانیم سود خوبی به دست بیاوریم!

نکته‌ی اصلی در اینجا چیست؟ فقط صبور باشید! عجله نکنید چون دقیقاً نمی‌دانید حرکت چه زمانی تغییر می‌کند! اگر صبور نباشید ممکن است ضرر کنید چون یک طرف دائماً غالب است!

خروج از خرید بیش از حد / فروش بیش از حد

یک حقه‌ی دیگر این است که منتظر بمانید تا بالاها و پایین‌های حرکت به شرایط خرید بیش از حد و فروش بیش از حد برسند و منتظر بمانید تا نشانه از این شرایط خارج شود.

دلیل انجام این کار شبیه به منتظر عبور ماندن است. واقعاً نمی‌دانید حرکت چه زمانی تغییر خواهد کرد.

فرض کنید که به نموداری نگاه می‌کنید و متوجه می‌شوید که تصادفی یک پایین جدید دارد در حالی که قیمت ندارد.



شاید فکر کنید که وقت خرید است چون نشانه دارد شرایط فروش بیش از حد را نشان می‌دهد و واگرایی شکل گرفته است. اما فشار فروش ممکن است قدرتمند باقی بماند و قیمت همچنان پایین برود و پایین جدیدی داشته باشد.

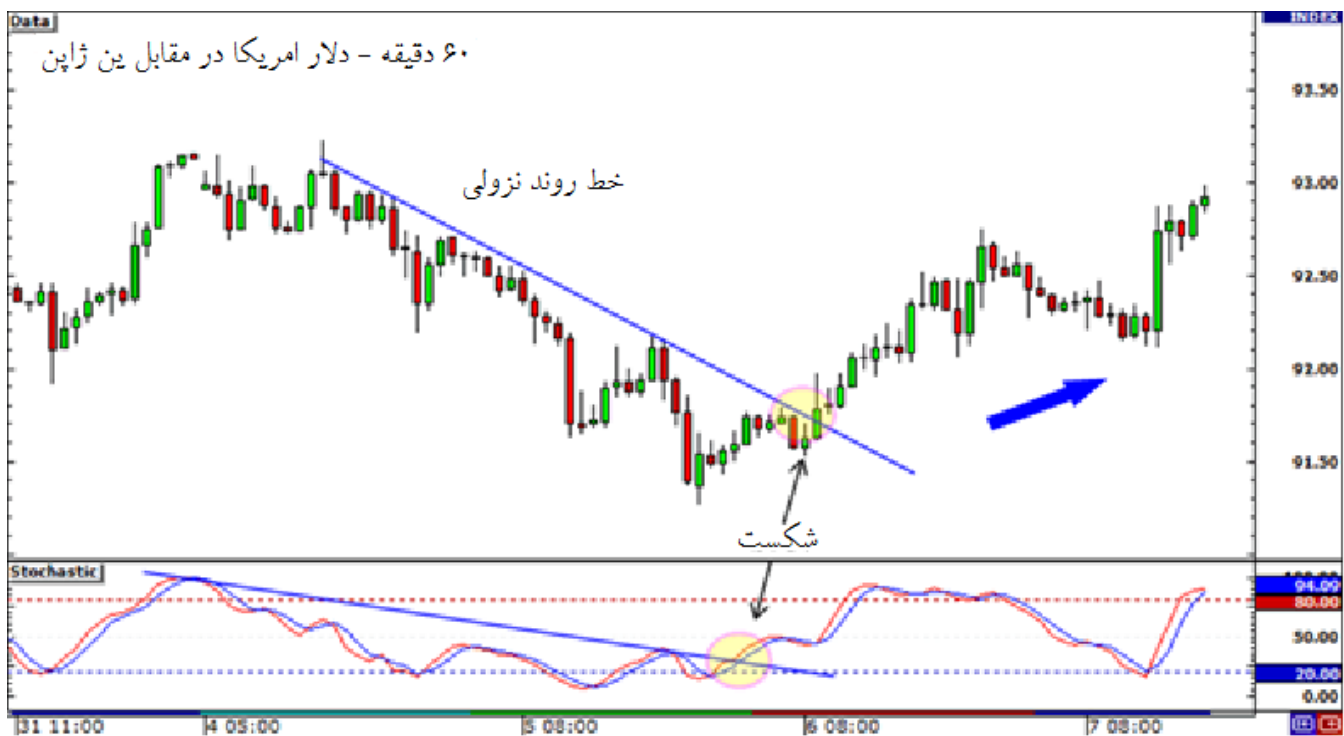
اگر این کار را می‌کردید ناامید می‌شدید چون روند ادامه پیدا نکرد. در واقع روند جدیدی رو به پایین برقرار شد چون جفت ارزی حالا دارد بالاهای پایین‌تر تشکیل می‌دهد و اگر موضعتان را تغییر نمی‌دادید شاید این حرکت رو به پایین را هم از دست می‌دادید.

اگر صبورانه منتظر تأیید بیشتری برای شکل گرفتن واگرایی می‌ماندید، شکست نمی‌خوردید و متوجه می‌شدید که روند رو به پایین دارد شکل می‌گیرد.

رسم خطوط روند روی خود نشانه‌های حرکت

شاید این کمی مسخره به نظر برسد چون معمولاً خطوط روند را فقط روی اقدام قیمت می‌کشید. اما این یک حقه‌ی زیرکانه است که می‌خواهیم به شما یاد بدهیم. به هر حال ضرری ندارد که سلاح دیگری نیز داشته باشید، نه؟ هرگز نمی‌دانید کی ممکن است از آن استفاده کنید!

این حقه به ویژه زمانی مفید است که به دنبال وارونگی یا شکست از یک روند هستید. وقتی می‌بینید که قیمت از خط روند پیروی می‌کند سعی کنید خط روند مشابهی را روی نشانه‌تان بکشید.



شاید متوجه شده باشید که نشانه نیز از خط روند پیروی می‌کند. اگر دیدید که هم اقدام قیمت و هم نشانه‌ی حرکت خطوط روند مربوطه‌شان را شکستند این می‌تواند نشانه‌ی قدرتمندی از سوی خریداران به فروشندگان (یا بالعکس) باشد که روند در حال تغییر است. چه خوب! مثل ویدئوی مایکل جکسون آن را بشکنید!

۹ قاعده برای مبادله با استفاده از واگرایی

قبل از آن که بروید و شروع به جستجوی واگرایی‌های احتمالی کنید ۹ قاعده‌ی جالب برای مبادله با استفاده از واگرایی به شما ارائه می‌دهیم.

آن‌ها را یاد بگیرید، حفظ کنید (یا دوباره بیابید و بخوانید) و به کار ببرید تا تصمیمات بهتری در مبادلاتتان بگیرید. اگر آن‌ها را نادیده بگیرید ضرر می‌کنید.

۱. مطمئن شوید که عینکتان تمیز است

برای این که واگرایی وجود داشته باشد قیمت باید یکی از حالات زیر را داشته باشد:

- بالای بالاتر از بالای قبلی
- پایین پایین‌تر از پایین قبلی
- دو بالا
- دو پایین

به خودتان زحمت نگاه کردن به نشانه را هم ندهید مگر آن که یکی از این چهار سناریو برای قیمت اتفاق افتاده باشد. در غیر این صورت با واگرایی سر و کار ندارید. فقط متوهم شده‌اید. بلافاصله سراغ عینک‌سازتان بروید و عینک جدیدی بگیرید.





۲. روی بالاها و پایین های متوالی خط بکشید

خب حالا که دارد اتفاقاتی می افتد (یعنی تغییرات قیمت اخیر) توجه کنید. فراموش نکنید، تنها چهار حالت را مشاهده خواهید کرد: بالای بالاتر، بالای یکنواخت، پایین پایین تر، پایین یکنواخت.

حالا خطی از آن بالا یا پایین رو به عقب به بالا یا پایین قبلی بکشید. باید روی بالاها/ پایین‌های اصلی متوالی باشد. اگر فروفتگی یا برآمدگی کوچکی بین دو بالا/پایین اصلی دیدید، آن را نادیده بگیرید.

۳. کار درست را انجام دهید – فقط بالاها و پایین‌ها را متصل کنید

وقتی دیدید دو بالا شکل گرفته، بالاها را به هم وصل کنید. اگر دو پایین شکل گرفت، دو پایین را به هم وصل کنید.

این اشتباه را نکنید که وقتی دو بالای بالاتر می‌بینید خطی در پایین بکشید. این کار احمقانه به نظر می‌رسد ولی آدم گاهی واقعاً گیج می‌شود.





۴. به قیمت توجه داشته باشید

خب با خط روند دو بالا یا دو پایین را به هم وصل کرده‌اید. حالا به نشانه‌ی ترجیحی‌تان نگاه کنید و آن را با اقدام قیمت مقایسه کنید. از هر نشانه‌ای که استفاده می‌کنید فراموش نکنید که دارید بالاها یا پایینها را مقایسه می‌کنید. برخی از نشانه‌ها از قبیل MACD یا تصادفی چندین خط دارند که همگی روی هم هستند. نگران آن‌ها نباشید.



۵. به پرواز درآیید

اگر خطی برای وصل دو بالای قیمت رسم کنید، باید خطی بکشید و دو بالا را روی نشانه به هم وصل کنید. برای پایین‌ها هم همین‌طور. اگر خطی کشیدید و دو پایین قیمت را به هم وصل کردید باید خطی بکشید که دو پایین را در نشانه به هم وصل کنید. این‌ها باید مطابق با یکدیگر باشند!





۶. خط را نگه دارید

بالاها یا پایین‌هایی که در نشانه مشخص می‌کنید باید مواردی باشند که به طور عمودی با بالاها یا پایین‌های قیمت در یک خط قرار دارند. مثل انتخاب لباس برای مهمانی است - باید ظاهر خوبی داشته باشید که مطابق شخصیتان است!



۷. سواری روی شیبها

واگرایی تنها در صورتی وجود دارد که شیب خطی که بالاها/پایینهای نشانه را به یکدیگر وصل می کند با شیب بالاها/پایینهای قیمت خط اتصال تفاوت داشته باشد. شیب باید یا صعودی باشد یا نزولی یا صاف.



۸. اگر کشتی حرکت کرده و رفته، سوار کشتی بعدی شوید

اگر متوجه واگرایی شدید اما قیمت قبلاً معکوس شده و مدتی در یک جهت حرکت کرده، در نظر بگیرید که واگرایی کارش را به اتمام رسانده است. این بار کشتی را از دست دادید. تنها کاری که می‌توانید انجام دهید این است که منتظر شکل گرفتن یک بالا/پایین دیگر باشید و دوباره به دنبال واگرایی باشید.



۹. یک قدم به عقب برگردید

نشانه‌های واگرایی در چارچوب‌های زمانی طولانی‌تر دقیق‌تر هستند. نشانه‌های نادرست کمتری می‌گیرید. این یعنی معامله‌های کمتر اما اگر مبادله‌تان را به خوبی ساختار بندی کنید، آن‌گاه قابلیت سود شما می‌تواند بسیار بزرگ باشد. واگرایی‌ها در چارچوب‌های زمانی کوتاه‌تر بیشتر اتفاق می‌افتند اما کمتر قابل اطمینان هستند.

توصیه‌ی ما این است که فقط در نمودارهای یک ساعته یا طولانی‌تر به دنبال واگرایی باشید. مبادله‌کنندگان دیگر از نمودارهای ۱۵ دقیقه‌ای یا حتی سریع‌تر استفاده می‌کنند. این چارچوب‌های زمانی بیش از شلوغ هستند و این مطابق سلیقه‌ی ما نیست به همین دلیل از آن‌ها دور می‌مانیم.

این هم از این: ۹ قاعده‌ای که اگر می‌خواهید با استفاده از واگرایی مبادله کنید باید از آن‌ها پیروی کنید. به من اعتماد کنید، به نفعتان است که این قواعد را نادیده نگیرید.

از این قواعد پیروی کنید تا احتمال این را که آرایش واگرایی منجر به مبادله‌ی پرسودی شود به میزان قابل توجهی بالا ببرید.

این هم یک مثال از شکست خوردن واگرایی افول. آیا می‌توانید بفهمید کدام یک از این ۹ قاعده‌ی سود چرخه شکست؟

حالا بروید و نمودارها را بررسی کنید و ببینید که آیا می‌توانید واگرایی‌هایی پیدا کنید که در گذشته اتفاق افتاده‌اند تا مهارت‌هایتان را در زمینه‌ی واگرایی بالا ببرید.

برگه‌ی تقلب واگرایی

بیاید مرور کنیم!

دو نوع واگرایی وجود دارد:

۱. واگرایی معمولی

۲. واگرایی پنهان

هر نوع واگرایی یا سوگیری مترقی دارد یا سوگیری افول.

از آنجا که سخت مطالعه کرده‌اید و در کلاس‌ها شرکت کرده‌اید تصمیم گرفتیم به شما کمک کنیم (چون آدم‌های خوبی هستیم) و یک برگه‌ی تقلب به شما بدهیم تا بتوانید واگرایی‌های معمولی و پنهان را سریع پیدا کنید.

نوع	سوگیری نوسانگر قیمت	توضیح	مثال
معمولی	پایین تر پایین مترقی - پایین افول	نشان دهنده‌ی قدرت زیرین است. افول تمام می‌شود. اخطار تغییر جهت روند احتمالی از روند رو به پایین به روند رو به بالا.	
	بالا تر بالای افول - بالای پایین تر	نشان دهنده‌ی ضعف زیرین است. ترقی به اتمام می‌رسد. اخطار تغییر جهت روند احتمالی از روند رو به بالا به روند رو به پایین.	

	<p>نشان دهنده‌ی قدرت زیرین است. ورود خوب یا ورود مجدد. در طی بازگشت در روند رو به بالا اتفاق می‌افتد. در زمان آزمون مجدد قیمت پایین‌های قبلی جالب است. در سرازیری بخرید</p>	<p>بالاتر بالای مترقی - پایین پایین تر</p>	
	<p>نشان دهنده‌ی ضعف زیرین است. در طی بازگشت در روند رو به پایین یافت می‌شود. در طی آزمون مجدد بالا‌های قبلی قیمت خوب است. در زمان قیمت بالا بفروشید.</p>	<p>پایین تر بالای افول - بالای بالاتر</p>	<p>پنهان</p>

خیلی زیاد است، نه؟ دو گزینه به شما می‌دهیم:

۱. می‌توانید همه‌ی این‌ها را روی کف دستتان بنویسید و در زمان مبادله به آن نگاه کنید. اگر وقتی عصبی می‌شوید دستانتان عرق

می‌کنند این کار را به شما توصیه نمی‌کنیم.

۲. می‌توانید این صفحه را علامت بزنید و وقتی در مورد پایین‌های بالاتر، بالا‌های پایین تر، پایین‌های پایین تر و بالا‌های بالاتر گیج شدید

به اینجا رجوع کنید. بهتر است در مبادله با حدس و گمان پیش نروید، درست است؟

خلاصه: واگرایی

لطفاً فراموش نکنید که از واگرایی به عنوان یک نشانه استفاده می‌کنیم نه برای ورود به مبادله!

عقلانه نیست که فقط بر اساس واگرایی مبادله کنید چون نشانه‌های نادرست زیادی داده می‌شود. ۱۰٪ عاری از شکست و خطا نیست اما وقتی به عنوان وضعیت آرایش به کار می‌رود و با ابزارهای تأیید اضافی ترکیب می‌شود مبادلات شما احتمال زیادی برای پیروز شدن با ریسک نسبتاً پایین دارند.

چند راه برای بهره بردن از این واگرایی‌ها وجود دارد.

یک راه برای بررسی خطوط روند یا الگوهای شمعدانی این است که تأیید شود آیا وارونگی برقرار است یا ادامه.

یک راه دیگر استفاده از حقه‌های حرکت با توجه به عبور واقعی یا منتظر شدن برای این است که نوسانگر از منطقه‌ی خرید بیش از حد / فروش بیش از حد خارج شود. همچنین می‌توانید سعی کنید خطوط مبادله را روی نوسانگر هم بکشید.

با این حقه‌های زیرکانه می‌توانید از خودتان در مقابل نشانه‌های نادرست محافظت کنید و آن‌هایی را که سودده هستند کنار بگذارید.

اما مبادله بر حسب این نشانه خطرناک است.

اگر در مورد این که در کدام جهت مبادله کنید مطمئن نیستید کنار بنشینید و استراحت کنید.

فراموش نکنید که موضع نگرفتن به خودی خود یک تصمیم مبادله است و بهتر است پولی را که به سختی به دست آورده‌اید نگه دارید تا به خاطر یک ایده‌ی مبادله‌ای نامطمئن ضرر ندهید.

واگرایی خیلی زیاد اتفاق نمی‌افتد اما وقتی اتفاق می‌افتد باید به آن توجه کنید.

واگرایی‌های معمولی می‌توانند به شما کمک کنند سود زیادی کسب کنید چون می‌توانید در زمان تغییر روند به خوبی وارد شوید.

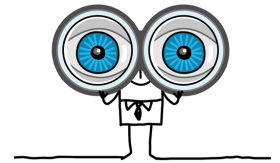
واگرایی‌های پنهان می‌توانند به شما کمک کنند بیشتر مبادله کنید و در نتیجه با ماندن در جهت درستی از روند سودی بیش از حد انتظار به دست بیاورید.

حقه این است که چشمانتان را آموزش دهید تا واگرایی‌ها را وقتی ظاهر می‌شوند پیدا کند و واگرایی‌های مناسبی را برای مبادله انتخاب کنید.

فقط به این خاطر که واگرایی را می‌بینید معنایش لزوماً این نیست که باید به طور خودکار با موضعی وارد شوید. آرایش مناسبی را انتخاب کنید تا نتیجه بگیرید.

تشخیص روند

وقتی دو نفر به جنگ می‌روند، مرد احمق همیشه سراسیمه و کورکورانه و بدون برنامه به جنگ می‌روداز سوی دیگر، انسان عاقل ابتدا گزارش وضعیت را به دست می‌آورد تا از شرایط اطراف آگاه شود که می‌تواند بر جنگ تاثیرگذار باشد.



مانند جنگ، ما نیز باید گزارش وضعیت درباره بازاری که در آن معامله می‌کنیم به دست آوریم. این بدان معنی است که باید بدانیم در چه نوع محیطی هستیم. برخی معامله‌گران با گریه می‌گویند که سیستم‌شان مشکل دارد. گاهی اوقات سیستم واقعا مشکل دارد. گاهی اوقات هم، سیستم به طور بالقوه سودآور است، اما در محیط اشتباه استفاده می‌شود.

معامله‌گران مجرب سعی می‌کنند استراتژی مناسب را برای محیی که در آن معامله می‌کنند پیدا کنند. همانطور که یک مربی، بازی‌های مختلف را برای موقعیت‌ها یا حریفان خاص در نظر می‌گیرد، شما هم باید تصمیم بگیرید که از کدام استراتژی استفاده کنید.

با شناخت محیطی که در آن معامله می‌کنیم، می‌توانیم استراتژی روند یا استراتژی "محدوده" را انتخاب کنیم. ("محدوده"، حالتی است که در آن قیمت بین سقف و کف بالا و پایین می‌رود)

آیا نگرانید که از استراتژی محدوده یا روند استفاده کنید؟

نترسید!

بازار فارکس فرصت‌های روند و محدوده بسیاری در دوره‌های زمانی متفاوت فراهم می‌کند که می‌توانید این استراتژی‌ها را اجرا کنید.

با شناخت استراتژی‌های مناسب، راحت‌تر می‌فهمید که از کدام شاخص‌ها در جعبه ابزار خود استفاده کنید.

به عنوان مثال، خطوط روند در بازارهای روند مفیدند در حالی که سطوح حمایت و مقاومت زمانی مفیدند که بازار در حالت خنثی قرار دارد.

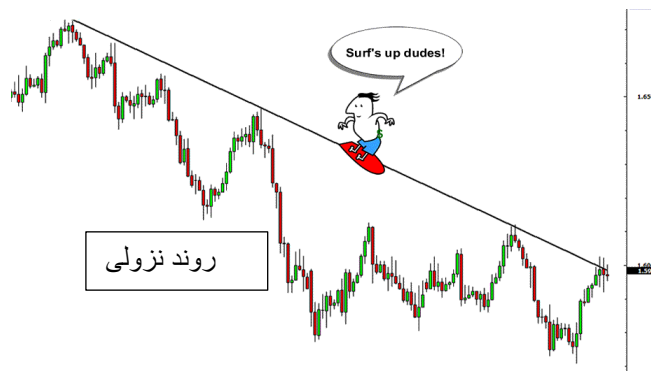
قبل از شناسایی این فرصت‌ها، باید قادر به تعیین محیط بازار باشید. حالت بازار را می‌توان به سه سناریو طبقه بندی کرد:

- روند صعودی
- روند نزولی
- محدوده (خنثی)

بازار روند چیست؟

بازار روند بازاری است که در آن قیمت به طور کلی در یک جهت حرکت می‌کند.

مطمئناً، قیمت ممکن است هر از گاهی بر خلاف روند حرکت کند اما نگاهی به بازه‌های زمانی طولانی‌تر نشان می‌دهد که در این حالتها بازار فقط در حال استراحت برای ادامه روند است.



روندها معمولاً با «سقف‌های بالاتر» و «کف‌های بالاتر» در روند صعودی و توسط «سقف‌های پایین‌تر» و «کف‌های پایین‌تر» در روند نزولی ذکر می‌شوند.

هنگام معامله با استراتژی روند، معامله‌گران معمولاً از ارزش‌های اصلی استفاده می‌کنند چرا که این جفت‌ها تمایل به روند داشته و از سایر جفت‌ها نقدینگی بیشتری دارند.

نقدینگی در استراتژی‌های روند بسیار مهم است. هر چه جفت ارز نقدتر باشد، می‌توانیم انتظار حرکت بیشتری را داشته باشیم.

هر چه حرکت یک ارز بیشتر باشد، فرصت‌های بیشتری وجود دارد که در آن قیمت ممکن است به یک جهت به شدت حرکت کند.

غیر از زیر نظر گرفتن قیمت، همچنین می‌توانید از ابزار فنی که در بخش‌های قبلی آموخته‌اید برای تعیین اینکه آیا یک روند در بازار وجود دارد یا نه استفاده کنید.

ADX در بازار روند

یک راه برای تعیین اینکه بازار روند دارد یا خیر استفاده از شاخص ADX است.

این شاخص که توسط ولز وایلدر طراحی شد، دارای مقدار ۰ تا ۱۰۰ است که تعیین می‌کند آیا قیمت به شدت در حال حرکت در یک جهت است یا نه.

مقادیر بیش از ۲۵ معمولاً نشان می‌دهد که قیمت دارای روند است یا نسبت به گذشته دارای روند قوی‌تری است.

هر چه این عدد بالاتر باشد، روند قوی‌تر است.

با این حال، ADX شاخصی است که لزوماً آینده را پیش‌بینی نمی‌کند. همچنین شاخصی غیر جهت‌دار است، بدین معنی که قیمت چه صعودی باشد چه نزولی، رقم مثبتی را گزارش می‌کند.

نگاهی به این مثال بیندازید. قیمت به وضوح دارای روند نزولی است حتی اگر ADX بیشتر از ۲۵ باشد.

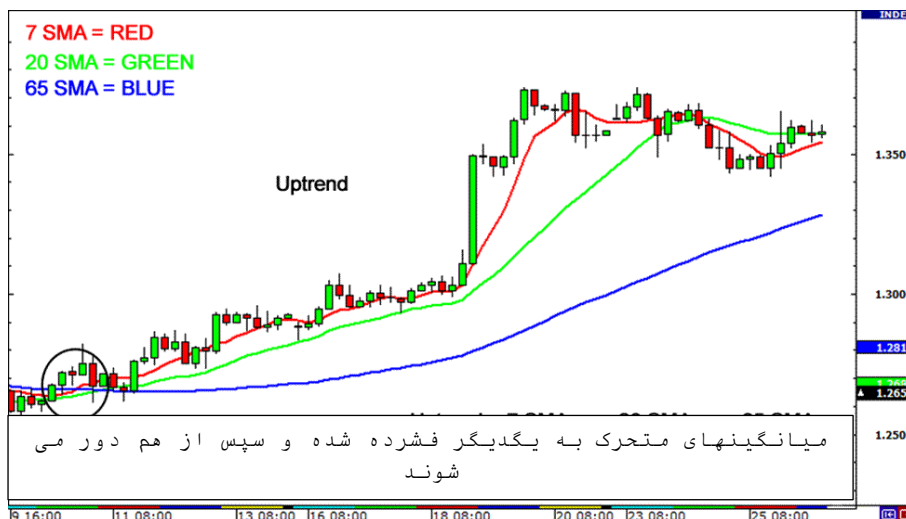


میانگین متحرک در بازار روند

اگر از طرفداران ADX نیستید، می‌توانید از میانگین متحرک ساده نیز استفاده کنید.

میانگین متحرک ساده‌ی ۷ دوره‌ای، ۲۰ دوره‌ای، و ۶۵ دوره‌ای در نمودار خود قرار دهید. سپس صبر کنید تا سه میانگین متحرک با یکدیگر تلاقی پیدا کنند.

اگر میانگین متحرک ۷ دوره‌ای در بالای ۲۰ دوره‌ای نمایان شود، و ۲۰ دوره‌ای در بالای ۶۵ دوره‌ای باشد آنگاه قیمت روند صعودی دارد.



از سوی دیگر، اگر ۷ دوره‌ای پایین‌تر از ۲۰ دوره‌ای ظاهر شود و ۲۰ دوره‌ای پایین‌تر از ۶۵ دوره‌ای، آنگاه قیمت روند نزولی دارد.



باند‌های بولینگر در بازار روند

ابزاری که اغلب برای استراتژی "محدوده" استفاده می‌شود می‌تواند در کشف روند نیز کمک‌کننده باشد. داریم در مورد باند‌های بولینگر صحبت می‌کنیم.

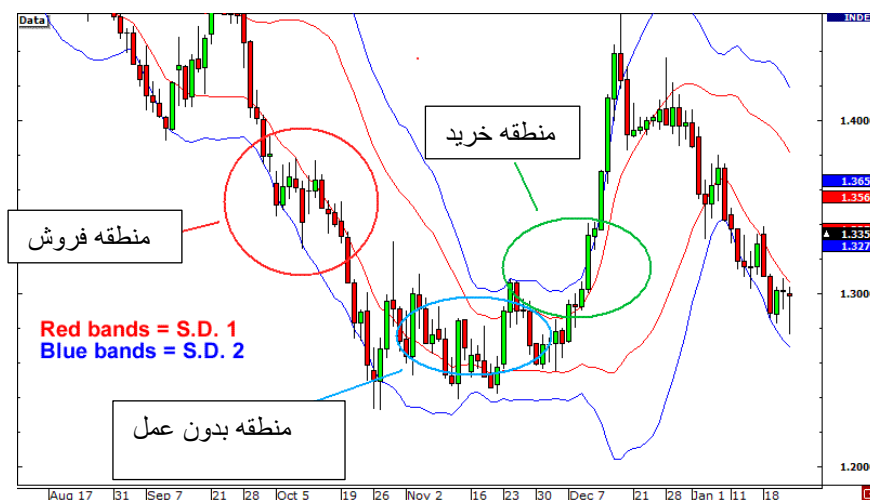
نکته‌ای که باید در مورد روند بدانید این است که آنها در واقع بسیار نادرند. بر خلاف آنچه ممکن است فکر کنید، قیمت‌ها واقعا ۷۰-۸۰ درصد اوقات "محدوده" دارند.

بنابراین، اگر قیمت از «وضعیت محدوده» خارج شود آنگاه باید در روند باشد.

باند‌های بولینگر در واقع حاوی فرمول انحراف معیارند. اما نگران نباشید توضیح می‌دهیم.

در اینجا می‌توانیم از باند‌های بولینگر برای تعیین روند استفاده کنیم!

یک باند با انحراف معیار ۱ و باند دیگری با انحراف معیار ۲ قرار دهید. سه مجموعه از مناطق قیمت را خواهید دید: منطقه فروش، منطقه خرید، و «سرزمین بدون عمل».



منطقه فروش: منطقه بین دو باند پایینی باندهای انحراف معیار ۱ (SD 1) و انحراف معیار ۲ (SD 2) است. به یاد داشته باشید که قیمت باید بین باندها بسته شود تا در منطقه فروش در نظر گرفته شود.

منطقه خرید: منطقه بین دو باند بالایی SD 1 و SD 2 است. مانند منطقه فروش، قیمت باید بین این دو باند بسته شود تا در منطقه خرید در نظر گرفته شود.

منطقه بین باندهای انحراف معیار ۱، منطقه‌ای است که در آن بازار تلاش می‌کند جهت را پیدا کند.

باند‌های بولینگر تأیید روند به طور بصری را آسان‌تر می‌سازند.

روندهای نزولی را زمانی می‌توان تأیید کرد که قیمت در منطقه فروش است.

روندهای صعودی را زمانی می‌توان تأیید کرد که قیمت در منطقه خرید است.

بازار محدوده (یا خنثی) چیست؟

بازار محدوده بازاری است که در آن قیمت بین سقف و کف تغییر می‌کند. قیمت سقف به عنوان سطح مقاومت اصلی عمل می‌کند که در آن قیمت ظاهر نمی‌تواند بشکند.

به همین ترتیب، قیمت کف به عنوان سطح حمایت اصلی عمل می‌کند که در آن قیمت ظاهر نمی‌تواند بشکند.



ADX در بازار محدوده

یک راه برای تعیین اینکه بازار محدوده است یا نه، استفاده از ADX است که قبلاً بحث کردیم. زمانی می‌توان گفت بازار روند خنثی دارد که ADX زیر ۲۵ باشد. به یاد داشته باشید، با کاهش مقدار ADX، روند ضعیف‌تر می‌شود.



باندهای بولینگر در بازار محدوده

در اصل، باندهای بولینگر زمانی جمع می‌شوند که نوسانات کمتر در بازار وجود دارد و زمانی باز می‌شوند که نوسانات بیشتری وجود دارد. به همین دلیل، باندهای بولینگر ابزار خوبی برای استراتژی‌های شکست ارائه می‌کنند.

وقتی باندها نازک و جمع شده‌اند، نوسانات کم است و باید کمی حرکت قیمت در یک جهت وجود داشته باشد. با این حال، وقتی باند شروع به باز شدن می‌کند، نوسانات در حال افزایش است و حرکت قیمت در یک جهت محتمل است.



در این مورد، می‌توانیم ببینیم که با حرکت قیمت در محدوده تنگ، باندهای بولینگر جمع می‌شوند.

ایده اصلی استراتژی بازار خنثی این است که یک جفت ارز دارای قیمت سقف و کف است که معمولاً بین آنها معامله می‌شود.

با خرید در نزدیکی قیمت کف، معامله‌گر امیدوار به کسب سود در اطراف قیمت سقف است. با فروش در نزدیکی قیمت سقف، معامله‌گر امیدوار به کسب سود در اطراف قیمت کف است. ابزارهای محبوب برای استفاده عبارتند از: *کانال‌ها* مانند آنچه در بالا نشان داده شد و باندهای بولینگر.

استفاده از اسیلاتورها، مانند **Stochastic** یا **RSI**، به افزایش شانس شما برای پیدا کردن نقطه عطف در محدوده کمک خواهند کرد زیرا به طور بالقوه می‌توانند شرایط اشباع فروش و اشباع خرید را تشخیص دهند. در اینجا مثالی با استفاده از GBP/USD ارائه می‌شود.



نکته: بهترین جفت‌ها برای استراتژی‌های محدوده ارزهای کراس هستند. کراس‌ها یعنی جفت ارزهای بدون دلار آمریکا.

یکی از شناخته شده‌ترین جفت ارزها برای معامله محدوده‌ها EUR/CHF است. نرخ رشد مشابه در اتحادیه اروپا و سوئیس نرخ مبادله این جفت ارز را تقریباً ثابت نگه می‌دارند.

نتیجه‌گیری

اگر یک جفت ارز را در محیط روند یا محیط محدوده معامله کنید، باید بدانید که به هر حال می‌توانید سود کنید.

یاد بگیرید که چگونه می‌توانید سقف‌ها و کف‌ها را در هر دو محیط بازار روند و محدوده پیدا کنید. با دانستن اینکه محیط روند و محیط

محدوده چیست، می‌توانید از استراتژی خاص برای هر یک استفاده کنید.

اصلاح یا تغییر روند ؟

آیا تا به حال در این وضعیت بوده‌اید؟



به نظر می‌رسد قیمت در حال افزایش باشد و زمان مناسب برای اقدام به خرید است.

اشتباه فکر کرده اید!



با «اصلاح قیمت» مواجه شده‌اید!

هیچ کس دوست ندارد با «اصلاح قیمت» برخورد کند اما، متأسفانه، اتفاق می‌افتد.

چرا؟

در مثال بالا، معامله‌گر موفق به تشخیص تفاوت بین اصلاح و بازگشت نشد. به جای صبر و دنبال کردن روند نزولی، معامله‌گر معتقد بود که بازگشت در راه است.

در این درس، ویژگی‌های اصلاح و بازگشت را یاد می‌گیرید، چگونه آنها را تشخیص دهید، و چگونه از خودتان در برابر سیگنال‌های نادرست محافظت کنید.

اصلاح چیست؟

اصلاح به صورت حرکت موقت قیمت بر خلاف روند تثبیت شده است. به عبارت دیگر، قیمت بر خلاف روند حرکت می‌کند اما برمی‌گردد تا روند را ادامه دهد.



به اندازه کافی آسان است؟ بیایید جلو برویم...

بازگشت چیست؟

بازگشت به صورت تغییر در روند کلی قیمت تعریف می‌شود. هنگامی که روند صعودی تبدیل به روند نزولی می‌شود، بازگشت اتفاق می‌افتد. هنگامی که روند نزولی تبدیل به روند صعودی می‌شود نیز بازگشت رخ می‌دهد. با استفاده از مثال بالا، بازگشت این شکلی است.



چه باید کرد؟

هنگام مواجهه با اصلاح یا بازگشت احتمالی، سه گزینه دارید:

۱. اگر در یک موقعیت هستید، و آن را حفظ کنید، ممکن است معلوم شود که اصلاح در کار نبوده و یک بازگشت دراز مدت است. این حالت می‌تواند منجر به ضرر شود.
 ۲. می‌توانید موقعیت خود را ببندید و اگر قیمت دوباره شروع به حرکت با روند کلی کند دوباره وارد شوید. البته اگر قیمت به شدت در یک جهت حرکت کند می‌تواند فرصت معامله از دست برود. اگر تصمیم به ورود دوباره بگیرید پول کارمزد هم هدر می‌رود.
 ۳. می‌توانید کلاً آن موقعیت را ببندید. این حالت می‌تواند با توجه به اتفاقات بازار منجر به سود یاریان شود.
- از آنجا که بازگشت می‌تواند در هر زمانی رخ دهد، انتخاب بهترین گزینه همیشه آسان نیست. به همین دلیل استفاده از نقاط توقف زیان می‌تواند روش مدیریت ریسک مناسبی باشد.

می توانید از آن برای محافظت از سود خود استفاده کنید و مطمئن شوید که اگر بازگشت بلند مدت اتفاق افتد همیشه چند پیپ برنده می شوید.

شناسایی بازگشت

تشخیص مناسب بین اصلاح و بازگشت می‌تواند تعداد معاملات زیان آور را کاهش دهد و حتی برخی از معاملات سودآور برای شما ایجاد کند. طبقه بندی حرکت قیمت به عنوان اصلاح یا بازگشت بسیار مهم است.

چندین تفاوت کلیدی در تشخیص اصلاح و بازگشت روند وجود دارد که عبارتند از:

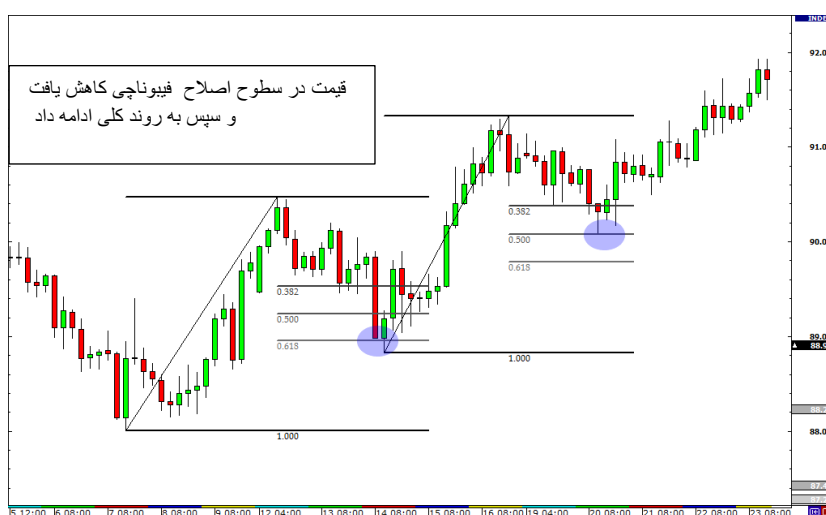
اصلاح	بازگشت
معمولاً پس از حرکت بزرگ قیمت رخ می‌دهد.	می‌تواند در هر زمان رخ دهد.
کوتاه مدت، با عمر کوتاه.	حرکت قیمت دراز مدت
روند حرکتی تغییر نمی‌کند.	روند حرکتی تغییر می‌کند.
در روند صعودی، علاقه به خرید وجود دارد، در نتیجه احتمال افزایش قیمت وجود دارد. در روند نزولی، علاقه به فروش وجود دارد، در نتیجه احتمال کاهش قیمت وجود دارد.	در روند صعودی، علاقه کمی به خرید وجود دارد، در نتیجه قیمت کاهش می‌یابد. در روند نزولی، علاقه کمی به فروش وجود دارد، در نتیجه کاهش بیشتر قیمت وجود دارد.

شناسایی اصلاح

راه رایج برای شناسایی اصلاح استفاده از سطوح فیبوناچی است.

در اکثر موارد، اصلاح قیمت در اطراف مناطق ۳۸.۲٪، ۵۰.۰٪ و ۶۱.۸٪ سطوح اصلاح فیبوناچی صورت می‌گیرد.

اگر قیمت فراتر از این سطوح برود، ممکن است علامت دهد که بازگشت روی خواهد داد. دقت کنید که نگفتیم رخ خواهد داد. همانطور که احتمالاً متوجه شده‌اید، تحلیل تکنیکال علم دقیق نیست و هر احتمالی ممکن است رخ دهد.



در این مورد، قیمت در سطح ۶۱.۸٪ استراحت کرد و سپس روند صعودی را از سر گرفت. بعد از مدتی، دوباره عقب کشید و در سطح ۵۰٪ توقف کرد و سپس بالاتر رفت.

راه دیگر برای پی بردن به بازگشت قیمت، استفاده از نقاط محوری است.

در روند صعودی، معامله گران به نقاط حمایت پایین تر (S3, S2, S1) نگاه کرده و صبر می کنند تا بشکنند. در روند نزولی، معامله گران به نقاط مقاومت بالاتر (R3, R2, R1) نگاه کرده و صبر می کنند تا بشکنند. اگر شکسته شد، بازگشت می تواند در حال شکل گیری باشد!



آخرین روش استفاده از خطوط روند است. هنگامی که خط روند اصلی شکسته شد، ممکن است بازگشت در حال شکل گیری باشد. با استفاده از این ابزار فنی همراه با/الگوهای نمودار شمعی که قبلا مورد بحث قرار گرفت، معامله گر به احتمال زیاد قادر به تشخیص بازگشت است.



در حالی که این روش ها می توانند بازگشت را شناسایی کنند، اما، هیچ چیز نمی تواند جایگزین تمرین و تجربه باشد.

با گذشت زمان به اندازه کافی می توانید روش مناسبی برای شخصیت معاملاتی خود در شناسایی اصلاح و بازگشت پیدا کنید.

محافظت در برابر بازگشت

هر زمان که موقعیت اصلاح را مشاهده می کنید، از نقاط توقف زیان استفاده کنید. مانند زمانیکه برای شنا به دریا می روید و از جلیقه نجات استفاده می کنید. نقاط توقف زیان، محافظ سرمایه شما هستند.



همانطور که قبلاً گفتیم، بازگشت می تواند در هر زمانی رخ دهد. اصلاح می تواند بدون هشدار تبدیل به بازگشت شود.

این امر باعث می شود استفاده از حد توقف متحرک (Trailing Stop Loss) در بازارهای دارای روند، بسیار مهم شود. با استفاده از حد توقف متحرک، به طور موثری می توانید از خروج خیلی زود از موقعیت در اصلاح جلوگیری کنید و در صورت لزوم از بازگشت خارج شوید.

نتیجه گیری

لازم نیست با «اصلاح قیمت» ناپود شوید. لازم نیست همه آن پیپها را از دست دهید.

فقط بدانید چگونه اصلاح را از بازگشت تشخیص دهید. این بخش مهمی از روند معاملاتی شماست. داشتن توانایی برای انجام این کار به طور موثری موجب کاهش زیان شما خواهد شد و از تبدیل برندگان به بازندگان جلوگیری می کند.

شکست روند (Break Out)

شکست چیست و چگونه می‌توانم از آن استفاده کنم؟



بر خلاف شکست‌های دوران جوانی که ممکن است تجربه کرده باشید، شکست در جهان تجارت کمی متفاوت است!

شکست زمانی رخ می‌دهد که قیمت از سطح خاصی از محدوده معاملاتی خارج شود.

شکست همچنین می‌تواند زمانی رخ دهد که به سطح قیمت خاصی برسد مانند سطوح حمایت و مقاومت، نقاط محوری، سطوح فیبوناچی، و غیره.

با معاملات شکست، هدف ورود به بازار در زمانی است که قیمت می‌شکند و سپس به معامله ادامه می‌دهد تا زمانی که نوسانات از بین برود.

نوسانات بازار قابل رویت است نه حجم بازار

توجه داشته باشید که بر خلاف معامله سهام یا آتی، هیچ راهی برای دیدن حجم معاملات انجام شده در بازار فارکس وجود ندارد.

در معاملات سهام و آتی، حجم برای انجام معاملات شکست ضروری است بنابراین نداشتن این اطلاعات در بازار فارکس نقطه ضعف محسوب می‌شود.

به دلیل این نقطه ضعف، هم باید به مدیریت ریسک تکیه کنیم و هم معیارهای خاصی به منظور کسب موقعیت برای شکست روند.

اگر حرکت‌های زیاد قیمت در زمان کوتاهی وجود دارد، آنگاه نوسانات بالا در نظر گرفته می‌شود.

از سوی دیگر، اگر حرکت نسبتاً کمی در دوره زمان کوتاهی وجود دارد آنگاه نوسانات پایین در نظر گرفته می‌شود.

در حالی که ورود به بازار در زمانی که سریع‌تر از گلوله در حال حرکت است و سوسه انگیز است، اغلب خود را بیشتر تحت فشار و مضطرب خواهید دید.

این نوسانات بالا چیزی است که بسیاری از معامله‌گران جذب آن می‌شوند اما این همان نوسانات است که بسیاری از آنها را نیز نابود می‌کند.

هدف در اینجا استفاده از نوسانات به نفع خود است.

به جای اینکه به دنبال دیگران راه بیفتید و در زمانی که بازار فوق‌العاده پرنوسان است وارد شوید، بهتر است دنبال جفت‌ارزهایی باشید که نوسانات بسیار کمی دارند.

به این ترتیب، می‌توانید از خودتان محافظت کنید و برای زمانی که شکست رخ می‌دهد و نوسانات کاهش می‌یابد آماده شوید!

راهایی برای اندازه گیری نوسانات

نوسان چیزی است که می توانیم برای زمانی که به دنبال فرصت های تجاری شکست خوب هستیم استفاده کنیم.

نوسان به اندازه گیری حرکات کلی قیمت در دوره زمانی خاص می پردازد و این اطلاعات می تواند برای تشخیص شکست استفاده شود.

چند شاخص وجود دارد که می تواند برای سنجش نوسانات فعلی جفت ارز به شما کمک کند. در زمانی که به دنبال فرصت شکست هستید، استفاده از این شاخص می تواند به شما فوق العاده کمک کند.

۱. میانگین متحرک

میانگین متحرک احتمالاً شایع ترین شاخص مورد استفاده توسط معامله گران است و اگرچه ابزار ساده ای است، داده های ارزشمندی فراهم می کند.

به عبارت ساده، میانگین متحرک به اندازه گیری میانگین حرکت بازار برای مقدار زمانی X می پردازد که در آن X عدد دلخواه است.

به عنوان مثال اگر دوره ۲۰ را به نمودار روزانه اعمال کنید، میانگین متحرک در ۲۰ روز گذشته را به شما نشان می دهد.

انواع دیگری از میانگین متحرک وجود دارد مانند نمایی و وزنی، اما برای هدف این درس، زیاد وارد جزئیات نمی شویم.

برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد میانگین متحرک و یا مرور بر آنها، درس میانگین متحرک را بررسی کنید.



۲. باندهای بولینگر

باندهای بولینگر ابزار بسیار عالی برای اندازه گیری نوساناتند چرا که دقیقاً برای انجام همین کار طراحی شده اند.

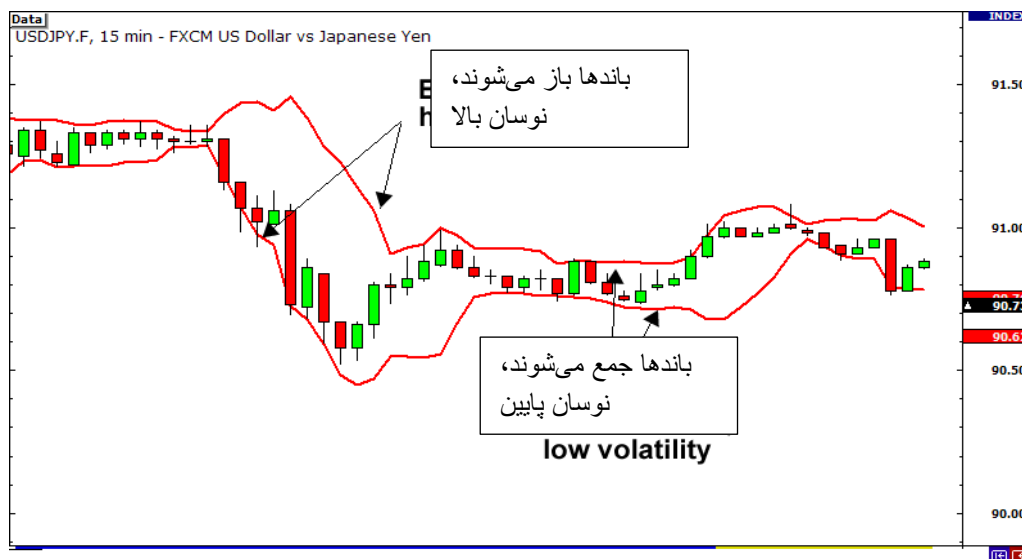
باندهای بولینگر در واقع ۲ خط هستند که به اندازه ۲ انحراف معیار در بالا و پایین میانگین متحرک برای مقدار زمانی X رسم می‌شوند که X مقدار دلخواه است.

بنابراین اگر آن را در ۲۰ تنظیم کنیم، میانگین ۲۰ دوره ای و دو خط دیگر خواهیم داشت. یک خط که در ۲+ انحراف معیار در بالای آن رسم می‌شود و خط دیگر در پایین.

زمانی که باندها جمع می‌شوند، یعنی نوسانات کم است.

هنگامی که باندها باز می‌شوند، یعنی نوسانات زیاد است.

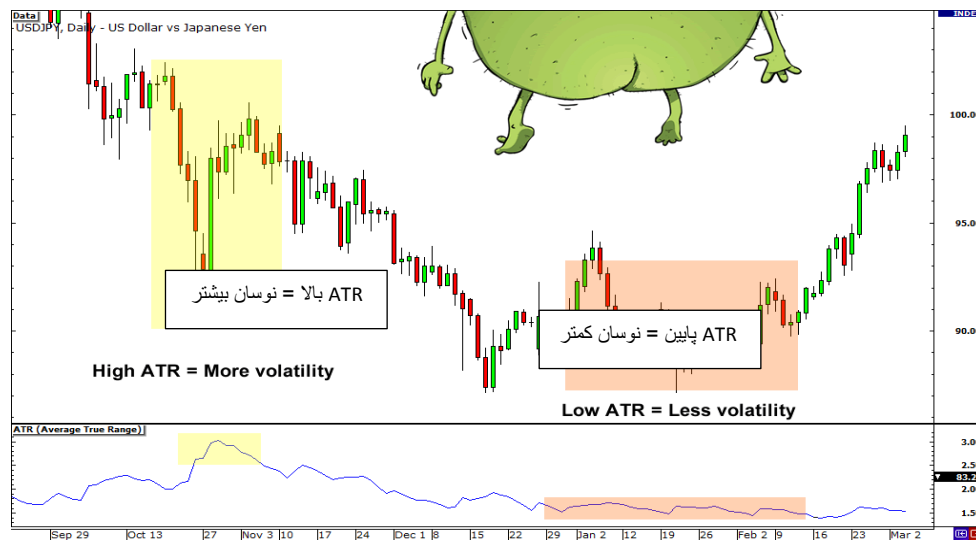
برای توضیح کامل‌تر، درس باندهای بولینگر را بررسی کنید.



۳. میانگین محدوده واقعی (ATR)

ATR ابزار عالی برای اندازه گیری نوسانات است چرا که میانگین محدوده نوسان بازار برای یک دوره خاص از زمان را به ما می‌گوید.

بنابراین اگر ATR را به 20 در نمودار روزانه تنظیم کنید، محدوده معاملات میانگین برای ۲۰ روز گذشته را نشان می‌دهد.



هنگامی که ATR در حال سقوط است، نشان می‌دهد که نوسانات در حال کاهش است.

هنگامی که ATR در حال افزایش است، نشان می‌دهد که نوسانات رو به افزایش است.

انواع شکست

هنگام معامله شکست، مهم است بدانید که دو نوع اصلی وجود دارد:

۱. شکست ادامه دار

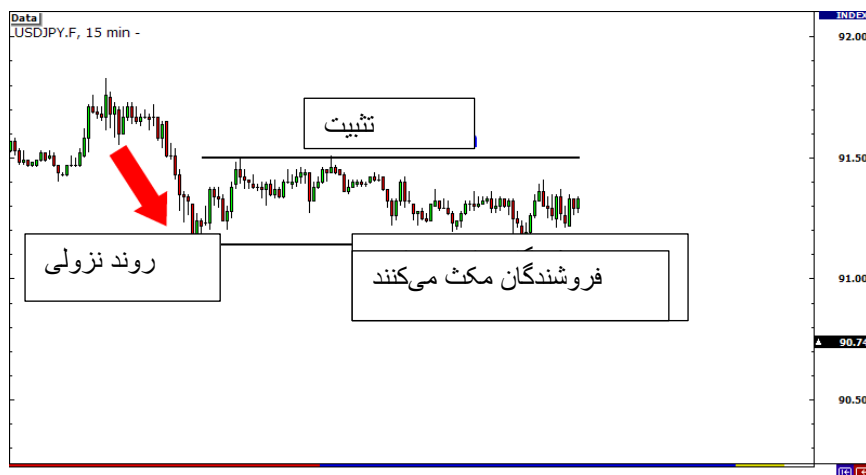
۲. شکست بازگشتی

دانستن اینکه چه نوع شکستی را می‌بینید به درک وقایع در تصویر بزرگ از بازار کمک خواهد کرد.

شکست‌ها مهمند چرا که تغییر در عرضه و تقاضای جفت ارزی را که معامله می‌کنید نشان می‌دهند. این تغییر در تمایلات می‌تواند موجب حرکت‌های گسترده‌ای شود که فرصت بسیار عالی برای به دست آوردن چند پیپ فراهم می‌کند.

شکست ادامه دار

گاهی اوقات که حرکت گسترده در یک جهت بازار وجود دارد، قیمت اغلب مکث خواهد کرد. این امر هنگامی رخ می‌دهد که خریداران و فروشندگان مکث می‌کنند تا برای اقدام بعدی فکر کنند. در نتیجه، شاهد دوره‌ی حرکت محدود موسوم به تثبیت خواهید بود.



اگر معامله‌گران تصمیم بگیرند که شکست روند اولیه درست بوده است، و همچنان به فشار قیمت در همان جهت ادامه دهند، نتیجه شکست ادامه دار است. فقط آن را به صورت «ادامه» روند اولیه در نظر بگیرید.

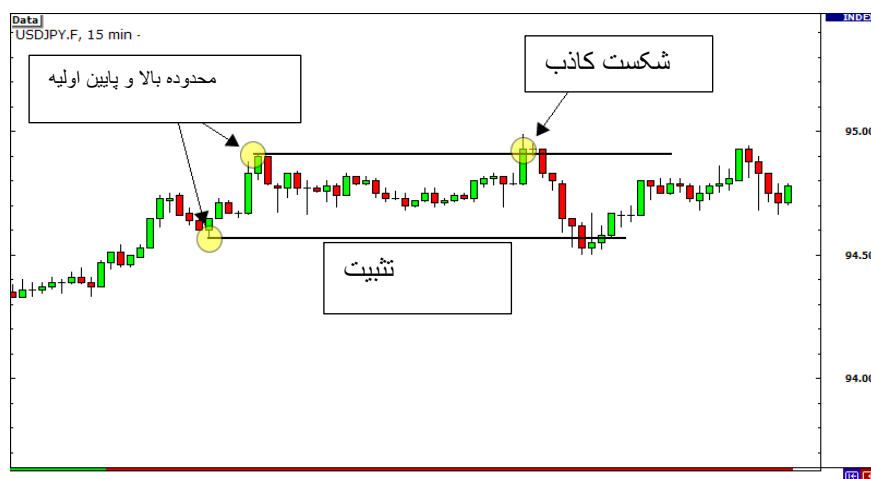
شکست‌های بازگشتی

شکست بازگشتی به همان شیوه قبلی شروع می‌شود تنها تفاوت این است که پس از این تثبیت، معامله‌گران تصمیم می‌گیرند که روند به پایان رسیده است و قیمت را در خلاف جهت یا جهت «معکوس» فشار می‌دهند. در نتیجه، «شکست بازگشتی یا معکوس» رخ می‌دهد.



شکست کاذب

شکست کاذب زمانی رخ می‌دهد که قیمت پس از سطح معینی (حمایت، مقاومت، مثلث، خط روند، و غیره) می‌شکند اما به حرکت سریع در آن جهت ادامه نمی‌دهد و پس از آن قیمت به محدوده نوسان خود بر گردد.



یک راه خوب برای ورود به شکست این است که صبر کنید تا زمانی که قیمت به سطح شکست اصلی برگردد و سپس صبر کنید تا ببینید که برمی گردد تا سقف یا کف جدیدی ایجاد کند.



راه دیگر برای مقابله با شکست‌های کاذب این است که اولین شکستی را که می‌بینید در نظر نگیرید. صبر کنید تا ببینید قیمت به حرکت در جهت مورد نظر ادامه خواهد داد یا نه، و اینگونه شانس بهتری برای گرفتن معامله سود آور به دست می‌آورید. نقطه ضعف آن در این است که ممکن است برخی معاملات را که در آن قیمت به سرعت حرکت می‌کند را از دست بدهید.

تشخیص شکست

نکته خوب در مورد معاملات بر روی شکست روند این است که تشخیص فرصت با چشم غیر مسلح خیلی آسان است! هنگامی که شروع به استفاده از نشانه‌های شکست می‌کنید، قادر خواهید بود معاملات خوب را نسبتاً سریع تشخیص دهید.

الگوهای نمودار

در حال حاضر باید به نمودارها و شناخت الگو که نشان دهنده شکست معکوس هستند عادت کرده باشید. برخی از آنها عبارتند از:

- الگوی Double Top/ Double Bottom
- الگوی Head and Shoulders
- الگوی Triple Top/ Triple Bottom

برای اطلاعات بیشتر، درس الگوهای نمودار را بررسی کنید.

علاوه بر الگوهای نمودار، چند ابزار و شاخص وجود دارد که می‌توانید برای تشخیص بهتر از آنها استفاده کنید.

خطوط روند

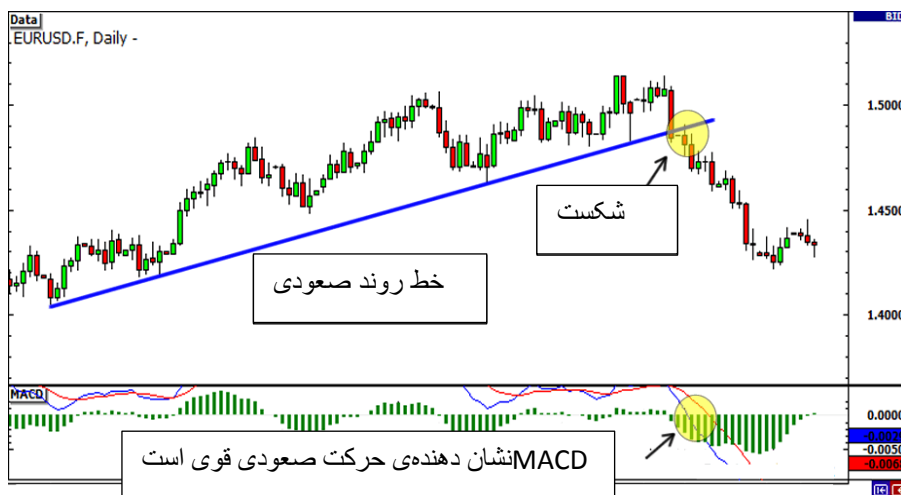
اولین راه برای تشخیص شکست احتمالی، رسم خطوط روند روی نمودار است. برای رسم خط روند، به نمودار نگاه کنید و خطی رسم کنید که با روند فعلی حرکت کند.



هنگام رسم خطوط روند، بهتر است حداقل دو سقف و کف را متصل کنید. هر چه سقف و کف بیشتری را متصل کنید، خط روند قوی‌تر خواهد بود.

پس چگونه می‌توانید از خطوط روند به نفع خود استفاده کنید؟ زمانی که قیمت به خط روند نزدیک می‌شود، فقط دو چیز می‌تواند رخ دهد. قیمت می‌تواند به روند ادامه دهد یا می‌تواند خط روند را بشکند و باعث بازگشت شود.

به هر حال نگاه کردن به قیمت کافی نیست. استفاده از یک یا چند شاخص ذکر شده در این درس می‌تواند فوق العاده به شما کمک کند.



توجه داشته باشید که وقتی EUR/USD خط روند را شکست، MACD حرکت نزولی را نشان می‌داد. با استفاده از این اطلاعات، می‌توانیم با خیال راحت بگوییم که شکست، یورو را پایین می‌کشد و ما به عنوان معامله‌گر، باید این جفت ارز را به فروش برسانیم.

کانال‌ها

راه دیگر برای تشخیص فرصت‌های شکست، رسم کانال‌های روند است. رسم کانال‌های روند تقریباً مثل رسم خطوط است با این تفاوت که بعد از رسم خط روند، باید طرف دیگر را اضافه کنید.



کانال‌ها مفیدند زیرا می‌توانید شکست‌ها را در هر دو جهت روند تشخیص دهید. این رویکرد شبیه به رویکرد خطوط روند است، از این لحاظ که منتظر می‌مانیم تا قیمت به یکی از خطوط کانال برسد و سپس تصمیم‌گیری می‌کنیم.



توجه کنید که وقتی EUR/USD زیر خط پایینی کانال روندقرار داشت، MACD حرکت نزولی قوی را نشان داد. این نشانه خوبی برای فروش است!

مثلث‌ها

راه سوم برای تشخیص فرصت‌های شکست جستجوی مثلث‌ها است. مثلث زمانی شکل می‌گیرد که قیمت بازار شروع به نوسان می‌کند و شروع به تثبیت در محدوده باریکی می‌کند. هدف ما وارد شدن به موقعیت در زمانی است که بازار تثبیت می‌شود تا وقتی شکست رخ می‌دهد بتوانیم یک حرکت را بگیریم.

سه نوع مثلث وجود دارد:

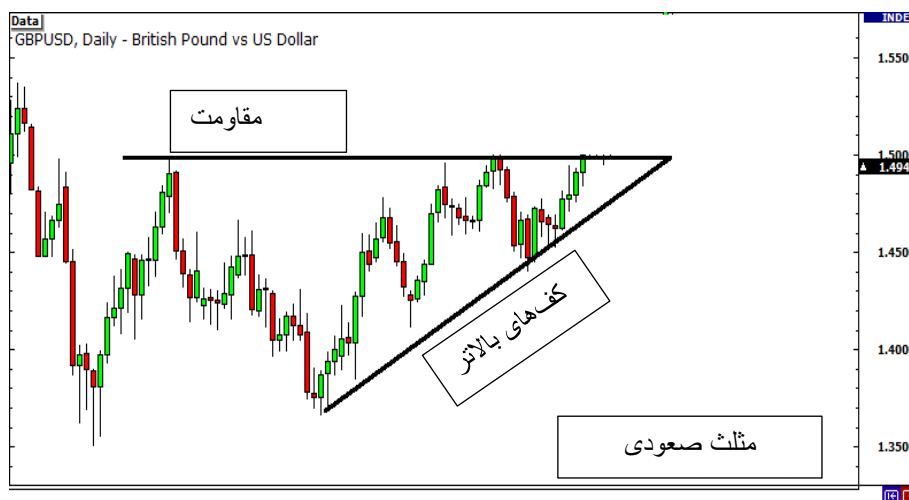
۱. مثلث صعودی

۲. مثلث نزولی

۳. مثلث متقارن

مثلث صعودی

مثلث صعودی زمانی به وجود می‌آید که سطح مقاومت وجود دارد و قیمت بازار همچنان کف‌های بالاتر ایجاد می‌کند. این نشانه آن است که خریداران به آرامی شروع به غلبه بر فروشندگان می‌کنند.

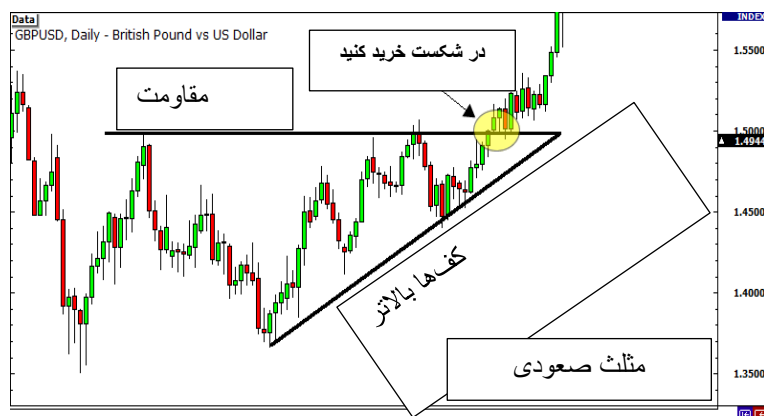


ماجرای مثلث صعودی این است که هر دفعه قیمت به سقف خاصی می‌رسد، چند معامله‌گر هستند که در مورد فروش در این سطح متقاعد شده‌اند، در نتیجه قیمت سقوط می‌کند.

از طرف دیگر، چند معامله گر هستند که بر این باورند که قیمت باید بالاتر باشد، و وقتی قیمت شروع به افت می کند، بالاتر از کف قبلی خرید می کنند. نتیجه مبارزه بین خریداران و فروشندگان است که در نهایت در مرحله فینال به نقطه واحدی می رسند...

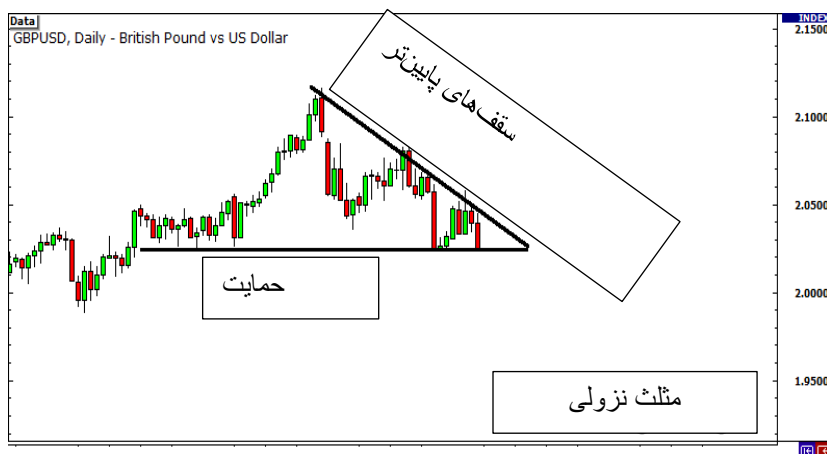


ما به دنبال شکست برای حرکت صعودی هستیم زیرا مثلث های صعودی معمولاً بیانگر حرکت رو به بالاست. وقتی که شاهد نقض مقاومت هستیم، تصمیم مناسب، خرید است.

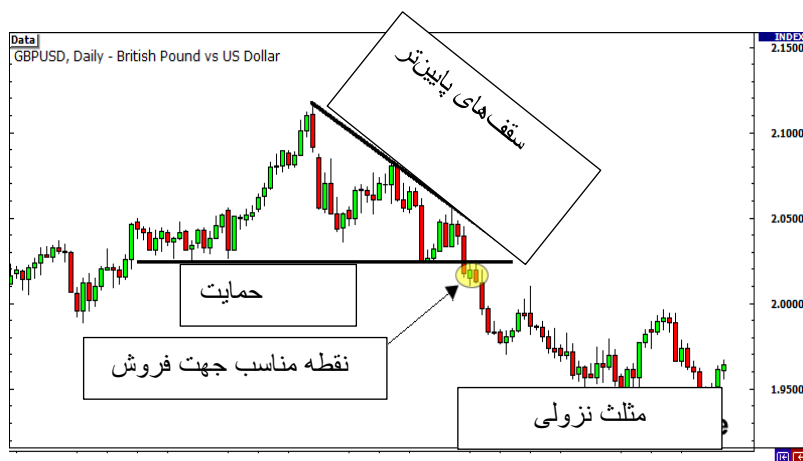


مثلث نزولی

مثلث نزولی، نقطه مقابل مثلث صعودی است. فروشندگان همچنان به اعمال فشار بر خریداران ادامه می دهند، و در نتیجه، می بینیم که سقف های پایین تر با سطح حمایت قوی برخورد می کنند.

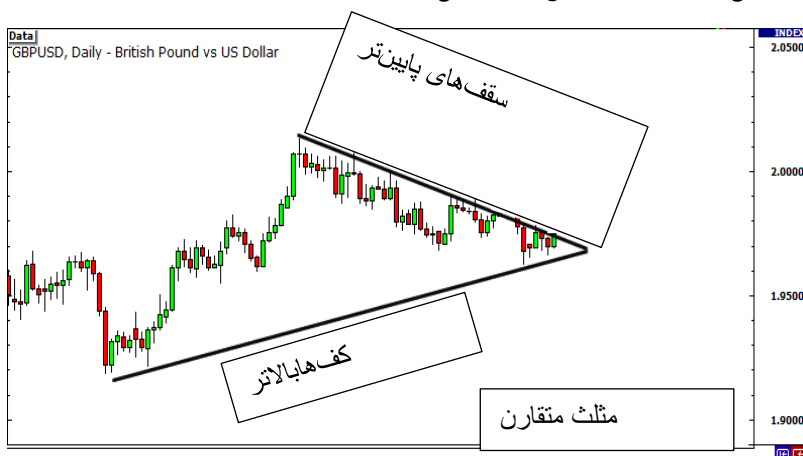


مثلث‌های نزولی به طور کلی بیانگر حالت نزولی اند. برای استفاده از آن، هدف ما این است که اگر قیمت در سطح حمایت شکسته شد، اقدام به فروش نماییم.



مثلث متقارن

نوع سوم، مثلث متقارن است. به جای داشتن سطح حمایت یا مقاومت افقی، هر دوی خریداران و فروشندگان به ایجاد کف‌های بالاتر و سقف‌های پایین‌تر می‌پردازند و جایی در وسط، یک راس تشکیل می‌دهند.



بر خلاف مثلث‌های صعودی و نزولی که معمولاً سیگنال‌های صعودی و نزولی اند، مثلث متقارن تمایل به جهت خاصی ندارد. باید آماده معامله‌ی شکست در هر دو طرف شوید!



اندازه گیری قدرت شکست

همانطور که قبلا یاد گرفتید، زمانی که روند برای مدت زمان طولانی حرکت کرده و شروع به تثبیت می‌کند، یکی از این دو مورد می‌تواند رخ دهد:

۱. قیمت می‌تواند در همان جهت ادامه یابد

۲. قیمت می‌تواند معکوس شود

آیا راهی برای تایید شکست وجود دارد؟

چند راه وجود دارد تا بفهمیم که روند دارد به پایان نزدیک می‌شود و شکست معکوس در راه است.

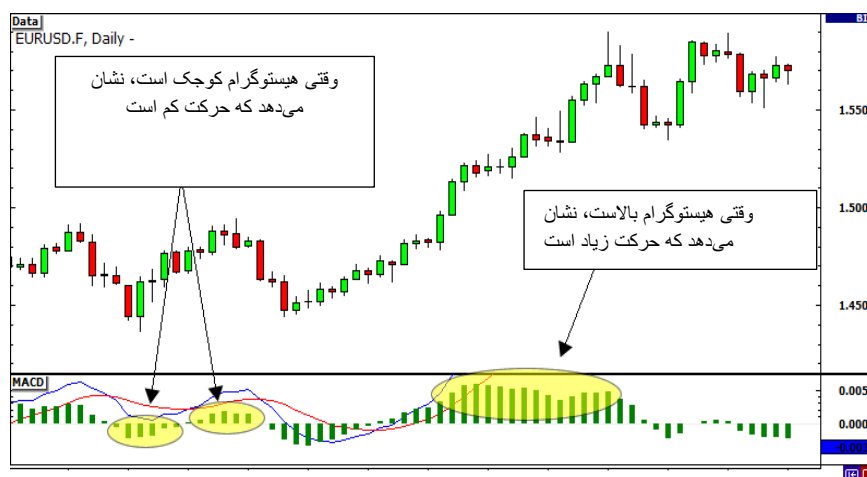
استفاده از اندیکاتور MACD

در حال حاضر اطلاع خوبی از شاخص MACD دارید. اگر چنین نیست، درس MACD را بررسی کنید.

MACD یکی از رایج‌ترین شاخص‌های مورد استفاده معامله‌گران است و دلیل خوبی هم دارد. این شاخص ساده، ولی قابل اعتماد است و می‌تواند در پیدا کردن حرکت به شما کمک کند.

MACD را می‌توان با راه‌های مختلفی نمایش داد اما یکی از «جذاب‌ترین» راه‌ها برای نگرستن به آن هیستوگرام است.

هیستوگرام تفاوت بین خط آهسته و خط سریع را در MACD نشان می‌دهد. هنگامی که هیستوگرام بزرگتر می‌شود، یعنی حرکت قوی‌تر می‌شود. هنگامی که هیستوگرام کوچک‌تر می‌شود، یعنی شتاب ضعیف‌تر می‌شود.



هنگام تلاش برای تشخیص بازگشت روند چگونه می‌توانیم از این ابزار استفاده کنیم؟

از آنجا که MACD حرکت را به ما نشان می‌دهد، منطقی است که وقتی بازار روندی را ایجاد می‌کند، حرکت هم افزایش یابد. با این حال، اگر MACD شروع به کاهش کند، حتی هنگامی که روند ادامه دارد، می‌توانید استنباط کنید که حرکت در حال کاهش است و این روند می‌تواند نزدیک به پایان باشد.

می‌توانید از تصویر ببینید که با حرکت قیمت به سمت بالاتر، MACD کوچکتر می‌شود. این بدان معنی است که حتی وقتی قیمت هنوز در یک روند قرار داشت، روند شروع به محو شدن کرد. از این اطلاعات، می‌توان نتیجه گرفت که بازگشت روند بسیار محتمل است.

شاخص قدرت نسبی (RSI)

RSI، شاخص حرکت دیگری است که برای تایید شکست معکوس مفید است. در واقع این شاخص، تغییرات بین قیمت‌های بسته شدن در سقف و کف را برای یک دوره زمانی معین نشان می‌دهد. زیاد وارد جزئیات نمی‌شویم اما برای اطلاعات بیشتر درس RSI را بررسی کنید.

می‌توان از RSI به روش مشابه MACD استفاده کرد. از این لحاظ که واگرایی تولید می‌کند. با تشخیص این واگرایی‌ها، می‌توانید بازگشت‌های روند احتمالی را پیدا کنید.



RSI همچنین برای دیدن اینکه چه مدت روند در حال "اشباع از خرید" و یا "اشباع از فروش" بوده است نیز مناسب است. نشانه رایج از اینکه بازار در اشباع از خرید است، این است که RSI بالاتر از ۷۰ است. از سوی دیگر، نشانه رایج از اینکه بازار در اشباع از فروش است، این است که RSI زیر ۳۰ قرار دارد.

از آنجا که روندها، حرکت‌هایی در یک جهت برای مدت زمان طولانی اند، اغلب می‌بینید که RSI به محدوده اشباع از خرید یا اشباع از فروش وارد می‌شود.

اگر در یک روند، علامتهای اشباع از فروش یا اشباع از خرید برای مدت زمان طولانی ایجاد شود و شروع به حرکت در محدوده RSI کند، نشانه خوبی است از اینکه روند ممکن است معکوس شود.



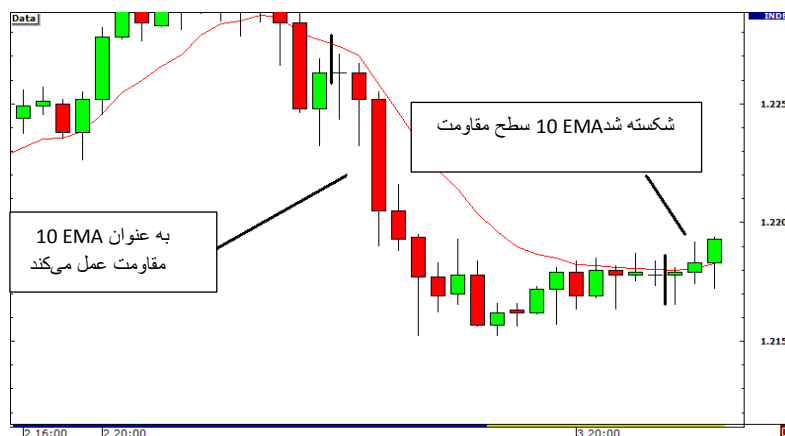
در مثال بالا، RSI نشان داد که بازار برای مدت طولانی در اشباع خرید بوده است. هنگامی که RSI کمتر از ۷۰ را نشان دهد، علامت خوبی است که روند در آستانه معکوس شدن است.

معامله از طریق شکست‌های کاذب

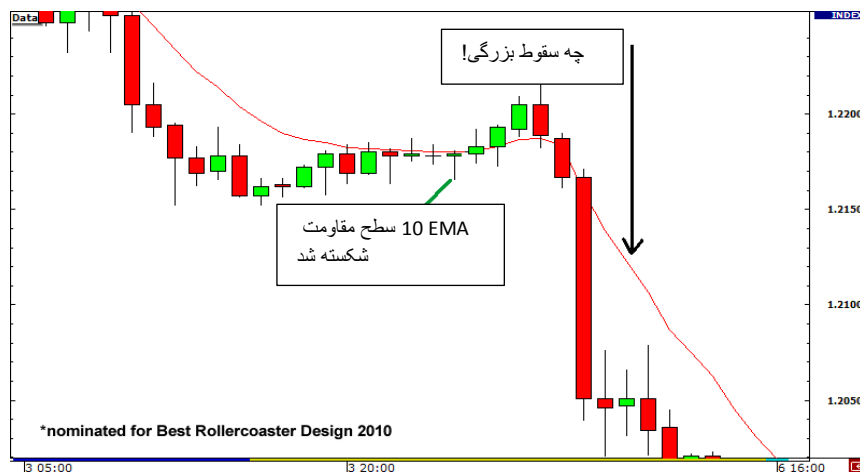
معامله گران، به انجام معامله در حالت‌های شکست روند علاقه دارند

منطقی است مگه نه؟

هنگامی که قیمت در نهایت از سطح حمایت یا مقاومت «شکسته» می‌شود، انتظار می‌رود قیمت در همان جهت شکست حرکت کند. باید حرکت کافی ایجاد شود تا قیمت از آن سطح شکسته شود.



صبر کنید... فقط چند لحظه... برای دیدن حرکت قیمت در یک جهت... سپس حرکت ناگهانی در جهت مخالف!



چه اتفاقی افتاد؟

پایان داستان: مانند تام هنکس در ترمینال باید بسته‌های سس گوجه فرنگی و بیسکویت بخورید!

یک نکته مهم در مورد سطوح حمایت و مقاومت این است که آنها مناطقی اند که احتمال پیش بینی واکنش قیمت را افزایش می دهند.

سطوح حمایت، مناطقی هستند که فشار خرید برای غلبه بر فشار فروش و متوقف کردن روند نزولی کافی است.

سطوح مقاومت، درست مثل سطوح حمایتند اما بر عکس عمل می کنند. آنها تمایل به توقف یا حتی معکوس کردن روند صعودی دارند.

سطوح مقاومت، مناطقی اند که فشار فروش برای غلبه بر فشار خرید و یا معکوس کردن روند صعودی، کافی است.

در بخش بعدی، شکست‌های کاذب را بیشتر بررسی خواهیم کرد و در مورد دلیل معامله آنها و چگونگی سود بردن از آنها بحث می کنیم.

تنها دانستن در مورد استراتژی شکست کافی نیست، زیرا گاهی اوقات شکست‌ها جواب نمی دهند. باید بدانید که در مورد شکست‌های کاذب چه باید کرد.

این بخشی از آموزش شماست. برای ماهر شدن، باید بر شکست‌های کاذب مسلط شوید. آماده‌اید؟

محو کردن شکست

محو کردن شکست، به معنی معامله جهت مخالف شکست است.

محو کردن شکست = معامله از طریق شکست‌های کاذب.

در صورتی می‌توانید شکست را محو کنید که فکر کنید یک شکست در ناحیه حمایت یا مقاومت، کاذب است و قادر به حفظ حرکت در همان جهت نیست. در مواردی که شکست سطح حمایت یا مقاومت قابل توجه است، محو کردن شکست‌ها ممکن است هوشمندانه‌تر از معامله آنها باشد.

به خاطر داشته باشید که محو کردن شکست‌ها، استراتژی کوتاه مدت بسیار خوبی است. ممکن است شکست‌ها در چند تلاش اول موفق نباشند اما این احتمال نیز وجود دارد که در نهایت موفق شوند.

تکرار: محو کردن شکست‌ها، استراتژی کوتاه مدت بسیار خوبی است و برای معامله‌گران بلند مدت مناسب نیست. با یادگیری معامله شکست‌های کاذب، می‌توانید از زیان‌های بزرگ اجتناب کنید.

معامله شکست‌ها برای بسیاری از معامله‌گران جذاب است. چرا؟

سطوح حمایت و مقاومت قرار است کف و سقف قیمت باشند. اگر این سطوح شکسته شوند، انتظار می‌رود که قیمت در همان جهت شکست ادامه یابد.

اگر سطح حمایت شکسته شود، بدین معنی است که حرکت کلی قیمت نزولی است و معامله‌گران احتمالا فروش را بیشتر انجام می‌دهند تا خرید.

در مقابل، اگر سطح مقاومت شکسته شود، آنگاه معامله‌گران معتقدند که احتمال دارد قیمت حتی بالاتر رود و تمایل به خرید دارند و نه فروش.

معامله‌گران که با این روش معامله می‌کنند، ذهنیت حریص دارند. به معامله در جهت شکست اعتقاد دارند. به دستاوردهای بزرگ با حرکت‌های بزرگ اعتقاد دارند.

ماهی بزرگ را بگیر، سیب زمینی کوچک سرخ شده را فراموش کن.

در دنیای کامل، این امر می‌تواند درست باشد. اما دنیا کامل نیست. قورباغه‌ها و پرنسس‌ها تا ابد خوش و خرم زندگی نمی‌کنند. آنچه واقعا اتفاق می‌افتد این است که اکثر "شکست‌ها" با موفقیت ادامه پیدا نمی‌کند.

شکست‌ها فقط به این دلیل موفق نمی‌شوند که اقلیت هوشمند باید از اکثریت پول درآورد. احساس خیلی بدی نداشته باشید. اقلیت هوشمند معمولا شامل بازیکنان بزرگ با حساب‌های بزرگ است.

برای فروش هر چیزی، خریدار باید وجود داشته باشد. با این حال، اگر کسی بخواهد بالای سطح مقاومت خرید کند یا زیر سطح حمایت فروش کند، بازیگران اصلی بازار باید طرف دیگر معادله را بگیرند. اجازه دهید به شما هشدار دهیم: بازیگران اصلی بازار احمق نیستند.



معامله‌گران خرده فروشی تمایل به معامله شکست دارند.

معامله‌گران هوشمندتر، از تفکر جمعی معامله‌گران بی‌تجربه استفاده می‌کنند و برنده می‌شوند. به همین دلیل، معامله در کنار معامله‌گران با تجربه‌تر، می‌تواند بسیار سود آور نیز باشد.

ترجیح می‌دهید جزء کدامیک باشید: اقلیت هوشمند که شکست‌ها را محو می‌کند یا اکثریت بازنده که در شکست‌های کاذب گرفتار می‌شوند؟

نحوه معامله شکست‌های کاذب

به منظور محو کردن شکست‌ها، باید بدانید که شکست‌های کاذب کجا می‌توانند رخ دهند.

شکست‌های کاذب، معمولاً در سطوح حمایت و مقاومت، خطوط روند، الگوهای نمودار یا سقف‌ها و کف‌های قبلی دیده می‌شوند.

خطوط روند

در محو کردن شکست‌ها، همیشه به یاد داشته باشید که باید بین خط روند و قیمت فاصله وجود داشته باشد.

اگر فاصله‌ای بین خط روند و قیمت وجود دارد، بدین معنی است که قیمت بیشتر در جهت روند و دور از خط روند حرکت می‌کند. مانند مثال زیر، وجود فاصله بین خط روند و قیمت، به قیمت اجازه می‌دهد که به سمت خط روند برگردد، شاید حتی آن را بشکند، و فرصت‌های محو کردن را ارائه کند.



سرعت حرکت قیمت نیز بسیار مهم است.

اگر قیمت مثل کرم ابریشم به سمت خط روند می‌رود، شکست کاذب محتمل است. با این حال، حرکت سریع قیمت به سمت خط روند می‌تواند شکست موفق از آب درآید. سرعت سریع قیمت، می‌تواند قیمت را پس از خط روند و فراتر از آن نگه دارد. در این وضعیت، بهتر است از محو کردن شکست پرهیزید.



چگونه شکستن خط روند را محو کنیم؟

بسیار ساده است. درست زمانی که قیمت سر جایش برمی گردد.

این امر به شما اجازه خواهد داد که مسیر امن را بگیرید و از خطر بپرهیزید. نمی خواهید بالاتر یا پایین تر از خط روند فروش کنید تا بعداً بفهمید که شکست واقعی بود!

با استفاده از اولین مثال نمودار، اجازه دهید نقاط ورودی احتمالی را با زوم کردن ذکر کنیم.



الگوهای نمودار

الگوهای نمودار، حالت‌های نمایش قیمتند که در واقع می‌توانید با چشم خود مشاهده کنید. آنها بخش مهمی از تحلیل تکنیکال اند و همچنین در فرآیند تصمیم‌گیری به شما کمک می‌کنند.

دو الگوی معمول که شکست‌های کاذب معمولاً رخ می‌دهند عبارتند از:

- سر و شانه (Head & Shoulders)
- سقف/ کف دوگانه (Double Top/ Double Bottom)

الگوی نمودار سر و شانه یکی از سخت‌ترین الگوها برای تشخیص توسط معامله‌گران جدید است. با این حال، با گذشت زمان و تجربه، این الگو می‌تواند به بخش مهمی از ابزارهای تجاری شما تبدیل شود.

الگوی سر و شانه، یک الگوی بازگشت تلقی می‌شود. اگر در انتهای روند صعودی شکل گیرد، می‌تواند علامت بازگشت نزولی باشد. در مقابل، اگر در انتهای روند نزولی شکل گیرد، می‌تواند علامت بازگشت صعودی باشد. سر و شانه برای تولید شکست کاذب و ایجاد فرصت‌های مناسب برای محو کردن شکست معروفند.

شکست‌های کاذب در این الگو رایجند چرا که بسیاری از معامله‌گران که متوجه این شکل‌دهی شده‌اند معمولاً دستور توقف زیان را نزدیک خط گردن قرار می‌دهند.



هنگامی که الگو، شکست کاذب را تجربه می‌کند، قیمت‌ها معمولاً دوباره بجای اول برمی‌گردند. معامله‌گرانی که در شکست نزولی فروخته‌اند یا در شکست صعودی خریده‌اند، در زمانی که قیمت بر علیه موقعیت‌شان حرکت می‌کند، دستور توقف را اجرا می‌کنند.



در الگوی سر و شانه، می‌توانید فرض کنید که شکست اول ممکن است کاذب باشد.

می‌توانید شکست را با دستورهای شرطی در خط گردن محو کنید و فقط توقف را بالاتر از سقف شمع کاذب قرار دهید.

می‌توانید حد سود خود را کمی پایین‌تر از سقف شانه دوم یا کمی بالاتر از کف شانه دوم الگوی بازگشت قرار دهید.

الگوی بعدی، سقف دوگانه یا کف دوگانه است.

معامله‌گران عاشق این الگوها هستند! چرا؟ خوب چون تشخیص آنها بسیار ساده است!

وقتی قیمت در زیر خط گردن می‌شکند، علامت بازگشت احتمالی روند است. به همین دلیل، بسیاری از معامله‌گران، دستور ورود خود را بسیار

نزدیک به خط گردن قرار می‌دهند.



مشکل این الگوهای نمودار، این است که معامله‌گران بی‌شماری آنها را می‌شناسند و دستورات را در موقعیت‌های مشابه قرار می‌دهند.



مانند الگوی سر و شانه، می‌توانید دستور خود را زمانی قرار دهید که قیمت برمی‌گردد. می‌توانید توقف خود را درست آن سوی شمع کاذب قرار دهید.

در چه نوع بازاری باید شکست‌ها را محو کنم؟

بهترین نتایج بازارهای دارای روند اتفاق می‌افتد. با این حال، نمی‌توانید تمایلات بازار، اخبار و رویدادهای مهم، احساسات و انواع دیگر تحلیل بازار را نادیده بگیرید.

بازارهای مالی زمان زیادی صرف رفت و برگشت در محدوده قیمت‌ها می‌کنند و از این سقف‌ها و کف‌ها زیاد منحرف نمی‌شوند.

محدوده‌ها، توسط سطح حمایت و سطح مقاومت محدود می‌شوند و خریداران و فروشندگان به طور مستمر قیمت‌ها را بین این سطوح بالا و پایین می‌برند. محو کردن شکست‌ها در محیط‌های محدوده، می‌تواند بسیار سودآور باشد. با این حال در نقطه خاصی، یک طرف در نهایت غلبه می‌کند و روند جدید تشکیل خواهد شد.

تحلیل بنیادین چیست؟

حتماً در سفرهایی که داشته‌اید با گالیور، فرودو و موضوع تحلیل بنیادین برخورد کرده‌اید.

صبر کنید...

قبلاً هم در مهد کودک خلاصه‌ای در مورد تحلیل بنیادین به شما ارائه دادیم! حالا بیایید به اصولش بپردازیم!

تحلیل بنیادین دقیقاً چیست و آیا لازم است از آن استفاده کنیم؟ خب، تحلیل بنیادین عبارت است از مطالعه‌ی اصول بنیادین! آسان است، نه؟ ها! فریب خوردید!

در واقع به این سادگی هم نیست. به هیچ وجه.

وقتی می‌شنوید کسی در مورد اصول بنیادین صحبت می‌کند در واقع در مورد اصول بنیادین اقتصادی کشور یا اقتصاد میزبان یک ارز صحبت می‌کند.

اصول بنیادین اقتصادی اطلاعات زیادی را در برمی‌گیرد - خواه به شکل گزارش‌ها، داده‌ها، اعلان‌ها یا رویدادهای اقتصادی، سیاسی یا محیطی. حتی تنزل درجه‌بندی اعتبار ویژگی داده‌های بنیادین را دارد و باید ببینید که مبادله‌ی یورو/ دلار آمریکا به قیمت پایین سود می‌دهد. تحلیل بنیادین عبارت است از استفاده و مطالعه‌ی این عوامل برای پیش‌بینی تغییرات قیمت ارز در آینده؛ مطالعه‌ی اتفاقات اقتصادی و مالی که در جهان و در اطراف ما در حال وقوع است و روی نحوه‌ی تأثیرگذاری عناصر اقتصاد کلان (از قبیل رشد اقتصاد، تورم، بیکاری) روی هر چه مبادله می‌کنیم تمرکز دارد.

داده‌های بنیادین و اشکال بسیار آن

تحلیل بنیادین به ویژه بینشی ارائه می‌دهد در مورد این که اقدام قیمت «باید» یا ممکن است به یک رویداد اقتصادی معین واکنش نشان دهد. داده‌های بنیادین در اشکال مختلف بسیاری رخ می‌دهد.

می‌تواند به صورت گزارشی ظاهر شود که در مورد فروش خانه‌های موجود ارائه شده است. همچنین می‌تواند در این احتمال وجود داشته باشد که بانک مرکزی اروپا سیاست‌های پولی خود را از دست داده است.

ارائه‌ی این داده‌ها به عموم اغلب دورنمای اقتصادی (یا حتی طرز فکر اقتصادی) را تغییر می‌دهد و واکنشی را در بین سرمایه‌گذاران و بورس‌بازان ایجاد می‌کند.

حتی مثال‌هایی هست از زمانی که گزارش خاصی ارائه شده اما پیش‌بینی چنین رویدادی مثال دیگری از اصول بنیادین است.

تفکر در مورد نرخ سود را می‌توان ظرف چند ساعت یا حتی چند روز قبل از اعلام نرخ سود واقعی «قیمت‌گذاری کرد».

در واقع جفت‌های ارزی گاهی چند لحظه قبل از اخبار اقتصادی مهم ۱۰۰ واحد جابجا می‌شوند و این زمان خوب و پرسودی برای افراد شجاع است که معامله کنند.

به این دلیل است که بسیاری از مبادله‌کنندگان اغلب قبل از برخی اخبار اقتصادی معین بی‌قرارند. شما هم باید بی‌قرار باشید!

معمولاً نشانه‌های اقتصادی بخش بزرگی از داده‌های مورد استفاده در تحلیل بنیادین را تشکیل می‌دهند. نشانه‌های اقتصادی مثل اخطار آتش‌سوزی در زمانی که دود یا گرما را حس می‌کند بینشی در مورد این نشان می‌دهند که اقتصاد یک کشور در چه وضعیتی است.

مهم است که ارزش عددی نشانه‌ای را بدانید اما پیش‌بینی بازار و پیش‌بینی این ارزش نیز به همین اندازه مهم است.

درک نتیجه‌ی تأثیرگذار ارقام واقعی در رابطه با ارقام پیش‌بینی شده مهم‌ترین قسمت است. این عوامل همه باید در زمان تصمیم به مبادله مورد بررسی قرار گیرند.

نگران نباشید. ساده‌تر از چیزی است که به نظر می‌رسد و لازم نیست اطلاعات فضایی داشته باشید تا بتوانید آن را یاد بگیرید.

پیشنهاد می‌کنم که هر روز به بررسی اقتصادی روزانه‌ی پیپ دیدی سر بنزید تا بتوانید با اخبار اقتصادی جدید پیش بروید.

تحلیل بنیادین ابزار ارزشمندی برای تخمین شرایط اقتصادی آینده است اما برای پیش‌بینی جهت قیمت ارز چندان مفید نیست.

این نوع تحلیل قسمت‌های خاکستری زیادی دارد چون اطلاعات بنیادین به شکل گزارش‌ها یا اعلان‌های تغییر سیاست پولی از نشانه‌های فنی واقعی‌تر مبهم‌تر است.

تحلیل اخبار و گزارش‌های اقتصادی داده‌های بنیادین معمولاً به این شکل است:

«افزایش نرخ سود این درصد می‌تواند باعث شود قیمت یورو بالا برود».

«دلار امریکا باید با ارزش نشانه‌ای در این دامنه پایین بیاید».

«از زمان گزارش آخر اطمینان مشتریان ۲٪ کاهش یافته است».

این هم از گزارش اقتصادی، حالا چه؟

بازار تمایل دارد که بر اساس احساسات مردم واکنش نشان دهد. این احساسات می‌توانند بر اساس واکنش آن‌ها به گزارش‌های اقتصادی، بر اساس ارزیابی آن‌ها از شرایط موجود بازار باشد.

شما درست حدس زدید – هزاران انسان هستند که احساسات و ایده‌های مختلفی دارند.

شاید با خودتان فکر می‌کنید: «خدای من، در تحلیل بنیادین، نامطمئنی زیادی وجود دارد!».

در واقع درست فکر می‌کنید.

امکان ندارد که بتوانید با اطمینان ۱۰۰٪ بفهمید یک جفت ارزی بر اساس داده‌های بنیادین جدید در چه جهتی پیش می‌رود.

معنایش این نیست که تحلیل بنیادین را باید به کل کنار بگذارید.

به هیچ وجه.

به دلیل حجم خالص داده‌های بنیادین موجود بیشتر مردم در درک کامل آن‌ها مشکل دارند.

آن‌ها یک گزارش مشخص را درک می‌کنند اما نمی‌توانند جایگاه آن در تصویر اقتصادی بزرگ‌تر را بفهمند. این کار به زمان و درک عمیق‌تری از داده‌ها نیاز دارد.

به علاوه از آنجا که بیشتر داده‌های بنیادین فقط مربوط به یک ارز واحد هستند، داده‌های بنیادین برای ارز دیگر جفت نیز مورد نیاز است و باید برای به دست آوردن تصویر دقیق مقایسه شود.

اگر بیش از حد درگیر این شده‌اید که گزارش‌ها و داده‌های اقتصادی بسیار بسیار زیادی را بررسی کنید، خودتان را اذیت نکنید..

همان‌طور که از اول گفتیم باید یک ارزش قوی را با یک ارزش ضعیف جفت کنید.

در این مرحله شاید هنوز منتظر جواب این سؤال هستید: «آیا اصلاً لازم می‌شود از تحلیل بنیادین استفاده کنم تا مبادله کننده‌ی موفقی شوم؟»

کاملاً درک می‌کنیم که هر دو دیدگاه طرفداران پر و پا قرص خودش را دارد.

تحلیل فنی ظاهراً روش مورد ترجیح مبادله کنندگان کوتاه مدت است و اقدام قیمت تمرکز اصلی آن‌هاست.

مبادله کنندگان متوسط یا میانه و مبادله کنندگان درازمدت هم دوست دارند روی تحلیل بنیادین تمرکز کنند چون به ارزش گذاری ارزش کمک می‌کند.

نه! اصول بنیادین
فنی ها
مهم ترند!
مهم ترند!



توصیه‌ی عجیبی برایتان داریم: باید از هر دو استفاده کنید!

راهبردهای دارای تمرکز فنی وقتی رویداد بنیادین کلیدی رخ می‌دهد پیش می‌روند. از این نظر مبادله کنندگان صرفاً بنیادین فرصت‌های کوتاه مدتی را که الگوها و سطوح فنی ایجاد می‌کنند از دست می‌دهند.

ترکیبی از تحلیل فنی و بنیادین تمام زوایا را پوشش می‌دهد. از اخبار و رویدادهای اقتصادی زمانبندی شده آگاهی دارید اما می‌توانید ابزارها و الگوهای فنی مختلفی را که بازیکنان بازار روی آن‌ها تمرکز دارند نیز مشخص کنید.

در این درس در مورد عوامل بنیادین اصلی که روی ارزشها اثر می‌گذارند بحث می‌کنیم. این عوامل عبارتند از نرخ بهره، سیاست‌های پولی و گزارش‌های اقتصادی که بازار را تغییر می‌دهند.

نرخ بهره

به بیان ساده نرخ بهره باعث می‌شود دنیای خرید و فروش ارز بچرخد! به عبارت دیگر بازار خرید و فروش ارز تحت هدایت نرخ بهره است.

نرخ بهره‌ی یک ارز احتمالاً بزرگ‌ترین عامل در تعیین ارزش درک شده‌ی یک ارز است. پس اطلاع از نحوه‌ی تعیین سیاست پولی بانک مرکزی یک کشور از قبیل تصمیمات نرخ بهره امر مهمی است.

یکی از بزرگ‌ترین تأثیرات روی تصمیم در مورد نرخ بهره‌ی بانک مرکزی ثبات قیمت یا «تورم» است.

تورم عبارت است از افزایش پایدار قیمت‌های کالاها و خدمات.

به دلیل تورم است که والدین شما و والدین والدینتان در دهه‌ی ۱۹۲۰ بابت یک نوشیدنی غیرالکلی ۵ سنت پول می‌دادند اما حالا مردم بیست برابر بیشتر بابت همین محصول می‌پردازند.

این عموماً پذیرفته شده است که تورم متوسط همراه با رشد اقتصادی است.

اما اغلب تورم می‌تواند به اقتصاد آسیب برساند و به همین دلیل است که بانک‌های مرکزی همیشه مراقب نشانه‌های اقتصادی مربوط به تورم از قبیل شاخص قیمت مصرف کننده و هزینه‌های مصرف شخصی هستند.

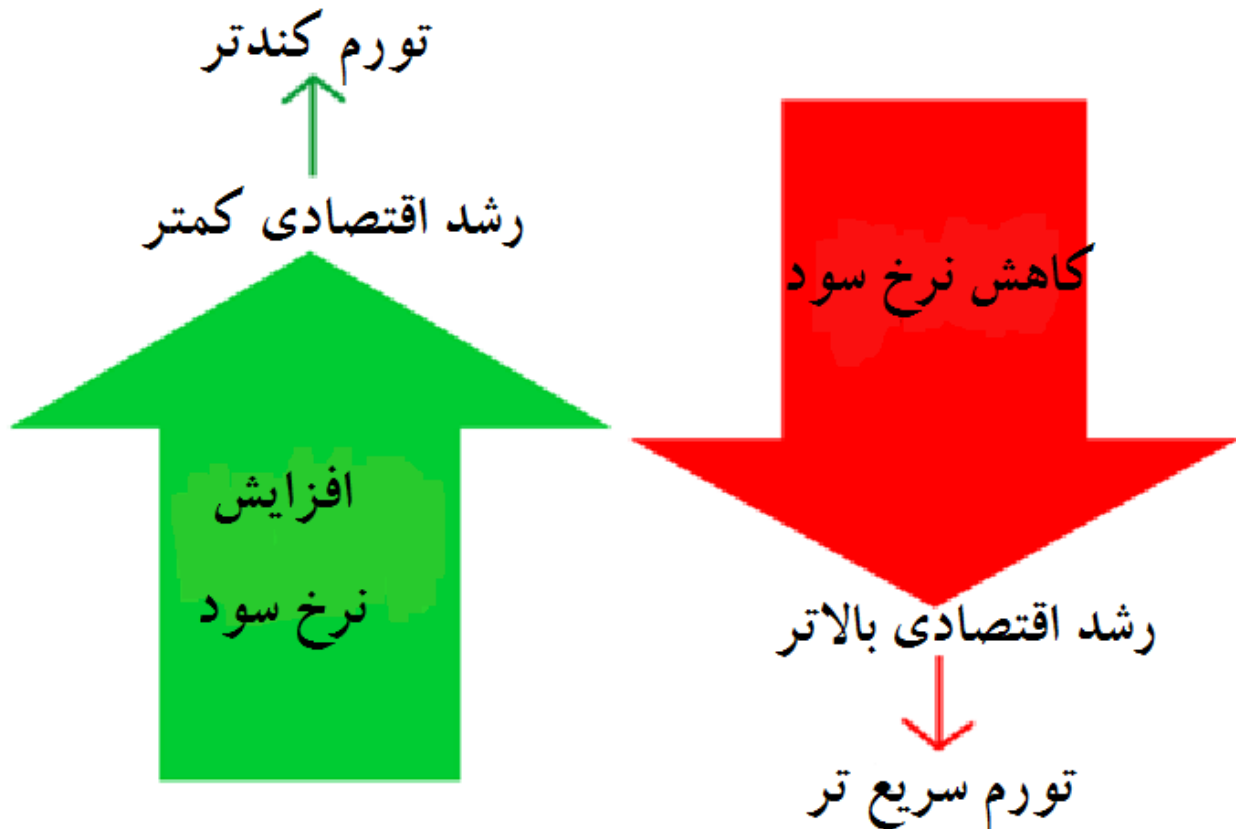
کشور	بانک مرکزی
استرالیا	بانک ذخیره‌ی استرالیا (RBA)
کانادا	بانک کانادا (BOC)
اتحادیه‌ی اروپا	بانک مرکزی اروپا (ECB)
ژاپن	بانک ژاپن (BOJ)
نیوزیلند	بانک ذخیره‌ی نیوزیلند (RBNZ)
سوئیس	بانک ملی سوئیس (SNB)
انگلیس	بانک انگلیس (BOE)
ایالات متحده	بانک مرکزی امریکا (Fed)

بانک‌های مرکزی در تلاشی برای حفظ تورم در سطحی راحت به احتمال زیاد نرخ بهره را بالا می‌برند که منجر به رشد کلی کمتر و تورم کندتر می‌شود.

دلیلش این است که تعیین نرخ بهره‌ی بالا مصرف‌کنندگان و کسب و کار را وادار می‌کند کمتر قرض بگیرند و بیشتر صرفه‌جویی کنند و فعالیت اقتصادی را کاهش دهند. وام‌ها گران‌تر می‌شوند در حالی که نگه داشتن پول جذابیت بیشتری پیدا می‌کند.

از سوی دیگر وقتی نرخ بهره در حال کاهش است مصرف‌کنندگان و کسب و کارها بیشتر تمایل دارند قرض بگیرند (چون بانک‌ها الزامات آسان‌تری برای وام دادن در نظر می‌گیرند) و خرده‌فروشی و هزینه‌کردن را تقویت می‌کنند و در نتیجه به رشد اقتصاد کمک می‌کنند.

هورا!



این چه ربطی به بازار خرید و فروش ارز دارد؟

خب ارزها روی نرخ بهره تکیه دارند چون این‌ها تعیین‌کننده‌ی جریان سرمایه‌ی جهانی درون و خارج از کشور هستند. سرمایه‌گذاران از این برای تعیین این که آیا در یک کشور سرمایه‌گذاری کنند یا به کشور دیگری بروند استفاده می‌کنند.

مثلاً از بین حساب‌های پس‌اندازی که سود ۱٪ می‌دهند و حساب دیگری که ۲۵٪ سود می‌دهد کدام را انتخاب می‌کنید؟

هیچ کدام؟

بله ما تمایل داریم همین مسیر را طی کنیم – پولتان را نگه دارید، می‌دانید منظورم چیست؟ اما این از گزینه‌های شما نیست.

ها! حتماً ۱٪ را انتخاب می‌کنید، نه؟

امیدواریم ... چون ۱ بیشتر از ۰.۲۵ است. ارز هم همین طور عمل می‌کند!

هر چه نرخ سود یک کشور بالاتر باشد، احتمال این که ارز آن قدرتمند شود بیشتر است. ارزهایی که نرخ بهره‌ی پایین‌تری دارند بیشتر احتمال دارد که در مدت طولانی تضعیف شوند.

خیلی ساده است.

نکته‌ی اصلی که باید در اینجا یاد بگیریم این است که نرخ بهره‌ی داخلی مستقیماً روی احساس بازیکنان بازار جهانی در مورد ارزش یک ارز نسبت به ارزهای دیگر اثر می‌گذارد.

انتظارات در مورد نرخ بهره

بازارها با پیش‌بینی رویدادها و موقعیت‌های مختلف همیشه در حال تغییرند. نرخ بهره نیز همین طور است - تغییر می‌کند - اما به این اندازه تغییر نمی‌کند.

بیشتر مبادله‌کنندگان وقت خود را با تمرکز روی نرخ بهره صرف می‌کنند چون بازار آن‌ها را با قیمت ارز «قیمت‌گذاری» کرده است. مهم‌تر این است که انتظار می‌رود نرخ بهره به کجا برود.

به علاوه مهم است که بدانیم کدام نرخ بهره همگام با سیاست پولی یا به طور خاص‌تر با پایان یافتن چرخه‌های پولی تغییر می‌کند.

اگر نرخ در یک دوره‌ی زمانی پایین‌تر و پایین‌تر می‌رفت، اجتناب‌ناپذیر بود که خلاف آن اتفاق بیافتد.

نرخ‌ها باید در زمانی افزایش پیدا کنند.

می‌توانید روی این حساب کنید که بورس‌بازان سعی می‌کنند بفهمند این اتفاق کی و به چه میزان می‌افتد.

بازار به آن‌ها می‌گوید، این ماهیت این هیولاست. تغییر انتظارات نشانه‌ای است از این که تغییر بورس آغاز می‌شود و با نزدیک شدن تغییر نرخ بهره بیشتر جابجا می‌شود.

نرخ بهره با تغییر تدریجی سیاست پولی تغییر می‌یابد اما حس بازار نیز می‌تواند با یک گزارش واحد ناگهان تغییر کند.

این باعث می‌شود نرخ بهره تغییر بیشتری داشته باشد یا حتی آن‌طور که در اصل پیش‌بینی شده بود در جهت مخالف حرکت کند.

پس بهتر است مواظب باشید!

تفاضل نرخ

یک جفت ارزی انتخاب کنید، هر جفتی.

بسیاری از کسانی که خرید و فروش ارز می‌کنند از تکنیک مقایسه‌ی نرخ بهره‌ی یک ارز با نرخ بهره‌ی یک ارز دیگر به عنوان نقطه‌ی شروع تصمیم‌گیری در این مورد که آیا ارزی ممکن است قوی یا ضعیف شود، استفاده می‌کنند.

تفاوت بین دو نرخ بهره که «تفاضل نرخ بهره» نام دارد ارزش کلیدی است که باید به آن توجه کنید. این گسترش می‌تواند به شما کمک کند تغییرات ارزی غیر واضح را مشخص کنید.

تفاضل نرخ بهره که افزایش می‌یابد به تقویت ارز پرسودتر کمک می‌کند در حالی که تفاضل رو به کاهش برای ارز کم‌سودتر مثبت است.

مواردی که در آن‌ها نرخ بهره‌ی دو کشور در جهت‌های مخالف حرکت می‌کنند اغلب بزرگ‌ترین نوسانات بازار را دربردارند.

افزایش نرخ بهره‌ی یک ارز که با کاهش نرخ بهره‌ی ارز دیگری ترکیب شده معادله‌ی بسیار خوبی برای نوسانات شدید است!

اسمی در مقابل واقعی

وقتی مردم در مورد نرخ بهره صحبت می‌کنند یا به نرخ بهره‌ی اسمی اشاره دارند یا نرخ بهره‌ی واقعی.

تفاوتشان در چیست؟

نرخ بهره‌ی اسمی همیشه کل داستان را نمی‌گوید. نرخ بهره‌ی اسمی عبارت است از نرخ بهره قبل از تنظیمات تورم.

نرخ بهره‌ی واقعی = نرخ بهره‌ی اسمی - تورم مورد انتظار

نرخ اسمی معمولاً نرخ بیان شده یا پایه‌ای است که می‌بینید (مثلاً سود سهام).

از سوی دیگر بازارها روی این نرخ تمرکز ندارند بلکه روی نرخ بهره‌ی واقعی تمرکز دارند.

اگر سهامی داشته باشید که بهره‌ی اسمی ۶٪ دارد اما تورم نرخ سالانه‌ی ۵٪ داشته باشد بهره‌ی واقعی سهام ۱٪ است.

این تفاوت زیادی است پس همیشه به یاد داشته باشید که بین این دو تمایز قائل شوید.

سیاست های پولی

همان طور که قبلاً گفتیم دولت های ملی و مسئولین بانک های مرکزی آن ها سیاست پولی را برای دستیابی به فرمان ها یا اهداف اقتصادی معینی ایجاد می کنند.

بانک های مرکزی و سیاست پولی همگام با یکدیگر پیش می روند بنابراین نمی توانید بدون در نظر گرفتن یکی از دیگری صحبت کنید.

برخی از این فرمان ها و اهداف بین بانک مرکزی جهانی شباهت های زیادی دارند اما هر کدام مجموعه ی منحصر به فرد اهداف خودشان را دارند که اقتصادهای متمایز آن ها برایشان دربردارد.

در نهایت سیاست پولی به ارتقا و حفظ ثبات قیمت و رشد اقتصادی می رسد.

بانک های مرکزی برای دستیابی به اهدافشان از سیاست پولی بیشتر برای کنترل موارد زیر استفاده می کنند:

- نرخ بهره ی مربوط به قیمت پول
- افزایش تورم
- ذخیره ی پولی
- الزامات ذخیره ی بانک ها
- فرصت تخفیف برای وام به بانک های تجاری

انواع سیاست پولی

سیاست پولی عناوین مختلفی دارد. سیاست پولی انقباضی یا محدود کننده در صورتی رخ می دهد که اندازه ی ذخیره ی پول کاهش داده شود. با افزایش نرخ بهره نیز رخ می دهد.

در اینجا ایده این است که رشد اقتصادی با نرخ بهره ی بالا کند شود. وام گرفتن سخت تر و گران تر می شود و این هزینه کردن و سرمایه گذاری را توسط مصرف کنندگان و کسب و کارها کاهش می دهد.



از سوی دیگر سیاست پولی انبساطی ذخیره‌ی پولی را گسترش یا افزایش می‌دهد یا نرخ بهره را کاهش می‌دهد.

هزینه‌ی وام به این امید که هزینه و سرمایه‌گذاری بالا بروند کاهش پیدا می‌کند.

سیاست پولی تطبیقی قصد دارد رشد اقتصادی را با کاهش نرخ بهره ایجاد کند، در حالی که سیاست پولی سرسخت برای کاهش تورم یا محدود کردن رشد اقتصادی با افزایش نرخ بهره تنظیم می‌شود.

در نهایت سیاست پولی خنثی نه قصد ایجاد رشد را دارد و نه مقابله با تورم.

نکته‌ی مهمی که باید در مورد تورم به یاد داشته باشید این است که بانک‌های مرکزی معمولاً یک تورم هدف را در ذهن دارند، مثلاً ۲٪.

ممکن است علناً این رقم را اعلام نکنند اما سیاست‌های پولی‌شان همگی برای رسیدن به این منطقه‌ی راحت تلاش می‌کنند و روی آن تمرکز دارند.

آن‌ها می‌دانند که مقداری تورم خوب است، اما تورم خارج از کنترل می‌تواند اعتماد مردم نسبت به اقتصاد، شغل و در نهایت پولشان را از بین ببرد.

بانک‌های مرکزی با داشتن سطوح تورم مورد نظر می‌توانند به شرکت کنندگان در بازار کمک کنند بهتر درک کنند که آن‌ها (بانکداران مرکزی) چگونه با دورنمای اقتصادی فعلی کار می‌کنند.

بیا به بررسی یک مثال بپردازیم.

در ژانویه‌ی سال ۲۰۱۰، تورم در انگلیس ظرف یک ماه از ۳.۵٪ به ۲.۹٪ رسید. با نرخ تورم هدف ۲٪، نرخ جدید ۳.۵٪ هم بالای منطقه‌ی راحت بانک انگلیس بود.

مروین کینگ، رئیس بانک مرکزی انگلیس به مردم در این مورد که عوامل موقتی باعث جهش ناگهانی می‌شود و این که نرخ تورم در مدت کوتاه با کمترین حرکت از سوی بانک مرکزی انگلیس به حالت قبل برمی‌گردد اطمینان داد.

این که گفته‌های او درست بودند یا نه مهم نیست. فقط می‌خواهیم نشان دهیم که بازار وقتی می‌داند چرا بانک مرکزی کاری در ارتباط با نرخ سود هدفش انجام می‌دهد یا نه جای بهتری است.

به بیان ساده مبادله کنندگان ثبات را دوست دارند.

بانک‌های مرکزی ثبات را دوست دارند.

اقتصادها هم ثبات را دوست دارند. دانستن این که اهداف تورم وجود دارند به مبادله کننده کمک می‌کند درک کند چرا بانک مرکزی عملکرد خاصی دارد.

گردش با چرخه‌های سیاسی

اگر از کسانی هستید که دلار و اقتصاد آمریکا را دنبال می‌کنید (همه‌ی شما باید این کار را بکنید!) به یاد دارید که چند سال قبل بانک مرکزی آمریکا ناگهان نرخ بهره را ۱۰٪ افزایش داد؟

این عجیب‌ترین کاری بود که بانک مرکزی آمریکا تا آن زمان انجام داده بود و بلوایی در دنیای مالی برپا شد!

صبر کنید، این اتفاق را به یاد ندارید؟

تمام رسانه‌ها در مورد آن صحبت می‌کردند.

قیمت نفت بسیار بالا رفت و قیمت شیر به اندازه‌ی طلا شد.

حتماً در خواب بودید!

صبر کنید، داریم سر به سرتان می‌گذاریم!

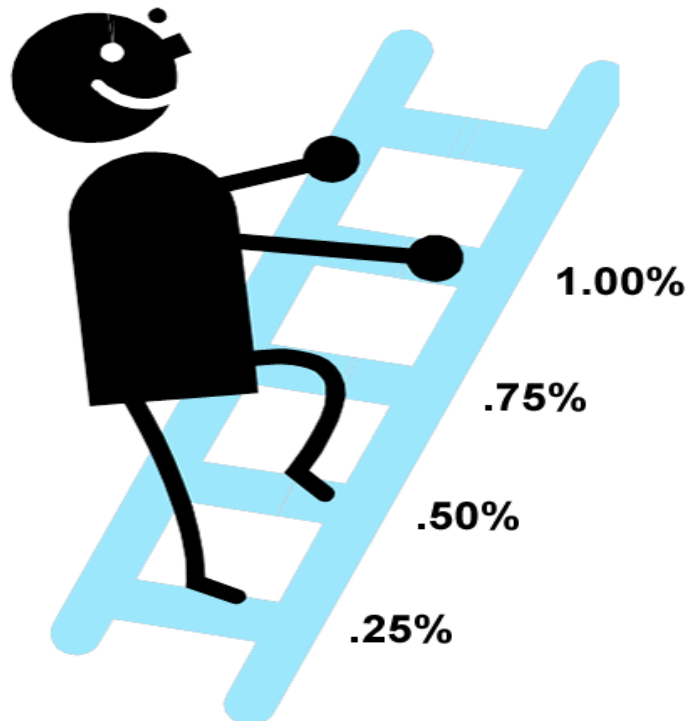
فقط می‌خواستیم مطمئن شویم که هنوز بیدارید. سیاست پولی هیچ وقت این قدر شدید تغییر نمی‌کند.

بیشتر تغییرات سیاست با تنظیمات کوچک افزایشی صورت می‌گیرند چون افراد مهم در بانک‌های مرکزی اگر نرخ سودشان تغییر شدیدی داشته باشد، ادعای هرج و مرج می‌کنند.

حتی فکر چنین اتفاقی نه تنها تک تک مبادله‌کنندگان بلکه کل اقتصاد را بر هم می‌زند.

به این دلیل است که معمولاً تغییر ۲۵٪ تا ۱٪ را در نرخ سود می‌بینیم. باز هم فراموش نکنید که بانک‌های مرکزی خواهان ثبات قیمت هستند نه شوک و شگفتی.

بخش‌هایی از این ثبات همراه با میزان زمان مورد نیاز برای صورت دادن این تغییرات نرخ بهره است. ممکن است چند ماه یا حتی چند سال طول بکشد.



بانکداران مرکزی درست مانند مبادله کنندگانی که برای حرکت بعدی داده‌ها را جمع‌آوری و بررسی می‌کنند عمل می‌کنند اما باید تصمیم‌گیری خود را با در نظر داشتن کل اقتصاد انجام دهند نه یک مبادله‌ی واحد.

افزایش نرخ سود می‌تواند مثل ترمز کردن باشد در حالی که کاهش نرخ سود مثل گاز دادن است، اما به یاد داشته باشید که مصرف‌کنندگان و کسب و کار آرام‌تر به این تغییرات واکنش نشان می‌دهند.

این زمان عقب مانده بین تغییر سیاست پولی و اثر واقعی روی اقتصاد می‌تواند یک تا دو سال طول بکشد.

فهرست رجال بانک مرکزی

تا به اینجا یاد گرفتیم که تغییر در نرخ بهره یک کشور تاثیر بسیاری بر نرخ ارز خواهد داشت. در حقیقت اکنون می‌دانیم که نرخ بهره در نهایت از نوع دیدگاه بانک مرکزی یک کشور نسبت به اقتصاد و ثبات قیمت‌ها و اثرگذاری آنها بر سیاست‌های پولی تاثیر می‌پذیرد.

بانک‌های مرکزی هم مثل اغلب کسب‌وکارهایی عمل می‌کنند که یک رهبر، یک رییس یا یک مدیر عامل دارند. در حقیقت نقش این فرد صدای بانک مرکزی است و به بازار اعلام می‌کند که چه سیاست پولی را سردمداری و جهت‌دهی می‌کند. درست مثل زمانی که استیو جابز¹ یا مایکل دل ۲ پای میکروفرن می‌روند و همه به سخنان آنها گوش فرا می‌دهند.

¹ بنیانگذار و مدیر ارشد اجرایی شرکت رایانه‌ای اپل: Steve Jobs

از این منظر، با توجه به قضیه فیثاغورث که در آن $a^2 + b^2 = c^2$ است، منطقی نیست که به این که این افراد در بانک‌های مرکزی چه می‌گویند، توجه کنیم؟ اگر از قضیه ریشه مزدوج مختلط³ استفاده کنیم، پاسخ یقیناً مثبت خواهد بود!

بله با اذعان بر احتمال رخداد تغییرات بالقوه در سیاست‌های پولی باید بدانیم که چه تصمیماتی اتخاذ می‌شود. و این از اقبال شماس است که بانک‌های مرکزی در برقراری ارتباط با بازار عملکرد بهتری دارند. اما این که آیا آنچه که بیان می‌شود را درک می‌کنید یا خیر، داستان دیگری است.

اگرچه رییس بانک مرکزی تنها کسی نیست که تصمیمات مربوط به سیاست‌های پولی یک کشور یا یک اقتصاد را اتخاذ می‌کند، اما آنچه می‌گوید نادیده گرفته نمی‌شود و به آن مثل یک کتاب مقدس احترام گذاشته می‌شود. بسیار خب، ممکن است کمی اغراق‌آمیز باشد، اما نکته اصلی را دریافت کردید. با تمام این اوصاف باید گفت که تمام مقامات مسئول در بانک‌های مرکزی از چنین جایگاهی برخوردار نیستند.

سخنرانی‌های بانک مرکزی راهی هستند برای تحریک و برانگیختن واکنش بازار، بنابراین پس از انتشار یک بیانیه باید منتظر حرکت یا تغییری سریع در بازار بود.

این سخنرانی‌ها ممکن است هر موضوعی از تغییرات (افزایش، کاهش یا ثبات) گرفته تا نرخ‌های فعلی بهره، و بحث بر سر ارزیابی و چشم‌اندازهای رشد اقتصادی را در بر بگیرند. اطلاعیه‌های مربوط به سیاست‌های پولی که در آنها طرح کلی تغییرات فعلی و آتی ارائه می‌شوند هم می‌توانند از جمله این موضوعات باشند.

اما از این که نمی‌توانید خود را با رویدادهای جاری هم‌نو کنید، نومید نشوید. به محض این که سخنرانی‌ها یا اطلاعیه‌ها به امواج رادیویی می‌رسند، خبرگزاری‌ها از هر نقطه‌ای اطلاعات مربوطه را در اختیار عموم می‌گذارند.

تحلیل‌گران و معامله‌گران ارز هم اخبار را می‌گیرند و به موشکافی لحن و زبان آنها می‌پردازند و وقتی مساله تغییر نرخ بهره و اطلاعات مربوط به رشد اقتصادی مطرح می‌شود، به این امر توجه ویژه نشان می‌دهند.

درست مثل واکنش بازار به انتشار گزارش‌ها یا شاخص‌های اقتصادی، معامله‌گران ارز هم زمانی که در مسیر انتظارات فعلی بازار قرار نمی‌گیرند غالباً تحت تاثیر اقدامات بانک مرکزی و تغییرات نرخ بهره عمل می‌کنند.

در واقع با عملکرد شفاف‌تر بانک مرکزی، پیش‌بینی مسیر تغییر سیاست‌های پولی در گذر زمان آسان‌تر خواهد بود. با این همه همواره این امکان وجود دارد که بانک‌های مرکزی دیدگاه‌شان را با وسعت بیشتر یا کمتر از سطح انتظار تغییر دهند. در این شرایط است که بازاریابی شکل ناپایدارتری به خود می‌گیرد و لازم است به موقعیت‌های تجاری موجود و جدید توجه بیشتری شود.

² Michael Dell

³ Complex Conjugate Root Theorem

تندروهای لس آنجلس در برابر میانه‌روهای نیویورک

بله، شما در جایگاه درستی هستید.

مسابقه امشب تندروهای^۴ لس آنجلس را در برابر میانه‌روهای^۵ نیویورک قرار می‌دهد.

این را تجربه خواهید کرد. صبر کن، چی؟!

آخ متاسفم، اشتباه شد.

منظورمان تندروهای بانک مرکزی در برابر میانه‌روهای بانک مرکزی بود همین. بانکداران مرکزی متناسب با دیدگاه‌شان نسبت به اوضاع اقتصادی کشور ممکن است تندرو یا میانه‌رو باشند.

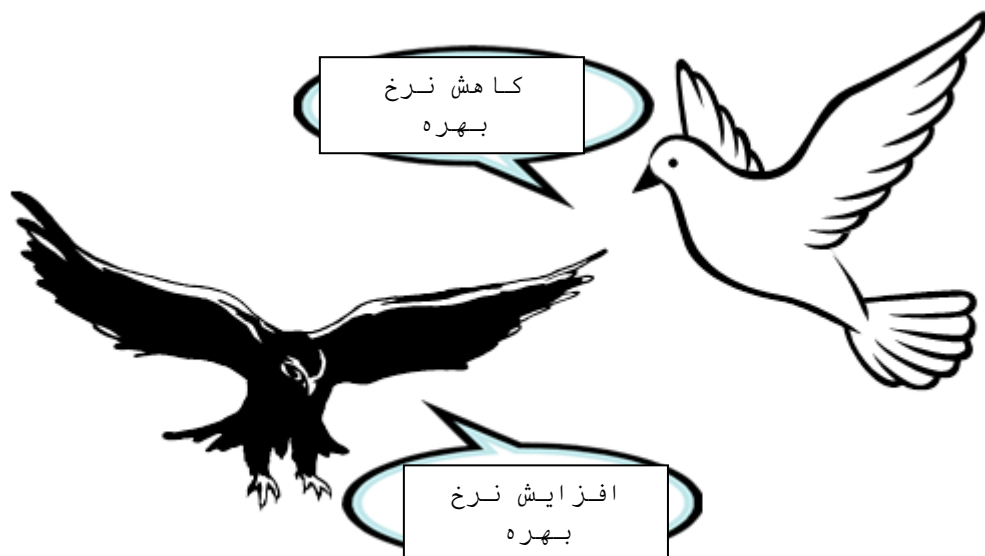
در واقع زمانی تندرو خوانده می‌شوند که برای مقابله با تورم از استراتژی افزایش نرخ بهره پشتیبانی می‌کنند و در این شرایط حتا حاضرند این رویکرد به قیمت افت آهنگ رشد اقتصادی و کاهش نرخ بیکاری باشد.

برای مثال، وقتی بانک انگلیس در برابر تهدید بالا رفتن نرخ تورم و برای مقابله با آن بیانیه رسمی مبنی بر اتکا به راهکار بالا بردن نرخ بهره را منتشر می‌سازد، می‌توان آن را تندرو توصیف کرد.

از سوی دیگر اما بانکداران مرکزی میانه‌رو عموماً از رشد اقتصادی و کاهش نرخ بیکاری دفاع می‌کنند تا افزایش نرخ بهره. آنها در برابر یک رویداد یا حرکت اقتصادی خاص موضع یا نقطه‌نظر غیر خصمانه‌تری دارند.

⁴ Hawk

⁵ Dove



و برنده کیست.... بازی مساوی تمام می شود!

خب، تا حدودی.

اما بسیاری از بانکدارها هم در این دوراهی باقی مانده و هم گرایش‌های میانه‌روانه و هم دیدگاه‌های تندروانه دارند. اما گرایش واقعی آنها زمانی آشکار می‌گردد که شرایط بازار بحرانی شود.

محرکهای بلند مدت بازار

برای جهت‌دهی نقاط ضعف و قوت ارزش‌های اصلی در بلندمدت چندین اصول وجود دارد. در اینجا به چند مورد از مهمترین آنها که تصور کردیم ممکن است به مطالعه شما در این زمینه کمک کند اشاره کرده‌ایم:

رشد و چشم‌انداز اقتصادی

این بررسی را با مطالعه اقتصاد و دیدگاه مصرف‌کنندگان، کسب‌وکارها و دولت‌ها آغاز می‌کنیم. درک این موضوع آسان است که وقتی مصرف‌کنندگان شاهد یک اقتصاد قدرتمند هستند، احساس خرسندی و امنیت می‌کنند و پول‌شان را خرج می‌کنند. شرکت‌ها هم مشتاقانه این پول را دریافت می‌دارند و می‌گویند: «هی، ما در حال پول در آوردن هستیم! عالیست! حالا با این پول چه کار می‌کنیم؟»

شرکت‌هایی که پول دارند آن را خرج می‌کنند. و همین امر برای دولت نیز یک درآمد مالیاتی خوب و مناسب به دنبال دارد. آنها هم دست به اقدام می‌زنند و شروع به مصرف این پول می‌کنند. در این شرایط همه در حال خرج کردن هستند و این روند آثاری مثبت بر اقتصاد کشور به همراه خواهد داشت.

از سوی دیگر، اقتصادهای ضعیف معمولا مصرف‌کنندگانی که پولشان را خرج نمی‌کنند و کسب‌وکارهایی که پولی در نمی‌آورند و به تبع سرمایه‌شان را مصرف نمی‌کنند را همراه خود می‌بینند و از این رو دولت تنها بخش از این اقتصاد است که در حال هزینه کردن است. پس مساله را درک کردید. آنچه که بازارهای ارز را جهت‌دهی می‌کند چشم‌اندازهای اقتصادی مثبت و منفی است.

جریان‌های سرمایه

جهانی‌سازی، پیشرفت‌های تکنولوژیکی و اینترنت همه در سهولت سرمایه‌گذاری پول‌تان در جای‌جای جهان سهمی دارند و مهم نیست که خانه‌تان را کجا می‌دانید. فقط چند کلیک روی موس کامپیوتر (یا یک تماس تلفنی از سوی مردم عهد ژوراسیک دهه ۲۰۰۰ با شما) تا سرمایه‌گذاری در بازار سهام نیویورک یا لندن، از معامله در شاخص Nikkei یا Hang Seng گرفته تا گشایش یک حساب فارکس و معامله دلار آمریکا، یورو، ین یا حتی ارزهای نامتعارف فاصله دارید.

جریان‌های سرمایه میزان پولی که شما با خرید سرمایه به یک کشور یا اقتصاد تزریق یا از آن خارج می‌کنید را ارزیابی می‌کنند. مساله مهمی که باید آن را دنبال کنید تراز جریان سرمایه است که می‌تواند مثبت یا منفی باشد.

وقتی کشور دارای موازنه جریان سرمایه مثبت است، حجم سرمایه‌های خارجی که وارد کشور می‌شوند بیشتر از حجم سرمایه‌هایی است که از کشور خارج می‌شوند. موازنه جریان سرمایه منفی اما مخالف این جهت حرکت می‌کند. سرمایه‌هایی که کشور را با مقاصد خارجی ترک می‌کنند بیشتر از سرمایه‌هایی هستند که وارد کشور می‌شوند.

وقتی سرمایه بیشتری وارد کشور می‌شود، حجم تقاضا برای پول رایج کشور افزایش می‌یابد چراکه سرمایه‌گذاران خارجی باید ارز خود را بفروشند و ارز محلی خریداری کنند. این حجم تقاضا سبب افزایش ارزش پول کشور می‌شود.

یعنی معادله ساده عرضه و تقاضا.

و همانطور که حدس می‌زنید، اگر عرضه یک واحد پولی بالا و حجم تقاضا برای آن پایین باشد، آن پول ارزش خود را از دست خواهد داد. وقتی سرمایه‌گذاری خارجی تغییر جهت می‌دهد و سرمایه‌گذاران داخلی هم تصمیم به تغییر تیم‌های خود و ترک کشور می‌گیرند، ارز ملی به وفور وجود خواهد داشت چراکه همه ارز کشور با اقتصاد خارجی را خرید و فروش می‌کنند که در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند.

سرمایه‌های خارجی چیزی جز کشوری با نرخ‌های بالای بهره و رشد اقتصادی قوی را دوست ندارند. اگر کشوری دارای بازار مالی داخلی در حال رشد باشد، شرایط حتی از این هم بهتر خواهد بود! بازار سهام در حال رشد و شکوفایی، نرخ‌های بهره بالا... چرا دوست نداشته باشند؟! سرمایه‌گذاری خارجی در این مسیر جریان می‌یابد. و یک بار دیگر با افزایش تقاضا برای ارز داخلی، ارزش آن نیز بالا می‌رود.

جریان‌های تجاری و تراز تجاری

ما در یک بازار جهانی زندگی می‌کنیم. کشورها محصولات خود را به کشورهایی می‌فروشند که خواهان آنها هستند (صادرات)، در حالی که همزمان کالاهای مورد نیاز خود را از کشورهای دیگر خریداری می‌کنند (واردات). نگاهی به اطراف خانه‌تان بیاندازید. اغلب چیزهایی که دورتان هستند (لوازم برقی، لباس‌ها، اسباب‌بازی‌ها) احتمالا در خارج از کشوری که در آن زندگی می‌کنید ساخته شده‌اند.

هر بار که کالایی را خریداری می‌کنید باید مقداری از پولی را که به سختی بدست آورده‌اید را خرج کنید.

اما کسی هم که شما از او خرید می‌کنید همین کار را می‌کند.

واردکنندگان آمریکایی در عوض خرید کالا از صادرکنندگان چینی پول پرداخت می‌کنند. و واردکنندگان چینی نیز هنگام خرید از صادرکنندگان اروپایی پول می‌دهند.

تمام این خرید و فروش‌ها با تبادل پول همراه است که در مقابل سبب خروج جریان پول از کشور و ورود آن به کشور می‌شود.

تراز تجاری (یا خالص صادرات) نسبت حجم صادرات به واردات را در یک اقتصاد مشخص ارزیابی می‌کند و حجم تقاضای آن کشور برای کالا و خدمات و در نهایت ارز آن را نشان می‌دهد. اگر صادرات بیشتر از واردات باشد، مازاد تجاری بوجود می‌آید و تراز تجاری مثبت می‌شود. اما اگر واردات بیشتر از صادرات باشد، کسری تجاری بوجود می‌آید و موازنه تجاری منفی می‌شود.

بنابراین:

صادرات < واردات = مازاد تجاری = مثبت (+) موازنه تجاری

واردات < صادرات = کسری تجاری = منفی (-) موازنه تجاری

کسری تجاری سبب می‌شود تا ارزش پول یک کشور در برابر سایر ارزها کاهش یابد. واردکنندگان خالص برای خرید ارز تاجری که می‌خواهد کالایش را به آنها بفروشد ابتدا باید پول خود را تبدیل کنند. وقتی کسری تجاری وجود دارد، ارز داخلی برای خرید کالاهای خارجی فروخته می‌شود. از این رو در کشوری که کسری تجاری دارد در مقایسه با کشوری با مازاد تجاری، حجم تقاضا برای ارز داخلی پایین‌تر است.

صادرکنندگان خالص، یعنی کشورهایی که حجم صادراتشان بیشتر از حجم وارداتشان است، می‌بینند که ارزشان را بیشتر کشورهایی خریداری می‌کنند که برای خرید کالاهای صادراتی آنها تمایل نشان می‌دهند. از این رو حجم تقاضا برای پول رایج این کشورها بالاتر است و همین امر سبب می‌شود تا ارزش بیشتری پیدا کنند. در واقع تمام این مسائل به دلیل تقاضا برای پول این کشورهاست. ارزهایی که تقاضای بالاتری دارند معمولا از ارزش بالاتری نسبت به ارزهایی برخوردار هستند که حجم تقاضا برای آنها پایین است.

همین مقوله در خصوص ستارگان موسیقی پاپ نیز صادق است. از آنجایی که تقاضا برای موسیقی لیدی گاگا بیشتر از موسیقی بریتنی اسپیرز است، مبالغ بیشتری به او پرداخت می‌شود.

دولت: حال و آینده

سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ یقیناً سال‌هایی بوده‌اند که در آنها چشم‌های بیشتری به دولت‌هایشان دوخته شد. دولت‌ها به دشواری‌های مالی پیش‌رویشان می‌اندیشیدند و امید می‌رفت نوعی مسئولیت‌پذیری مالی بتواند به تنگناهای مالی پایان دهد. ناپایداری در دولت فعلی یا ایجاد تغییر در دولت فعلی می‌تواند تاثیری مستقیم بر اقتصاد کشور و حتی اقتصاد کشورهای همسایه داشته باشد. و البته هر گونه فشار اقتصادی به احتمال زیاد بر نرخ تبادلات تاثیرگذار خواهد بود.

اخبار و اطلاعات بازار

با جستجوی سریع واژه‌های «forex + news» یا «forex + data» در موتورهای جستجوی Yahoo، Google، و Plus Bing، نزدیک به ۳۰ میلیون مورد پیش روی شما قرار می‌گیرد.

سی میلیون! درست است! بدون تردید شما در این نقطه قرار دارید تا به اطلاعاتی دست یابید! اما اطلاعات زیادی برای پردازش وجود دارد و موارد بسیاری وجود دارد که ممکن است هر تاجر نوپایی را گیج و سردرگم کند. در واقع حجم اطلاعاتی گسترده‌ای ارایه می‌گردد که ممکن است تا به حال با آن روبه‌رو نشده باشیم.

اما برای انجام موفق معاملات این اطلاعات بسیار زیاد است.

در واقع قیمت‌ها به دلیل وجود این حجم اطلاعاتی تغییر می‌کنند: گزارش‌های اقتصادی، رییس جدید بانک مرکزی، و تغییرات نرخ بهره.

اخبار اصول و مبانی را تغییر می‌دهند و اصول و مبانی ارزش پول‌ها را!

این که معامله‌تان را با موفقیت پیش ببرید هدف اصلی‌تان است و تحقق این هدف زمانی آسان‌تر خواهد شد که بدانید چرا قیمت‌ها این چنین دچار تغییر و تحول می‌گردند. معامله‌گران موفق، موفق به دنیا نیامده‌اند؛ آنها آموزش دیده‌اند و دانش و اطلاعاتی را فرا گرفته‌اند.

معامله‌گران موفق قدرت مرموزی ندارند (خب البته به جز Pipcrawler، اما او بیشتر از این که مرموز باشد عجیب است) و آینده‌نگر نیستند.

کاری که آنها انجام می‌دهند آن است که به بررسی و جستجوی اطلاعات و اخبار فارکس می‌پردازند و آنچه که هر لحظه می‌تواند مهم باشد را انتخاب و تصمیمات تجاری درستی اتخاذ می‌کنند.

برای کسب اطلاعات بازار باید به کجا رفت

اخبار و اطلاعات بازار از طریق انبوهی از منابع در اختیار شما قرار داده می‌شوند.

در کتاب ما اینترنت با ارایه انبوهی از گزینه‌ها با سرعت نور و ظاهر کردن آنها در صفحه نمایش کامپیوترتان و با امکان دسترسی از هر نقطه‌ای از جهان پیروز این میدان است. اما رسانه‌های چاپی و تلویزیونی خوب و قدیمی که در اتاق نشیمن یا آشپزخانه‌تان قرار گرفته‌اند را هم فراموش نکنید.

معامله‌گران از مشاهده تعداد گسترده وبسایت‌های تخصصی در زمینه ارزها، خدمات و برنامه‌های تلویزیونی حیرت‌زده خواهند شد. اغلب آنها رایگان هستند اما ممکن است لازم باشد تا برای برخی از آنها هزینه هم پرداخت کنید. در اینجا برای آنکه به شما در آغاز مسیرتان کمک کرده باشیم به بررسی برخی از موارد مورد علاقه خودمان می‌پردازیم.

منابع سنتی اخبار مالی

در حالی که در حوزه مالی انبوهی از منابع خبری وجود دارد، توصیه ما این است که نام‌های بزرگ و شناخته‌شده را دنبال کنید. این منابع به صورت بیست و چهارساعته و با بروزرسانی روزانه اخبار مهمی که لازم است از آنها اطلاع داشته باشید مثل بیانیه‌های بانک مرکزی، گزارش‌ها و تحلیل‌های اقتصادی و... بازارها را پوشش می‌دهند. بسیاری از این بازیگران بزرگ تماس‌های سازمانی دارند و از این طریق در خصوص رویدادهای جاری توضیحاتی را برای بررسی و مشاهده عموم ارایه می‌کنند. از جمله این منابع می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- رویترز
- وال استریت ژورنال
- بلومبرگ
- MarketWatch.com

اطلاعات خبری بی‌درنگ



اگر در جستجوی یافتن امکان دسترسی سریع تر به تحولات بازار ارز هستید، فراموش نکنید که باید در سرویس بهداشتی تان هم یک تلویزیون با صفحه نمایش ۶۵ اینچی داشته باشید!

شبکه های تلویزیونی با حوزه فعالیت در زمینه های مالی وجود دارند که به صورت بیست و چهار ساعته و هفت روز هفته فعال می باشند تا در خصوص تمام بازارهای مالی جهان اطلاعات به روز در اختیار شما قرار دهند.

در ایالات متحده، برجسته ترین این شبکه ها (بدون ترتیب خاص) عبارتند از Bloomberg TV، Fox Business، CNBC، MSNBC و حتی CNN. در این زمینه حتی تا حدودی هم می توانید به BBC اتکا کنید.

یک گزینه دیگر برای دریافت سریع اطلاعات از طریق پلت فرم تجاری تان است.

بسیاری از شرکت های کارگزار دارای منابع خبری زنده ای هستند که مستقیم در نرم افزارهایشان قرار می گیرد تا بتوانید به آسانی و سریع از رویدادها و اخبار مربوط به بازار ارز مطلع شوید. برای دسترسی به چنین قابلیت هایی این مساله را با شرکت کارگزارتان در میان بگذارید اما لازم به توضیح است که تمام شرکت های کارگزار به صورت یکسان این قابلیت ها را ارائه نمی کنند.

تقویم های اقتصادی



عالی نبود اگر می توانستید در تقویم تان به ماه جاری نگاهی بیاندازید و دقیقاً بدانید که Fed (بانک مرکزی آمریکا) چه زمان اطلاعاتی مربوط به نرخ بهره را منتشر می سازد، چه پیش بینی از نرخ بهره وجود دارد، نرخ بهره واقعی چه خواهد بود و این تغییر چه تاثیری بر بازار ارز خواهد گذاشت؟ تمام این موارد تنها در شرایط وجود یک تقویم اقتصادی میسر خواهد بود.

بهترین تقویم‌های اقتصادی آنهایی هستند که این امکان را به شما می‌دهند تا به ماه‌ها و سال‌های مختلف نگاهی بیاندازید، آنها را بر اساس نرخ ارز دسته‌بندی و منطقه زمانی‌تان را هم تعیین کنید. برای مثال ساعت ۳ عصر در نقطه‌ای که شما حضور دارید به این معنا نیست که در نقطه‌ای که ما هم در آن هستیم ساعت ۳ عصر است، بنابراین از قابلیت تعیین منطقه زمانی هم استفاده می‌شود تا آماده رویداد تقویمی بعد شوید!

بله، رویدادهای اقتصادی و گزارش‌های اطلاعاتی با حجم بیشتری از آنکه افراد بتوانند آنها را دنبال کنند وجود دارند. این اطلاعات از پتانسیل لازم برای تغییر بازارها در کوتاه‌مدت و سرعت بخشیدن به آهنگ تغییر جفت‌های ارزی که ممکن است پیگیر آنها باشید برخوردار هستند. از اقبال شما، اغلب اخبار اقتصادی که برای معامله‌گران فارکس مهم هستند چند ماه جلوتر برنامه‌ریزی می‌شوند.

اما ما چه تقویمی را پیشنهاد می‌کنیم؟

برای فراهم‌آوری تمام این ویژگی‌های پسندیده، نگاه و جستجویمان را فراتر از تقویم اقتصادی فارکس BabyPips.com خودمان نمی‌بریم! اما اگر شما تمایلی به استفاده از منبع ما ندارید (که تردید داریم)، یک جستجوی ساده در موتورهای جستجوی شناخته‌شده مجموعه اطلاعات خوبی جهت بررسی به شما ارایه می‌دهد.

نکات اطلاعات بازار

به زمان گزارش‌هایی که مطالعه می‌کنید توجه کنید. بسیاری از این خبرها قبلاً رخ داده‌اند و بازار بر مبنای آنها قیمت‌ها را قبلاً تنظیم کرده است.

اگر بازار قبلاً دست به اقدام زده است، احتمالاً باید نوع اندیشه و استراتژی فعلی‌تان را با آن سازگار کنید. بررسی کنید که اخبار و اطلاعات بدست آمده چقدر قدیمی هستند یا آنکه در می‌یابید که اخبارتان قدیمی هستند.

مضاف بر این که باید بتوانید تعیین کنید که آیا اخبار بدست آمده حقیقت دارند یا دروغ، شایعه یا صرفاً یک ابراز عقیده هستند.

در حوزه اقتصاد شایعه وجود دارد و حتا ممکن است چند دقیقه تا چند ساعت پیش از انتشار برنامه‌ریزی‌شده داده‌ها منتشر شوند. این شایعات سبب می‌شوند برخی از معامله‌گران اقداماتی را در کوتاه‌مدت به مورد اجرا گذارند و گاهی هم ممکن است آثاری ماندگار بر شرایط بازار داشته باشند.

اغلب شایعاتی هم در ارتباط با معامله‌گران سازمانی وجود دارد مبنی بر آن که از اقدامات گسترده‌ای پشتیبانی می‌کنند، اما با توجه به وجود بازار نامتمرکز چون بازار اسپات فارکس⁶ تایید صحت این اخبار تقریباً ناممکن است.

⁶ Spot Forex

اما کار شما به عنوان یک تاجر آماده کردن یک طرح تجاری خوب و واکنش سریع به اخبار مربوط به شایعات (پس از آن که مشخص شد این اخبار واقعی هستند یا دروغین) است. در واقع در این شرایط داشتن یک طرح مدیریت ریسک مناسب می تواند به شما کمک کند تا مقداری از پولتان را حفظ کنید!

و نکته آخر این که: بدانید که چه کسی این اخبار را گزارش می کند.



آیا در مورد تحلیل گران یا اقتصاددانان، یا اقتصاددان و مالک تازه ترین وبلاگ فارکس سخن می گوئیم؟ یا در مورد یک تحلیل گر بانک مرکزی؟

هرچه بیشتر در مورد اخبار فارکس مطلب بخوانید و بیشتر به تماشای برنامه های رسانه ای در این زمینه بنشینید، با متخصصین بیشتری در حوزه سرمایه گذاری و ارز آشنا خواهید شد.

آیا آنها صرفاً بر مبنای تازه ترین اطلاعات و آمار منتشره نظر یا حقیقتی را بیان می کنند؟

هرچه بیشتر در مورد این اشخاص بدانید، بهتر از دقیق بودن این اخبار آگاهی خواهید یافت. آنهایی که خبری را گزارش می کنند اغلب برنامه ریزی خاص خودشان را دارند و از نقاط ضعف و قوتی هم برخوردار هستند.

سعی کنید افرادی که می شناسید را بیشتر بشناسید، به این ترتیب شما آنها را خواهید شناخت. متوجه منظورمان می شوید؟

واکنش بازار

در پیش‌بینی نحوه واکنش بازار به گزارش‌های داده‌ای یا رویدادهای بازار یا حتا علت بروز این واکنش، هیچ فرمول کلی یا فرمولی برای قمار وجود ندارد.

اما می‌توانید به این حقیقت اتکا کنید که معمولا یک واکنش اولیه وجود دارد که غالبا کوتاه‌مدت اما تمام‌عیار است.

سپس مرحله واکنش دوم فرا می‌رسد که در آن معامله‌گران زمان لازم برای اندیشیدن به مفاهیم مربوط به اخبار یا گزارش بازارهای فعلی را داشته‌اند.

در این نقطه بازار تصمیم می‌گیرد که آیا اخبار با انتظارات موجود همخوانی دارند یا ندارند و این که آیا واکنش مربوطه بر این اساس نشان داده شده است یا خیر.

آیا پیامد گزارش منتشره پیش‌بینی می‌شد یا خیر؟ و این که واکنش اولیه بازار در مورد این تصویر بزرگتر چه پیامی دارد؟

پاسخ‌دهی به این پرسش‌ها مجالی است برای آغاز تفسیر اقداماتی که متعاقبا در ارتباط با قیمت‌ها صورت می‌پذیرند.



انتظار عمومی یا صرفاً اجماع نظر را می‌توان یک توافق نسبی بر سر شرایط اقتصادی پیش‌رو یا پیش‌بینی‌های خبری دانست. پیش‌بینی‌های اقتصادی معمولاً توسط اقتصاددانان برجسته بانک‌ها، موسسات مالی و سایر نهادهای مرتبط با اوراق بهادار انجام می‌گیرند.

شخصیت خبری مورد علاقه‌تان ترکیبی خواهد بود از اقتصاددانان داخلی و مجموعه‌ای از بازیگران مالی در بازار.

تمام پیش‌بینی‌ها با هم استخراج می‌شوند و میانگین‌شان محاسبه می‌شود، و این میانگین‌ها که در نمودارها و تقویم‌ها ظاهر می‌شوند نمایان‌گر سطح انتظار از آن گزارش یا رویداد خواهند بود.

اجماع نظر به نقطه مبنا تبدیل می‌شود و داده‌های ورودی یا واقعی بر اساس این عدد مبنا به قیاس گذاشته می‌شود. اطلاعات ورودی معمولاً به طرق زیر شناخته می‌شوند:

- «همانطور که انتظار می‌رود»: اطلاعات گزارش شده به پیش‌بینی‌های جمعی نزدیک بودند.
- «بهتر از سطح انتظار»: اطلاعات گزارش شده بهتر از پیش‌بینی‌های جمعی بودند.
- «بدتر از سطح انتظار»: اطلاعات گزارش شده بدتر از پیش‌بینی‌های جمعی بودند.

این که آیا اجماع نظر لازم در خصوص اطلاعات ورودی بدست می‌آید یا خیر یک ارزیابی مهم جهت تعیین اقداماتی است که در خصوص قیمت‌ها صورت می‌گیرند. همانطور که تعیین این که اطلاعات حاصل تا چه اندازه از اطلاعات واقعی بهتر یا بدتر هستند مهم است، پیش‌بینی جمعی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. نادرستی بیشتر اطلاعات موجود در گزارشی که منتشر می‌شود بر احتمال و میزان تغییر قیمت‌ها می‌افزاید.

اما به خاطر داشته باشید که معامله‌گران فارکس معامله‌گرانی هوشیار و زیرک هستند و می‌توانند جلوتر از منحنی حرکت کنند. به هر روی معامله‌گرانی شایسته و موفق هستند.

بسیاری از معامله‌گران ارز پیش از آن که حتماً برای انتشار یک گزارش برنامه‌ریزی لازم صورت بگیرد، انتظارات جمعی نسبت به کسب‌وکارشان و یا نسبت به بازار را ارزش‌گذاری می‌کنند.

همانطور که از نام‌اش مشخص است، ارزش‌گذاری به این معناست که معامله‌گران با دیدگاهی که نسبت به پیامد یک رویداد دارند پیش از آن که خبر آن منتشر شود روی آن قمار می‌کنند.

هرچه احتمال این که گزارش مربوطه قیمت‌ها را تغییر دهد بیشتر باشد، معامله‌گران در زمان کوتاه‌تری انتظارات جمعی را ارزش‌گذاری خواهند کرد. چطور می‌توان گفت که این مساله با شرایط فعلی بازار همخوانی دارد؟

البته سوال بسیار سختی است.

همیشه نمی‌توان پاسخ این سوال را داد، بنابراین باید این جسارت را داشته باشید تا پیش از انتشار یک گزارش از تفاسیری که از بازار می‌شود و اقداماتی که در خصوص قیمت‌ها در حال انجام است مطلع شوید. این روش به شما کمک می‌کند تا بدانید بازار چطور ارزش‌گذاری شده است.

پیش از آنکه گزارشی منتشر شود، ممکن است رویدادهای بسیاری رخ دهد بنابراین چشم و گوش‌تان را تیز کنید. پیش از آنکه خبری منتشر شود ممکن است شرایط بازار بهبود یابد یا بدتر شود، بنابراین هوشیار باشید که قیمت‌ها ممکن است همسو یا بر خلاف این روند حرکت کنند.

این احتمال هم همیشه وجود دارد که گزارش مربوطه بر مبنای پیش‌بینی‌ها و انتظارات جمعی نباشد، بنابراین روی پیش‌بینی‌های دیگران قمار نکنید. در این شرایط مطمئن شوید که قیمت‌ها در حال تغییر هستند.

با پیش‌بینی رخداد این تغییرات و سایر پیامدهای احتمالی، به خودتان کمک کنید.

بازی «چه می‌شد اگر» را انجام دهید.

از خودتان پرسید، «چه می‌شود اگر مثلاً A رخ دهد؟ اگر B رخ دهد چه؟ معامله‌گران چه واکنشی نشان می‌دهند و شرط‌بندی‌هایشان را چطور تغییر می‌دهند؟»

حتا می‌توانید مشخص‌تر هم عمل کنید.

چه می‌شود اگر گزارش بر مبنای نیمی از انتظارات و پیش‌بینی‌ها منتشر شود؟ نوسان قیمت چند پیپ (pip) خواهد بود؟ در ارتباط با این گزارش چه اتفاقی باید رخ دهد تا سبب یک افت ۴۰ پیپی در بهای ارز شود؟ هیچ چیز؟

اکنون که به سناریوهای مختلفی رسیده‌اید و آماده نشان دادن عکس‌العمل به واکنش‌های بازار هستید، پیش‌نگری می‌تواند شما را در این بازی به جلو اندازد.

چه کار می‌کنند؟ در داده‌ها بازنگری کرده‌اند؟ حالا چه؟

در این عنوان، پرسش‌های بسیاری وجود دارد.

اما درست است، در داده‌های اقتصادی می‌توان بازنگری کرد.

این مساله نشان می‌دهد که گزارش‌های اقتصادی چطور چرخ می‌خورند و تغییر می‌کنند!

در اینجا مثال آمار اشتغال ماهانه در لیست حقوق بگیران بخش غیر کشاورزی (NFP)⁷ آمریکا را در نظر بگیرید. همانطور که گفته شد، این گزارش به صورت ماهانه منتشر می‌شود و معمولاً در آن در ارقام ماه گذشته نیز بازنگری می‌شود.

فرض می‌کنیم که اقتصاد آمریکا در رکود به سر می‌برد و ارقام NFP ماه ژانویه نیز نشان از کاهش ۵۰ هزار فرصت شغلی دارد. پس از آن در ماه فبریه، انتظار می‌رود این روند در NFP به کاهش ۳۵ هزار فرصت شغلی دیگر بیانجامد.

اما در واقع در NFP نرخ اشتغال تنها تا ۱۲ هزار مورد کاهش یافته است. و داده‌های بازنگری شده ماه ژانویه که در گزارش ماه فبریه به آنها اشاره می‌شود نیز کاهش ۲۰ هزار تایی را نشان می‌دهند.

	لیست حقوق‌بگیران بخش		
	واقعی	پیش‌بینی	قبلی
January	-50,000	-30,000	-80,000
February	-12,000	-35,000	-20,000

مورد NFP بهتر از انتظار ماه فبریه

بازنگری افزایشی در ژانویه NFP

به عنوان یک تاجر باید از چنین موقعیت‌هایی و زمانی که داده‌ها بازنگری شده‌اند آگاه باشید.

اگر ندانید که مثلاً در اطلاعات ماه ژانویه بازنگری شده است، ممکن است نسبت به ۱۲ هزار فرصت شغلی دیگری که در ماه فبریه از دست می‌روند واکنشی منفی نشان دهید. البته در هر دو ماه کاهش نرخ اشتغال وجود دارد که نمی‌تواند مطلوب باشد.

اما با در نظر گرفتن رقم بازنگری شده NFP برای ماه ژانویه و پیش‌بینی‌های بهتر از حد انتظار برای NFP ماه فبریه، ممکن است بازار به یک نقطه تحول برسد.

در این شرایط و با نگاه کردن به اطلاعات پیش‌رو و داده‌های بازنگری شده ماه گذشته، اکنون وضعیت اشتغال شرایطی کاملاً متفاوت دارد.

مطمئن شوید که اطلاعات بازنگری شده‌اند و همزمان به مقیاس این بازنگری هم توجه داشته باشید. هنگام تحلیل داده‌های منتشره، بازنگری در مقیاس بزرگتر از ارزش بالاتری برخوردار خواهد بود.

بازنگری‌ها می‌توانند به تایید تغییرات احتمالی و این که اصلاً تغییری رخ خواهد داد یا خیر کمک کنند، بنابراین نسبت به آنچه منتشر می‌شود اطلاعات کافی کسب کنید.

⁷ Non-Farm Payroll

جفت ارز متقاطع چیست؟

جفت ارز متقاطع موسوم به جفت ارزی است که در آن دلار آمریکا وجود ندارد.

در گذشته، اگر کسی می خواست پولش را تبدیل کند مجبور بود آن را اول به دلار آمریکا و سپس دلارش را به ارز مورد نظرش تبدیل کند.



برای مثال، اگر فردی می خواست استرلینگ بریتانیایی اش را به ین ژاپن تبدیل کند باید اول استرلینگش را به دلار آمریکا و سپس دلارش را به ین تبدیل می کرد.

با پیدایش جفت ارز متقاطع، افراد اکنون می توانند با انحراف از این مسیر به آسانی و مستقیم پولشان را به ارز مورد نظرشان تبدیل کنند. برخی از نمونه های این جفت های متقاطع عبارتند از: EUR/GBP، EUR/CHF، EUR/JPY، GBP/JPY و EUR/GBP.



هشدار: این بخش کمی خسته‌کننده است... مگر آنکه به آمار و ارقام علاقمند باشید. دشوار نیست اما در نوع خود کمی خشک و خسته‌کننده است. اما خبر خوب این که این بخش دیگر ضرورتی ندارد چراکه اغلب کارگذاران در پلت‌فرم‌شان این نرخ‌ها را برای شما محاسبه می‌کنند.

با این همه اگر فردی هستید که دوست دارد در هر مورد اطلاعات لازم را داشته باشد، این بخش برای شما در نظر گرفته شده است! مضاف بر این که بهتر است بدانید که تمام موارد چطور می‌توانند عملکرد درستی داشته باشند؟ در این بخش به شما نشان خواهیم داد که چطور می‌توانید قیمتی که در آن قیمت خرید انجام می‌دهید (این نرخ را Ask یا نرخ فروش به شما می‌گویند) و قیمتی که در آن قیمت فروش انجام می‌دهید (این قیمت را Bid یا نرخ خرید از شما می‌گویند) را محاسبه کنید.

مثلا می‌خواهیم برای جفت ارز GBP/JPY، قیمت bid/ask را پیدا کنیم. نخستین کاری که باید انجام دهیم آن است که باید هم به قیمت bid/ask برای GBP/USD و هم به قیمت bid/ask برای USD/JPY نگاهی بیاندازید.

اما چرا این دو جفت ارز؟

برای آن که در هر دوی آنها از دلار آمریکا به عنوان مخارج مشترک‌شان استفاده شده است.

به این دو جفت ارز اصطلاحاً پایه‌های⁸ GBP/JPY گفته می‌شود چراکه جفت‌های دلار مربوط به آن هستند.

اکنون فرض کنید که قیمت‌های bid/ask جفت‌های زیر را به قرار زیر پیدا کرده‌ایم:

⁸ Leg

GBP/USD: 1.5630 (bid) / 1.5635 (ask)

USD/JPY: 89.38 (bid) / 89.43 (ask)

برای محاسبه قیمت فروش (یا bid) GBP/JPY، فقط باید قیمت‌های فروش GBP/USD و USD/JPY را در هم ضرب کنید.

اگر به عدد 139.70 رسیدید کارتان را خوب انجام داده‌اید! و ماشین حساب‌تان هم خوب عمل می‌کند، هورا!!!

برای محاسبه قیمت خرید (یا ask) USD/JPY هم فقط باید قیمت خرید GBP/USD و USD/JPY را در هم ضرب کنید و به عدد 139.82

برسید. به آسانی خوردن یک شیرینی!

فرصتهای معاملاتی بیشتر با جفت‌های متقاطع

بالغ بر ۹۰ درصد از معاملات در بازار فارکس با دلار آمریکا انجام می‌شوند به این علت که دلار آمریکا بزرگترین ارز اندوخته^۹ در جهان است. ممکن است از خودتان پرسید که چرا دلار آمریکا؟ چرا پوند استرلینگ یا یورو نه؟

بسیاری از کالاهای کشاورزی و صنعتی از جمله نفت بر حسب دلار آمریکا قیمت‌گذاری می‌شوند. اگر کشوری بخواهد نفت یا سایر کالاهای کشاورزی خریداری کند ابتدا باید پول خود را به دلار آمریکا تبدیل کرده و سپس کالای مورد نظر را خریداری کنید. به این دلیل است که بسیاری از کشورها اندوخته‌ای از دلار آمریکا در دست دارند. آنها با داشتن این ارزهای پشت‌سبز در جیب‌شان می‌توانند سریع‌تر خریدشان را انجام دهند.

کشورهایی چون چین، ژاپن، استرالیا که از جمله واردکنندگان اصلی نفت محسوب می‌شوند در بانک‌های مرکزی خود ذخایر عظیمی از دلار آمریکا دارند. برای مثال ارز اندوخته چین به یک تریلیون دلار می‌رسد!

اما چه ارتباطی میان این مسائل و جفت‌های ارز متقاطع وجود دارد؟ خب، از آنجایی که در بیشتر نقاط جهان، کشورها به دلار آمریکا وابسته هستند، اغلب گمانه‌زنی‌ها و پیش‌بینی‌ها در معاملات فارکس بر مبنای یک پرسش صورت می‌گیرند که:

«امروز ارزش دلار آمریکا پایین است یا بالا؟»

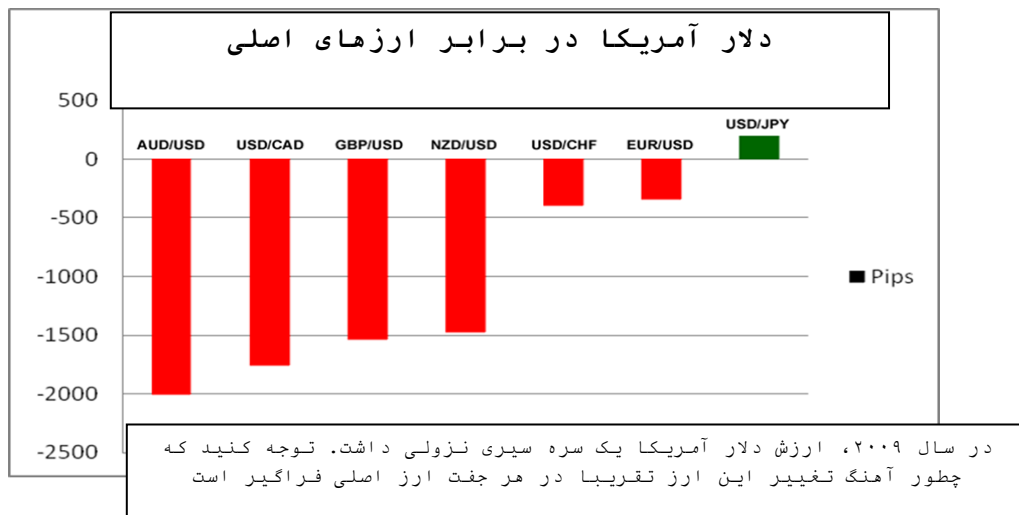
این پرسش بر بسیاری از جفت‌ارزها تاثیرگذار خواهد بود، که مهمترین آنها به قرار زیر می‌باشند:

جفت‌ارزهای اصلی: GBP/USD، EUR/USD، USD/CHF، USD/JPY

جفت‌کالاها: AUD/USD، USD/CAD، NZD/USD

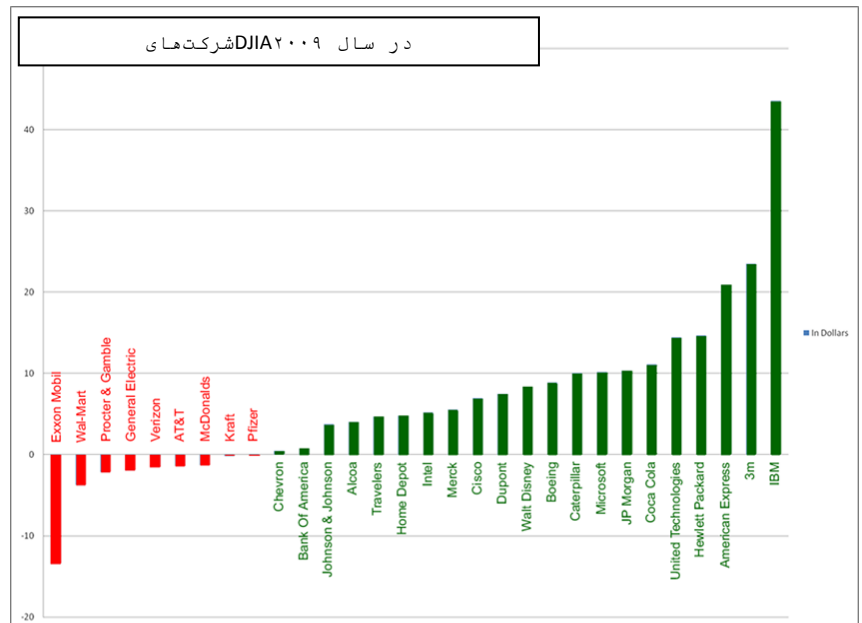
^۹ Reserve Currency: کشورها ذخیره پول و طلای خود را به صورت یکی از ارزهای معتبر مانند دلار، یورو، پین... یا حق برداشت مخصوص صندوق بین‌المللی پول نگهداری می‌کنند و از این ذخیره پولی برای انجام معاملات بین‌المللی و پرداخت سایر تعهدات خود استفاده می‌کنند

توجه داشته باشید که یک سوی تمام این جفت‌ها دلار آمریکا قرار دارد. این امر برای معامله‌گر گزینه‌های متعددی به همراه نخواهد داشت چراکه تصمیمات تجاری او تنها بر مبنای این پرسش اتخاذ می‌شوند.



می‌توانید ببینید که با معامله هر یک از این هفت ارز رایج در جهان، اساساً مجبورید یا موضعی ضد دلار یا در طرفداری از دلار داشته باشید. گفتنی است که این پرسش تقریباً به یک اندازه بر این جفت‌ها تاثیرگذار است.

در مقابل در بازار سهام، معامله‌گران با چندین شرکت روبرو هستند و باید از میان آنها یکی را انتخاب کنند و فعالیت‌شان صرفاً به یک ایده مشخص محدود نمی‌شود.



اگرچه در سال ۲۰۰۹ ارزش DJIA بیش از ۱۴۰۰ واحد افزایش یافت، اما ۹ شرکت از ۳۰ شرکتی که این شاخص را شکل می‌دهند کماکان با رشد منفی روبه رو هستند.

در بازار سهام حتماً می‌توانید مشاهده کنید که آهنگ رشد کل بازار مثبت است و کماکان فرصت‌های تجاری بیشماری هم وجود دارد. تنها یک مساله وجود ندارد که بر کل سبد سهام تاثیر گذار باشد.

به جای آنکه صرفاً به هفت جفت اصلی چشم بدوزید، جفت ارزهای متقاطع، جفت ارزهای بیشتری پیش رویتان می‌گذارند تا بتوانید فرصت‌های سودآوری را بیابید!

کسب سود از اختلاف نرخ بهره

با فروش ارز کشوری که دارای نرخ بهره پایین‌تر است در برابر ارز کشوری که دارای نرخ بهره بالاتری است، می‌توان از اختلاف نرخ بهره (موسوم به تجارت انتقالی^{۱۰}) و افزایش بها سود برد.

مثل رسیدن به یک کیک بستنی شکلاتی می‌ماند! که با شما حرف می‌زند! تصور کنید که چقدر می‌تواند خوشمزه باشد!

¹⁰ Carry Trade: در این استراتژی معامله‌گران ارزهای دارای نرخ بهره پایین مانند ین ژاپن را از بانک یا موسسات مالی قرض می‌کنند و سپس آن را به ارزهای دارای نرخ بهره بالا تبدیل کرده و با نرخ بهره بالا وام می‌دهند. معامله‌گر در این گونه تجارت از تفاوت میان نرخ‌های بهره سود می‌برد. این تفاوت بسته به میزان لورجی که انتخاب می‌کند می‌تواند بسیار قابل ملاحظه باشد



جفت ارزهای متقاطع جفت ارزهای بسیاری با اختلاف نرخ بهره بالا پیشنهاد می‌کنند و برای این نوع معامله‌ها درجه یک هستند.



برای مثال نگاهی به روند صعودی AUD/JPY بیاندازید. اگر با این جفت ارز یک معامله خرید¹¹ داشته‌اید، به سود بالایی دست یافته‌اید.

علاوه بر این اختلاف نرخ بهره میان AUD و JPY نیز بسیار بالا بود. در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷، بانک مرکزی استرالیا¹² نرخ بهره‌اش را تا ۶.۲۵ درصد بالا برده بود در حالی که BOJ این نرخ را ۰ درصد نگه داشت.

این به این معناست که شما از معامله باز طولانی و اختلاف نرخ بهره این معامله سود برده‌اید!

¹¹ Long Position: خرید یک جفت ارزی با این پیش بینی که قیمت افزایش می‌یابد و می‌توان با پایان معامله‌یستن پوزیشن- سود برد

¹² Reserve Bank of Australia

در این شرایط یک گاو شیرده^{۱۳} وحشتناک (سرمایه‌گذاری یا شعبه فرعی یک شرکت که با سود فراوان آن شعبه‌های کم‌سودتر را تقویت می‌کند و یا دست به سرمایه‌گذاری نوینی می‌زند) خواهد بود!



بعدها در کالج مطالب بیشتری در مورد تجارت انتقالی آموزش خواهیم داد (البته اگر مغزتان با این هجوم از اطلاعات فارکس منفجر نشده باشد). در واقع آموزش خواهیم داد که کدامیک کارآمد و کدامیک ناکارآمد هستند. و با مفهوم ریسک‌گریزی^{۱۴} آشنا خواهید شد. اما این درس بعدی است.

¹³ Cash Cow

¹⁴ Risk Aversion

جفت ارزهای متقاطع مبهم

در حالی که جفت ارز یورو و ین بیشترین سطح نقدینگی را به همراه دارد، جفت‌های دیگری هم هستند که حتا دلار آمریکا، یورو یا ین را هم شامل نمی‌شوند؛ ما آنها را جفت ارزهای متقاطع مبهم¹⁵ می‌خوانیم.

اگر مدرسه می‌رفتیم - فکر کنید که واقعا مدرسه می‌رفتیم - جفت ارزهای اصلی اسکاتلندی‌ها و جفت ارزهای متقاطع مبهم کودکان خارجی و نامتعارف بودند.



به این خاطر که اغلب معامله‌گرها ترجیح می‌دهند با ارزهای اثبات‌شده کار کنند تا ارزهای پیچیده و مبهم!

در اینجا منظور ترکیب‌های عجیبی مثل AUD/CHF، AUD/NZD، CAD/CHF و GBP//CHF است. به این دلیل است که آنها را جفت ارزهای مبهم می‌خوانیم.

معامله با این جفت ارزها به مراتب دشوارتر و مخاطره‌آمیزتر از معامله با جفت ارزهای یورو یا ین است. از آنجایی که تعداد معدودی از معامله‌گرها با آنها کار می‌کنند، حجم معاملاتی پایین‌تر به نقدینگی پایین‌تر منتهی می‌شود.

از آنجایی که برای این جفت ارزها بازار نقدی وجود ندارد، قیمت آنها به شدت نوسان دارد و معمولا معامله‌گرها روی لبه تیغ ایستاده‌اند.

تصاویر زیر که مربوط به جفت ارزهای AUD/CHF و GBP/CHF هستند را بررسی کنید.

¹⁵ Obscure Crosses



تصمیم که ندارید با چنین جهش‌های نامطبوعی کارتان را دنبال کنید، مگه نه؟ به این دلیل است که اغلب تاجران معمولاً هنگام معامله با این جفت ارزها پایان کار را بازتر در نظر می‌گیرند.

اما با توجه به حرکت متلاطم جفت ارزهای متقاطع مبهم، انجام معاملات سودآور با آنها دشوارتر خواهد بود. مگر آنکه به اندازه کافی در این زمینه تخصص داشته باشید مثل Cyclopi.



همچنین، از آنجایی که این جفت‌ها زیاد معامله نمی‌شوند، اسپرید¹⁶ آنها می‌تواند بسیار زیاد باشد. اگر بخواهید با این جفت‌های متقاطع معامله کنید باید خود را برای نوسان شدید قیمت‌ها آماده کنید و تمایل به پرداخت بهای این اسپرید را داشته باشید.

تصمیم‌گیری بر مبنای اخبار و اصول بنیادین

وقتی اطلاعات اقتصادی مستدل و خوبی از استرالیا منتشر شود، به خرید AUD می‌اندیشید. ممکن است نخستین واکنش‌تان خرید جفت ارز AUD/USD باشد.

اما چه می‌شود اگر همزمان اطلاعات منتشره اخیر هم نشان دهند که ایالات متحده نیز در حال تجربه رشد اقتصادی خوبی است؟ در این شرایط ممکن است قیمت AUD/USD همتراز باشند.

یک گزینه این است که AUD را با ارز اقتصادی تطبیق دهید که در مقطع مربوطه شرایط خوبی ندارد... ممممم... در این شرایط چه کاری می‌توانید بکنید؟

آه! خوشبختانه جفت ارزهای متقاطع وجود دارند!

فرض کنیم شرایط را تحلیل کرده‌اید، به تقویم اقتصادی هم مراجعه کرده‌اید و متوجه شده‌اید که اقتصاد ژاپن در حال حاضر در شرایط خوبی به سر می‌برد.

حالا چه می‌کنید؟

البته مثل هر آدم قلدر خودبزرگ‌بینی به سوی این فرصت خیز برمی‌دارید و به سوی AUD/JPY حرکت می‌کنید!

¹⁶ تفاوت بین نرخ خرید و نرخ فروش یک جفت ارزی. در واقع تفاوت بین قیمت‌های "بید و اسک" به عنوان مثال برای جفت ارزی یورو به یو Spread: تفاوت بین دو قیمت مشاهده می‌شود که یکی ۱.۳۶۰۱ و دیگری ۱.۳۶۰۴ است. به تفاوت موجود بین این دو قیمت اسپرید گفته می‌شود یعنی این ارز دارای ۳ پیپ اسپرید است.



قدر بودن اشکالی ندارد حداقل اینجا!

این وظیفه شماست که به عنوان یک معامله‌گر از فرصت‌های مشخص بهره ببرید تا بتوانید دلارهای بیشتری به قلک‌تان بیاندازید. به لطف جفت ارزهای متقاطع، بدون نیاز به دلار آمریکا فرصت تطبیق ارز بهترین اقتصاد با ارز ضعیف‌ترین اقتصادی برایتان مهیاست.

خلق جفت‌های ترکیبی

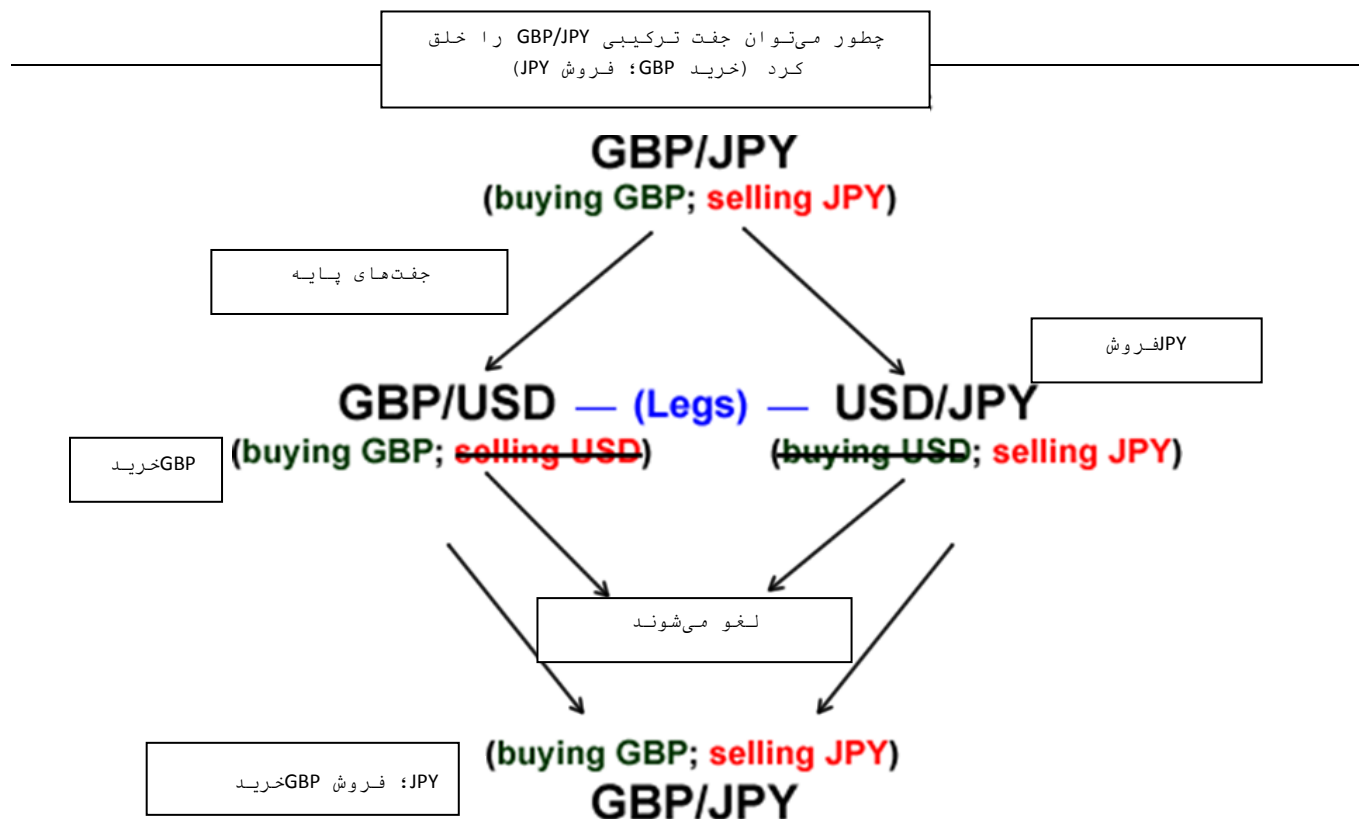
گاهی برخی از معامله‌گرهای سازمانی قادر به معامله برخی از جفت ارزهای متقاطع نیستند چراکه با چنان حجمی در حال معامله هستند که نقدینگی کافی برای سفارشاتشان ندارند.

از این رو برای انجام یک معامله مطلوب باید یک جفت ترکیبی¹⁷ خلق کنند.

فرض کنیم که یک معامله‌گر سازمانی می‌خواهد جفت ارز GBP/JPY خریداری کند اما به دلیل عدم وجود نقدینگی کافی نمی‌تواند. برای انجام این معامله باید هم GBP/USD و هم USD/JPY خریداری کنند (پیش‌تر در این درس یاد گرفتیم که به این جفت‌ها، جفت ارز پایه یا جفت ارز اصلی گفته می‌شود).

آنها به این دلیل قادر به انجام این کار هستند که نقدینگی کافی برای GBP/USD و USD/JPY وجود دارد و این به این معناست که می‌توانند سفارش‌های بزرگتری داشته باشند.

¹⁷ Synthetic Pair



اگر یک معامله‌گر خرد هستید و می‌خواستید نشان دهید که مثل یک معامله‌گر سازمانی عمل می‌کنید، باز هم می‌توانید به لحاظ فنی با جفت‌های ترکیبی کار کنید. اما نمی‌تواند اقدام هوشمندانه‌ای باشد.

از زمانی که ال گور^{۱۸} اینترنت را خلق کرد، این فناوری تا نقطه‌ای پیشرفت کرده است که اکنون حتی معاملات در پلت‌فرم کارگزاران با جفت‌های عجیبی مثل GBP/NZD یا CHF/JPY هم انجام می‌شوند. جدا از دسترسی به منوی بزرگتری از جفت‌های ارزی، اسپردها هم نسبت به جفت‌های ترکیبی که خلق می‌کنید در جفت ارزهای متقاطع کمتر هستند.

و هیچ‌گاه نباید ودیعه^{۱۹} را فراموش کنیم! خلق یک جفت ترکیبی مستلزم باز کردن دو پوزیشن (معامله خرید) جداگانه است و هر پوزیشن هم نیازمند ودیعه خاص خود است. این امر سبب حبس شدن غیرضروری سرمایه در حساب سرمایه‌تان می‌شود. این در حالی است که به راحتی می‌توانید جفت ارزهای متقاطع را معامله کنید و نیازی هم به ودیعه نداشته باشید.

بنابراین جفت‌های ترکیبی را فراموش کنید و به جفت‌های متقاطع بیاورید مگر این که معامله‌تان میلیاردری باشد. در این شرایط به خاطر اسپرد کمتر چند پیپ (pip) به نفع‌تان خواهد بود. مضاف بر این که سرمایه‌تان آزاد است و معاملات بیشتری می‌توانید انجام دهید.

¹⁸ Al Gore

¹⁹ Margin: پولی که برای حفظ یک معامله لازم است و ما برای باز کردن یک معامله یا در اصطلاح پوزیشن نیاز داریم به طور مثال برای باز کردن یک پوزیشن با سایز صد هزار دلار و با لوریج ۱:۲۰۰ فقط پانصد دلار لازم است و به همین صورت برای همین پوزیشن با لوریج ۱:۱۰۰ حدود هزار دلار مارجین بسته به نوع جفت ارزی لازم می‌باشد

جفت ارزهای یورو و ین

پس از دلار آمریکا، یورو و ین رایج‌ترین ارزهای تجاری محسوب می‌شوند. و این دو ارز نیز مثل دلار آمریکا در بسیاری از کشورها به عنوان ارز اندوخته نگه داشته می‌شوند. همین امر آنها را بعد از جفت ارزهای اصلی مبتنی بر دلار به نقدشونده‌ترین جفت‌ارزهای متقاطع تبدیل کرده است.

معامله جفت ارزهای متقاطع مبتنی بر یورو

رایج‌ترین جفت ارزهای متقاطع مبتنی بر یورو عبارتند از EUR/JPY، EUR/GBP و EUR/CHF.

اخباری که بر قیمت یورو و فرانک سوییس تاثیرگذار است آثارشان بیشتر در جفت‌های مبتنی بر یورو احساس می‌شود تا در جفت‌های EUR/USD یا USD/CHF.

اخبار بریتانیا هم به شدت بر جفت ارز EUR/GBP تاثیرگذار خواهد بود.

حیرت‌آور آن است که اخبار آمریکا هم بر نوسان قیمت جفت‌های مبتنی بر یورو تاثیرگذار هستند. اخبار آمریکا سبب نوسانات شدید در قیمت جفت‌های GBP/USD می‌شوند. در واقع نه تنها بر قیمت GBP و CHF در برابر دلار آمریکا بلکه بر قیمت GBP و CHF در برابر یورو هم تاثیرگذار می‌باشند.

افزایش ارزش دلار معمولا به افزایش قیمت EUR/CHF و EUR/GBP می‌انجامد و بالعکس.

گیج‌کننده است؟ بسیار خب... اجازه دهید این مساله را کمی بشکافیم.

فرض کنیم آمریکا داده‌های اقتصادی مثبتی منتشر می‌کند و همین امر سبب افزایش بهار دلار این کشور می‌شود. این به این معناست که GBP/USD سقوط می‌کند و سبب کاهش بهای GBP می‌شود. همزمان USD/CHF صعود می‌کند و از ارزش CHF کاسته می‌شود.

سپس افت بهای GBP سبب افزایش قیمت EUR/GBP می‌شود (چراکه معامله‌گرها GBP‌یشان را یکجا می‌فروشند).

کاهش ارزش CHF هم سبب افزایش قیمت EUR/CHF می‌شود (چراکه معامله‌گرها CHF‌شان را یکجا می‌فروشند).

در مقابل، اگر آمریکا اخبار اقتصادی منفی منتشر کند، عکس این روند رخ خواهد داد.

معامله جفت ارز متقاطع ین

واحد پولی JPY یکی از رایج‌ترین ارزهاست و اساسا در برابر سایر ارزهای اصلی معامله می‌شود.

از فبریه ۲۰۱۰ تاکنون EUR/JPY دارای بالاترین حجم از جفت ارزهای متقاطع مبتنی بر JPY بوده است.

از آنجایی که جفت ارزهای GBP/JPY، AUD/JPY و NZD/JPY دارای بالاترین اختلاف نرخ بهره در برابر JPY هستند ارزهای جذابی برای تجارت‌های انتقالی محسوب می‌شوند.

هنگام معامله جفت ارزهای متقاطع مبتنی بر JPY همیشه باید نگاهتان به USD/JPY باشد. وقتی سطح کلیدی شکسته می شود یا قیمت ها سقوط می کنند، معمولا جفت ارزهای مبتنی بر JPY هم تحت الشعاع قرار می گیرند.

برای مثال، اگر نرخ USD/JPY سقوط کند، این به این معناست که معامله گر در حال فروش کلی JPY خود است. این امر سبب فروش JPY در برابر سایر ارزها هم می شود. بنابراین می توانید انتظار داشته باشید که EUR/JPY، GBP/JPY و سایر جفت ارزهای مبتنی بر JPY افزایش یابند.

CAD/JPY

در سال های اخیر این ارز رواج بسیاری یافته است و ارزش آن همبستگی بالایی با بهای نفت دارد.

کانادا دومین دارنده بزرگ ذخایر نفت در جهان است و از افزایش بهای نفت سود بسیاری حاصل می آورد.

از سوی دیگر، ژاپن هم کاملا به واردات نفت متکی است و ۹۹ درصد از نفت خام مورد نیاز این کشور در قالب واردات تامین می شود چراکه تقریبا فاقد هر گونه ذخایر نفتی است.

این دو عامل یک همبستگی مثبت ۸۷ درصدی میان بهای نفت و CAD/JPY ایجاد کرده اند.

استفاده از جفت های متقاطع در مبادله جفت های اصلی

حتا اگر نخواهید وارد معامله جفت ارزهای متقاطع بشوید و صرفا معامله جفت ارزهای اصلی را ادامه دهید می توانید برای اتخاذ تصمیمات تجاری بهتر از جفت ارزهای متقاطع هم استفاده کنید.

در اینجا به یک مثال اشاره شده است...

جفت ارزهای متقاطع می توانند نشانه هایی از قدرت نسبی هر جفت ارز اصلی را بدست دهند.

فرض کنیم که برای EUR/USD و GBP/USD یک سیگنال خرید می بینید اما فقط می توانید یک معامله انجام دهید.

کدامیک را انتخاب می کنید؟

اگر فقط بخواهید به پیش بینی و گمانه زنی اتکا کنید پاسخ درستی نمی گیرید.

برای پیدا کردن پاسخ درست باید نیم‌نگاهی هم به EUR/GBP داشته باشید. اگر معامله EUR/GBP سیری نزولی دارد، نشان می‌دهد که در مقطع فعلی پوند نسبتاً قوی‌تر از یورو است.

بنابراین به دلیل قدرت نسبی پوند در برابر یورو پاسخ صحیح خریداری GBP/USD به جای EUR/USD است.

از آنجایی که یورو نسبت به پوند ضعیف‌تر است و اگر ثابت شود که نسبت به دلار آمریکا قدرت می‌گیرد، احتمال قدرت گرفتن‌اش نسبت به پوند کمتر خواهد بود.

اگر ارزش دلار آمریکا به طور کلی در حال تنزل است، با GBP/USD به پیپ بیشتری دست می‌یابید چراکه قیمت‌اش از EUR/USD بالاتر خواهد رفت.

بنابراین معامله GBP/USD معامله بهتری است.

تحلیل قدرت نسبی را می‌توانید برای هر یک از جفت ارزهای اصلی انجام دهید...

فرض کنیم که شما معتقدید ارزش دلار آمریکا سیری نزولی دارد. چگونه معامله خواهید کرد؟

نمی‌توانید تصمیم بگیرید EUR/USD را خرید کنید یا USD/CHF را بفروشید؟ به بررسی وضعیت EUR/CHF بپردازید.

- نمی‌توانید تصمیم بگیرید USD/CHF را خرید کنید یا USD/JPY را بفروشید؟ پس به بررسی وضعیت CHF/JPY بپردازید.
 - نمی‌توانید تصمیم بگیرید EUR/USD را خرید کنید یا USD/JPY را بفروشید؟ پس به بررسی وضعیت EUR/JPY بپردازید.
 - نمی‌توانید تصمیم بگیرید GBP/USD را خرید کنید یا USD/CHF را بفروشید؟ پس به بررسی وضعیت GBP/CHF بپردازید.
 - نمی‌توانید تصمیم بگیرید GBP/USD را خرید کنید یا USD/JPY را بفروشید؟ پس به بررسی وضعیت GBP/JPY بپردازید.
- بنابراین همیشه به خاطر داشته باشید که توجه به جفت ارزهای متقاطع می‌تواند در تعیین قدرت نسبی یک ارز خاص به شما کمک کند.

نحوه تاثیرگذاری جفت ارزهای متقاطع بر جفت ارزهای اصلی

فرض کنیم که بانک مرکزی آمریکا از تصمیم خود برای بالا بردن نرخ‌های بهره خبر می‌دهد. بازار بی‌درنگ شروع به خرید دلار آمریکا در کلیه معاملات مربوط به جفت ارزهای اصلی می‌کند... در این شرایط EUR/USD و GBP/USD افت می‌کنند و USD/CHF و USD/JPY افزایش می‌یابند.

در این اوضاع شما وارد معاملات EUR/USD کمتری می‌شوید و از این که قیمت‌ها به نفع شما نوسان پیدا می‌کنند خرسند می‌شوید، اما درست پیش از آن که می‌خواهید سیگارتان را خاموش کنید، متوجه می‌شوید که دوست‌تان یک معامله خرید USD/JPY داشته و پیپ‌های بیشتری سود کرده است.



شرایط شما این گونه است که «چه خبر از آن هی؟»

نمودارهای EUR/USD و USD/JPY را مقایسه می‌کنید و می‌بینید که USD/JPY تغییرات بیشتری داشته است. از یک تنزل قیمت عمده عبور و به سرعت ۲۰۰ پیپ رشد کرده است. این در حالی است که EUR/USD به سختی ۱۰۰ پیپ را می‌بندد و قادر به شکستن سطح پشتیبانی اصلی نبوده است.

با خودتان فکر می‌کنید که اگر دلار آمریکا یک‌سره در حال خریداری بوده است، چطور ممکن است معامله EUR/USD تا نسبت به معامله USD/JPY دوستان عملکرد ضعیف‌تری داشته است؟

این به علت جفت ارزهای متقاطع است! که در این مثال خاص EUR/JPY می‌باشد.

وقتی USD/JPY از سقوط سطح قیمت‌ها عبور کرد، دستور توقف ضرروزیان‌ها و افزایش معامله‌گرانی که ناگهان وارد این مسیر شدند به افزایش بیشتر USD/JPY کمک کرد.

از آنجایی که خرید بیشتر USD/JPY از ارزش ین می‌کاهد، این امر سبب می‌شود تا EUR/JPY (و سایر جفت ارزهای ین محور) از مانع سقوط قیمت‌ها عبور کند، یک بار دیگر دستور توقف ضرر داده شود، معامله‌گران جذب شوند و EUR/JPY بالاتر رود.



این امر سبب تقویت یورو و آهسته‌تر شدن سیر نزولی معامله EUR/USD شما می‌شود. خرید ارزی EUR/JPY مثل یک چتر نجات عمل می‌کند و به این علت است که EUR/USD به سرعت USD/JPY تغییر نکرد.

بنابراین حتی اگر فقط ارزهای اصلی را معامله کنید، باز هم ارزهای متقاطع بر معاملات شما تاثیر گذار خواهند بود.

خلاصه: جفت ارزهای متقاطع

همانطور که می‌بینید، در بازار بورس خارجی فرصت‌های تجاری بسیاری غیر از درک نحوه عملکرد دلار آمریکا در هر روز مشخصی وجود دارد- و اکنون می‌دانید که چطور باید این فرصت‌ها را بیابید! در اینجا به مواردی که باید به خاطر داشته باشید اشاره شده است:

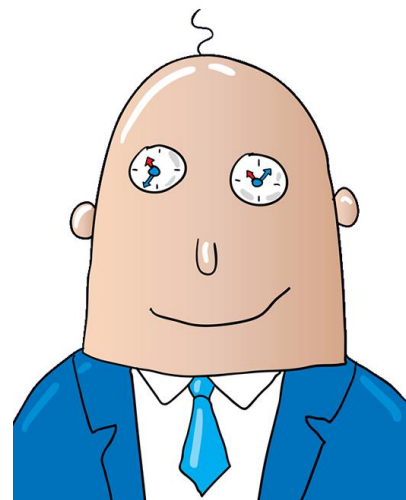
- جفت ارزهای متقاطع جفت ارزهای بیشتری جهت معامله در اختیار معامله‌گران می‌گذارند و این به معنای فرصت‌های تجاری بیشتر خواهد بود.
- در نمودار جفت ارزهای متقاطع روندها و رنج‌های بی‌تلاطم‌تری نسبت به نمودار جفت ارزهای اصلی وجود دارد.
- با معامله جفت ارزهای متقاطع می‌توانید از اختلاف نرخ بهره‌ها سود ببرید.
- کوشش و تحلیل‌های لازم را بکنید و ارزهای قوی را با ارزهای ضعیف تطبیق دهید.
- اگر کارگزارتان نمی‌تواند جفت ارزی که می‌خواهید معامله کنید را فراهم کند نگران نباشید. اکنون می‌دانید که چطور با خرید²⁰ یا فروش²¹ همزمان دو جفت ارز اصلی یک جفت ارز ترکیبی و یک جفت ارز متقاطع خلق کنید.
- رایج‌ترین جفت ارزهای متقاطع عبارتند از EUR/JPY، EUR/GBP و EUR/CHF.

²⁰ Going Long: خرید سهام، ارز، کالا به منظور سرمایه‌گذاری یا بورس باز

²¹ Going Short: فروش دارایی یا ارزی که متعلق به فروشنده نیست

- AUD/JPY, GBP/JPY و NZD/JPY در تجارت انتقالی ارزهای جذابی هستند چراکه بالاترین اختلاف نرخ بهره در برابر JPY را دارند.
- هنگام معامله جفت ارزهای متقاطع مبهم، به نوسانات قیمت و اسپردهای بیشتر توجه داشته باشید.
- حتی اگر بخواهید معامله با جفت ارزهای اصلی را ادامه دهید، باز هم می‌توانید برای تصمیم‌گیری در خصوص معامله کدام جفت ارز اصلی از جفت ارزهای متقاطع استفاده کنید چراکه این جفت ارزها می‌توانند به شما کمک کنند تا بدانید که کدام ارز قوی‌تر است.
- فراموش نکنید که تغییر در جفت ارزهای متقاطع می‌تواند در جفت ارزهای اصلی تاثیرگذار باشد.
- نکته آخر این که نسبت به ارزش پیپ جفت ارز متقاطع که در حال معامله آن هستید آگاه باشید. برخی از این جفت ارزها دارای ارزش پیپ بالاتر یا پایین‌تری نسبت به جفت ارزهای اصلی هستند. داشتن این اطلاعات می‌تواند برای تحلیل ریسک مفید باشد.
- پس در روزهایی که هیچ اقبالی در معامله جفت ارزهای اصلی نیست یا اگر می‌خواهید از بی‌ثباتی‌های ناشی از رویدادهای خبری آمریکا دور بمانید، به سوی جفت ارزهای متقاطع حرکت کنید. ممکن است آنچه که پیدا می‌کنید را هرگز هم شناسید!
- بنابراین می‌بینید که جفت ارزهای متقاطع تنها برای متخصصانی چون Cyclopip نیستند. اگر می‌خواهید با معامله گر دیگری که او نیز با جفت ارزهای متقاطع معامله می‌کند گفتگو کنید، بخش Currency Crosses در فروم‌های ما محل انجام چنین برخوردهایی است.

تحلیل بازه زمانی چند گانه



تحلیل چهارچوب زمانی چند گانه دیگر چیست؟

تحلیل چند گانه‌ی چی؟! آرام باشید، آن طور که به نظر می‌رسد هم پیچیده نیست! اکنون که دبیرستان‌تان را تمام کرده‌اید زمان آن نیست که مدرک ارشدتان را بگیرید هر چند که احتمالاً مدت‌ها پیش با نمره ۱۲ آن را گرفته‌اید. هان!

تحلیل چهارچوب زمانی چند گانه فرآیند بررسی یک جفت ارز و قیمت آن در چهارچوب‌های زمانی متفاوت است.

به خاطر داشته باشید که یک جفت ارز در چندین چهارچوب زمانی وجود دارد-به صورت روزانه، ساعتی، ۱۵ دقیقه‌ای، و حتی یک دقیقه‌ای.

این به این معناست که معامله‌گران مختلف می‌توانند نسبت به این مساله که یک جفت ارز چطور معامله می‌شود نظرات متفاوتی داشته باشند و تمام این نظرات هم کاملاً صحیح هستند.

برای مثال ممکن است فوبی (Phoebe) مشاهده کند که EUR/USD در نمودار چهار ساعته سیری نزولی دارد. اما سام (Sam) در نمودار پنج دقیقه‌ای معامله می‌کند و می‌بیند که رنج این جفت ارز فقط بالا و پایین می‌رود. و هر دو نیز ممکن است برداشت‌های درستی داشته باشند!

همانطور که می‌بینید، این امر یک مساله مطرح می‌کند. گاهی با نگاه به نمودار چهار ساعته، معاملات پیچیده می‌شوند، مثلاً یک سیگنال فروش می‌بینید، سپس روی یک ساعت جهش می‌کنند و می‌بینید که قیمت‌ها رفته‌رفته افزایش می‌یابند.

در این شرایط چه باید بکنید؟

کارتان را با چهارچوب زمانی دنبال کنید، سیگنال را بگیرید و دیگر چهارچوب زمانی را رها کنید؟

شیر یا خط بیاندازید که آیا باید خرید کنید یا فروش؟

خوشبختانه ما قرار نیست بگذاریم بدون آگاهی از نحوه استفاده از تحلیل چهارچوب زمانی چندگانه مدرک بگیرید.

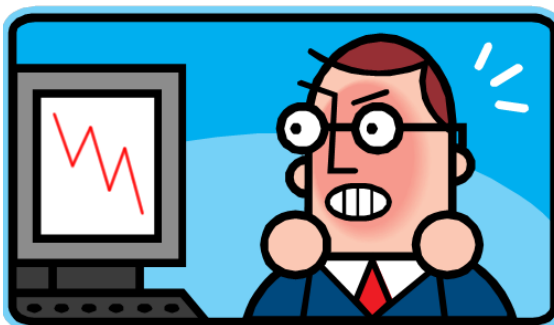
نخست سعی می‌کنیم به شما کمک کنیم تا تعیین کنید که باید روی چه چهارچوب زمانی تمرکز کنید. هر معامله‌گری باید در چهارچوب زمانی خاصی که با شخصیت‌اش سازگار است معامله کند (در بخش‌های بعدی بیشتر به این موضوع پرداخته خواهد شد).

دوم این که به شما می‌آموزیم که چطور باید به بررسی چهارچوب‌های زمانی مختلف یک جفت ارز پردازید تا بتوانید تصمیمات تجاری بهتر و آگاهانه‌تری اتخاذ کنید.

در کدام بازه زمانی مبادله کنم؟

یکی از دلایلی که معامله‌گران نوپا آنطور که می‌توانند کار نمی‌کنند آن است که در چهارچوب زمانی نادرستی نسبت به شخصیت‌شان معامله می‌کنند.

معامله‌گران جدید می‌خواهند سریع پولدار شوند از این رو کارشان را با چهارچوب‌های زمانی کوتاه مثل یک دقیقه‌ای یا پنج دقیقه‌ای آغاز می‌کنند. در نهایت معامله‌نومیدشان می‌کند چراکه این چهارچوب‌های زمانی با شخصیت‌شان سازگار نیست.



برخی از معامله‌گران با معامله در نمودارهای یک ساعته احساس بهتری دارند.

این چهارچوب زمانی طولانی‌تر است اما آنقدر هم طولانی نیست، سیگنال‌های تجاری کمتر هستند اما خیلی هم کم نیستند. معامله در این چهارچوب زمانی زمان بیشتری برای تحلیل بازار بدست می‌دهد و همزمان کار با عجله پیش نمی‌رود.



از سوی دیگر دوستی هم هست که هیچگاه و به هیچ وجه در چهارچوب زمانی یک ساعته معامله نمی‌کند.

این مسیر برای او بسیار کند است و احتمالاً فکر می‌کند که نمی‌تواند تا پیش از ورود به یک معامله دوام بیاورد. بنابراین معامله در نمودار ۱۰ دقیقه‌ای را ترجیح می‌دهد. او در این نمودار هم برای تصمیم‌گیری بر مبنای طرح تجاری‌اش زمان کافی دارد (البته نه خیلی زیاد).

یکی دیگر از دوستان این تصور را داشت که معامله گران چطور در نمودار یک ساعته معامله می کنند. او معتقد است این نمودار بسیار سریع است! از این رو فقط با نمودارهای روزانه، هفتگی و ماهانه کار می کند.

بسیار خوب، حالا احتمالاً می پرسید پس چه چهارچوب زمانی مناسب شماست.

خب دوست من، اگر توجه کرده باشید، این بستگی به شخصیت شما دارد. باید با چهارچوب زمانی که در آن معامله می کنید احساس راحتی کنید.

وقتی در جریان یک معامله هستید همیشه نوعی احساس خرسندی یا حس نومییدی دارید چراکه پای پول واقعی مطرح است. و این طبیعی است.

زمانی که معامله ای را آغاز کردیم، نمی توانیم به یک چهارچوب زمانی پایبند بمانیم.

کار را با نمودار ۱۵ دقیقه ای آغاز می کنیم.

سپس نمودار ۵ دقیقه ای.

سپس نمودار یک ساعته، روزانه و چهار ساعته را امتحان می کنیم.

این برای تمام معامله گران نوپا امری طبیعی است تا آن که ناحیه آسایش تان را بیابید و متوجه شوید که چرا پیشنهاد می کنیم با استفاده از چهارچوب های زمانی مختلف معامله DEMO کنید تا ببینید کدام چهارچوب بهتر با شخصیت تان سازگار است.

تقسیم‌بندی بازه زمانی

خب درست مثل هر چیز دیگری در زندگی، همه چیز بستگی به شما دارد.

آیا می‌خواهید مراحل آهسته پیش روند و برای هر معامله زمانی را سپری کنید؟ در این شرایط ممکن است برای معامله در چهارچوب‌های زمانی طولانی‌تر مناسب باشید.

یا شاید هیجان، سرعت و اقدامات سریع را دوست دارید؟ اگر این چنین است باید نمودارهای پنج‌دقیقه‌ای را دنبال کنید.

در نمودار زیر به برخی از چهارچوب‌های زمانی پایه‌ای و تفاوت‌های میان آنها اشاره کرده‌ایم.

معایب	مزایا	شرح	چهارچوب زمانی
نوسانات شدیدی وجود دارد	مجبور نیستند در طول بیست و چهارساعت چشم به بازارها بدوزند.	معامله‌گران بلند مدت معمولاً به نمودارهای روزانه یا هفتگی مراجعه می‌کنند.	بلندمدت
معمولاً یک یا دو سال زمان می‌برد و به صبر و بردباری نیاز است.	تعداد تراکنش‌های کمتر به این معناست که زمان کمتری برای پرداخت اسپرد وجود دارد	نمودارهای هفتگی چشم‌انداز بلندمدت‌تری دارند و به ثبت اطلاعات روزانه در مدت کوتاه‌تر کمک می‌کنند.	
برای کنترل نوسانات بلندمدت‌تر به حساب مالی بزرگتری نیاز است.	زمان بیشتری برای اندیشیدن به هر معامله وجود دارد.	معاملات معمولاً از چند هفته تا چند ماه و گاهی هم تا چند سال هستند.	
اغلب ماه‌ها ضرروزیان وجود دارد.	فرصت‌های بیشتری برای معامله وجود دارد	معامله‌گران چهارچوب‌های زمانی کوتاه‌مدت از چهارچوب‌های ساعتی استفاده می‌کنند و معاملات	کوتاه‌مدت (نوسان)
هزینه‌های تراکنش بالاتر است (اسپردهای بیشتری باید پرداخت شود)	ریسک‌های شبانه به یک	ماه‌های ضرروزیان کمتر	

فاکتور تبدیل می‌شوند.	است	را برای چند ساعت تا یک هفته نگه می‌دارند.	
	برای کسب درآمد کمتر به یک یا دو معامله در سال اتکا می‌شود.		
هزینه تراکنش به مراتب بالاتر است (اسپرد بیشتری برای پرداخت وجود دارد).	فرصت‌های تجاری بسیاری وجود دارد	معامله‌گران بیست و چهار ساعته از نمودارهای دقیقه‌ای مثل یک دقیقه‌ای یا ۱۵ دقیقه‌ای استفاده می‌کنند. معامله‌ها در طول بیست و چهار ساعت روز حفظ می‌شوند و	در بیست و چهار ساعت روز
به لحاظ روهی دشوارتر است چراکه نظرات باید به صورت مکرر تغییر یابند.	احتمال ماه‌ها ضرروزیان کمتر است	با بسته شدن بازار معامله‌گرها از آنها خارج می‌شوند	
به دلیل لزوم خروج از معامله در پایان روز سودها محدود هستند.	ریسک شبانه‌ای وجود ندارد.		

همچنین باید میزان سرمایه‌ای که برای معامله در دست دارید را هم مد نظر داشته باشید.

چهارچوب‌های زمانی کوتاه‌تر این امکان را به شما می‌دهند تا از حاشیه سود بهتر استفاده کنید و ضرر و زیان کمتری متحمل شوید.

چهارچوب‌های زمانی طولانی‌تر مستلزم توقف بیشتر ضرروزیان، و حساب بزرگتر هستند تا بتوانید بدون نیاز به درخواست تکمیل ودیعه^{۲۲} نوسانات بازار را کنترل کنید.

مهمترین مساله‌ای که باید به خاطر داشته باشید آن است که هر چهارچوب زمانی که برای معامله انتخاب می‌کنید باید با شخصیت‌تان سازگار باشد.

مثل زمانی است که لباس زیرتان گشاد یا شلوارتان کمی کوتاه است و احساس خوشایندی ندارید چرا که متناسب شما نیستند.

به این دلیل است که ما معامله در چندین چهارچوب زمانی را به شما پیشنهاد می‌کنیم تا بتوانید ناحیه آسایش‌تان را پیدا کنید. این امر به شما کمک می‌کند تا مناسب‌ترین چهارچوبی که می‌توانید بر اساس آن بهترین تصمیم تجاری‌تان را اتخاذ کنید را انتخاب کنید.

²² Margin Call: وقتی مبلغ به ودیعه گذاشته شده در حساب یک معامله گر-مارجین- به میزانی کمتر از حداقل سپرده لازم برسد یا اینکه فرد بخواهد معاملات خرید و فروش بیشتری انجام دهد و سپرده اش ناکافی باشد، کارگزار از او می‌خواهد تا اقدام به تکمیل سپرده خود نماید

وقتی در نهایت در خصوص چهارچوب زمانی مورد نظرتان تصمیم می‌گیرید، سرگرمی شروع می‌شود. و این زمانی است که شروع به بررسی چهارچوب‌های زمانی چندگانه می‌کنید تا بتوانید بازار را تحلیل کنید.

خرید یا فروش؟

پیش از توضیح نحوه تحلیل چهارچوب زمانی چندگانه برای معامله فارکس‌تان، احساس کردیم لازم است به این مساله اشاره کنیم که چرا باید به بررسی چهارچوب‌های زمانی مختلف بپردازیم.

در نهایت این که آیا تحلیل فقط یک نمودار به اندازه کافی دشوار نیست؟

میلیون‌ها شاخص وجود دارد که آنها را در اخبار اقتصادی مطالعه کرده‌اید، تمرین بسکتبال داشته‌اید، یک جلسه Call of Duty و یک روز خوب در مک‌دونالد داشته‌اید...

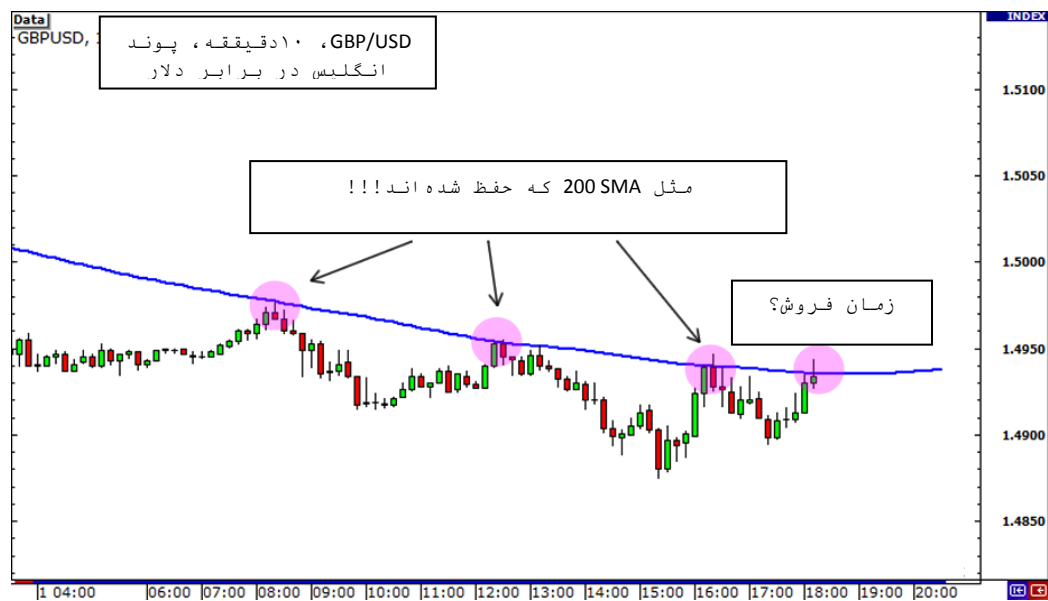
اکنون برای نشان دادن این که چرا باید به چهارچوب‌های زمانی مختلف توجه و برای بررسی آنها تلاش مضاعف کرد، بازی موسوم به «Long or Short» (خرید یا فروش) را انجام می‌دهیم.

قواعد این بازی بسیار آسان است. به نموداری نگاه می‌کنید و تصمیم می‌گیرید که باید خرید داشته باشید یا فروش. کار آسانی است، نه؟ بسیار خوب، آماده‌اید؟

به نمودار ده‌دقیقه‌ای GBP/USD یک جولای ۲۰۱۰ (۷/۰۱/۲۰۱۰) ساعت ۸:۰۰ صبح به وقت گرینویچ نگاهی بیاندازید. به طور متوسط ۲۰۰ نوسان داشته‌ایم که به نظر می‌رسد به صورت سقوط قیمت‌ها ادامه می‌یابد.

با آزمایش سقوط قیمت‌ها و شکل‌گیری یک نمودار شمعی دوجی (doji)، این گونه به نظر می‌رسد که فروش مناسب‌تر است؟

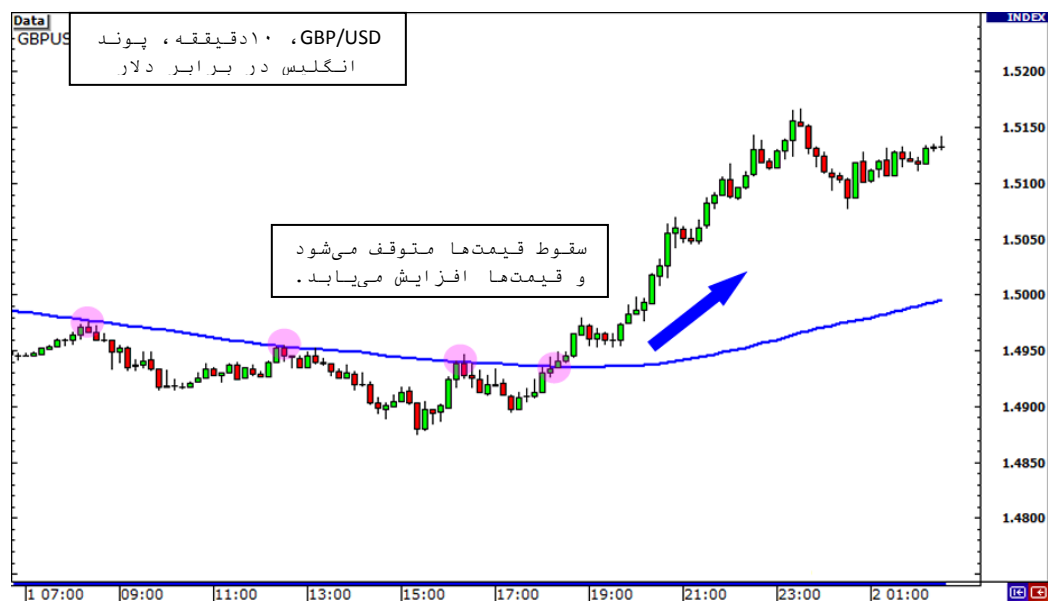
ما برای این پرسش پاسخ بله در نظر می‌گیریم.



اما ببینید که بعد چه اتفاقی می افتد!

جفت ارز بالاتر از نقطه سقوط قیمت‌ها بسته می شود و ۲۰۰ پیپ دیگر افزایش می یابد!

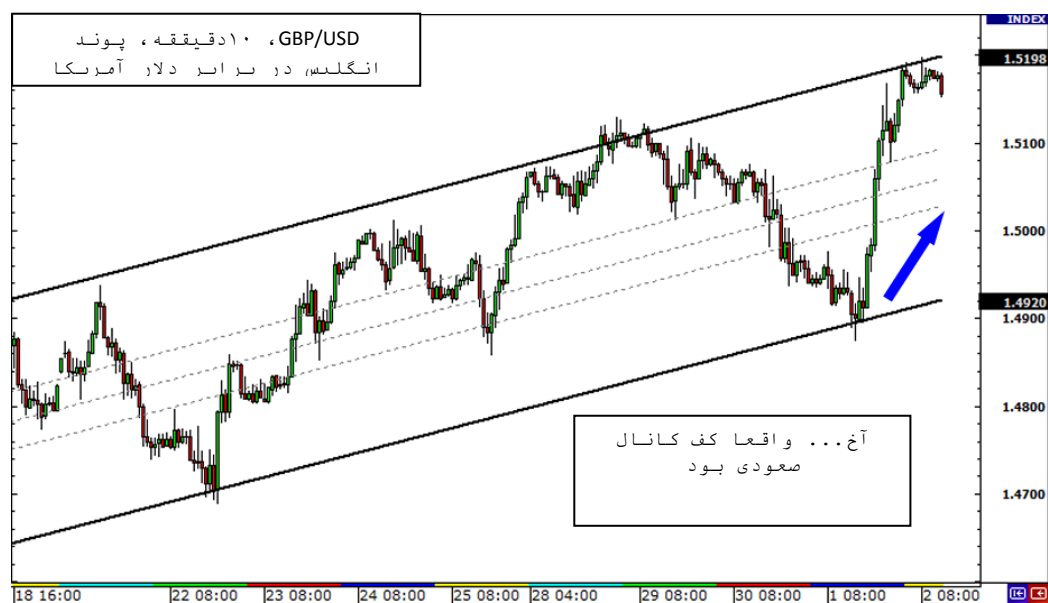
آخ! اوه بسیار خب، خیلی بد است!



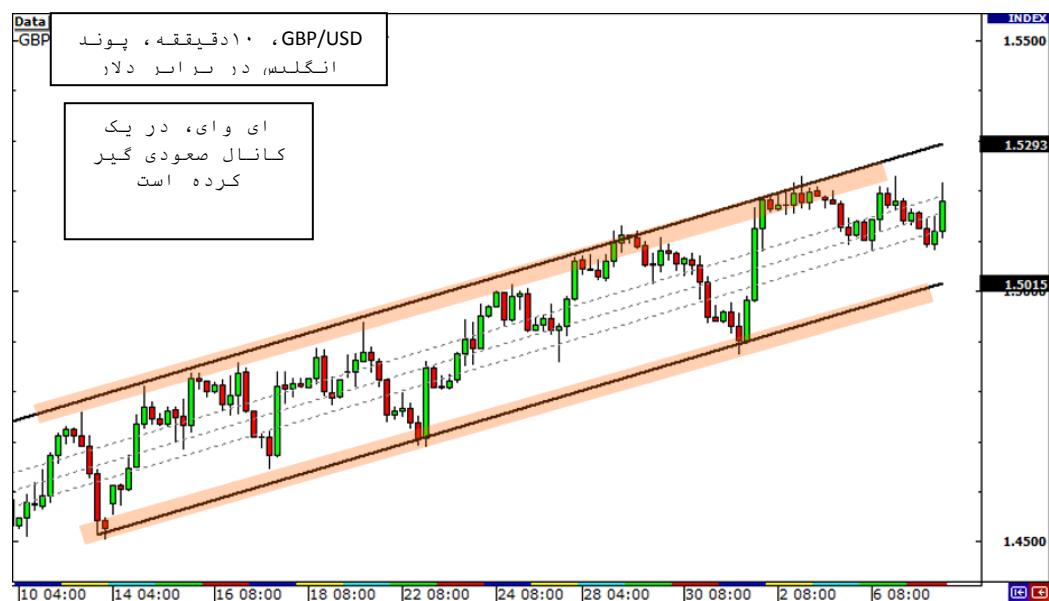
چه اتفاقی افتاد؟ مممممم، بگذارید به نمودار یک ساعته برویم و ببینیم چه اتفاقی افتاده است...

اگر نمودار یک ساعته را پیگیری کردید، متوجه شده‌اید که این جفت ارز واقعا در کف کانال صعودی هستند.

مساله دیگر این که یک نمودار شمعی دوجی هم روی خط تعادل شکل گرفته است! یک سیگنال روشن برای خرید!



کانال صعودی در نمودار چهار ساعته شفاف تر بوده است.



اگر ابتدا به این نمودار نگاه کرده بودید، آیا هنگام معامله در نمودار ده دقیقه‌ای سریعاً فروش ارز را انتخاب می‌کردید؟

تمام نمودارها اطلاعات مشابهی را در چهارچوب‌های زمانی مختلف نشان می‌دادند.

یک نمونه دیگر از تحلیل چهارچوب زمانی چندگانه را در فروم‌هایمان بررسی کنید.

آیا اکنون اهمیت توجه و دنبال کردن چهارچوب‌های زمانی چندگانه را درک کرده‌اید؟

ما سابق بر این فقط نمودارهای ۱۵ دقیقه‌ای را سبک سنگین می‌کردیم، همین.

و هیچگاه نمی‌توانستیم درک کنیم که چرا وقتی همه چیز خوب به نظر می‌آید ناگهان زمان متوقف می‌شود و شرایط وارونه می‌شود. هیچ‌گاه برای این که ببینیم چه اتفاقی دارد می‌افتد به ذهن‌مان خطور نمی‌کند که به یک چهارچوب زمانی طولانی‌تر هم نگاهی بیاندازیم.

وقتی بازار در نمودار ۱۵ دقیقه‌ای متوقف یا وارونه می‌شود، اغلب به دلیل افزایش یا سقوط شدید قیمت‌ها در یک چهارچوب زمانی بلندتر است.

در واقع فراگیری این مساله که هرچه چهارچوب زمانی بلندتر باشد احتمال تداوم سطح سقوط یا افزایش قیمت‌ها بیشتر خواهد بود، به قیمت چند صد پیپ منفی تمام می‌شود.

معامله با استفاده از چند چهارچوب زمانی در مقایسه با یک چهارچوب احتمالاً ما را از انجام معاملات زیان‌آورتر دور می‌سازد. و این امکان به شما داده می‌شود تا یک معامله را به مدت طولانی‌تری ادامه دهید چراکه می‌دانید در برابر این تصویر بزرگ در کجا ایستاده‌اید.

اغلب تازه کارها فقط به یک چهارچوب زمانی اکتفا می کنند. یک چهارچوب زمانی واحد را انتخاب کرده و مقیاس هایشان را به کار می بندند و از سایر چهارچوب های زمانی غافل می مانند.

مساله این است که یک روند جدید برآمده از یک چهارچوب زمانی دیگر اغلب به معامله گرهایی صدمه می زند که نگاهی به این تصویر بزرگ ندارند.



ترکیب بازه های زمانی

نه قرار نیست آنها را در قالب ترانه ای مثل Glee تقسیم کنیم.

نسخه ترکیب خودمان را داریم که دوست داریم آن را «Time Frame Mash-up» (ترکیب چهارچوب زمانی) بنامیم.

در اینجا چهارچوب چندگانه یا میان زمانی تحلیل می شود.

و به شما نحوه ماندن در چهارچوب زمانی مورد نظران را آموزش می دهیم و به بررسی این نمودارها از فواصل نزدیک و دور می پردازیم تا بتوانید بهترین را انتخاب کنید.

قصد ترک کردن این مدرسه را که ندارید؟

فکر نمی کردم یاد گرفته باشید!

اول از همه، نگاهی گسترده به آنچه که در حال رخ دادن است بیاندازید.

سعی نکنید به بازار نزدیکتر شوید حتی سعی کنید از آن فاصله هم بگیرید.

باید به خاطر بسپارید که برای آن که روندی در یک چهارچوب زمانی طولانی تر پیش برود زمان بیشتری داشته است، به این معنا که جفت ارز برای ایجاد تغییر نوسانات بیشتری در بازار ایجاد خواهد کرد. سطح سقوط و جهش قیمت ها هم در چهارچوب های زمانی طولانی تر اهمیت بیشتری می یابند.

کارتان را با انتخاب چهارچوب زمانی دلخواهتان آغاز کنید و سپس به سوی چهارچوب زمانی بعدی حرکت کنید.

در این شرایط می‌توانید برای خرید یا فروش بر مبنای رنج یا روند بازار تصمیمی استراتژیک اتخاذ کنید. سپس برای اتخاذ تصمیمات تاکتیکی مربوط به نقطه ورود و خروج (توقف ضرروزیان و رسیدن به سود هدف) به چهارچوب زمانی دلخواه‌تان (یا حتی پایین‌تر از آن) باز گردید.

از این رو این احتمالاً یکی از بهترین روش‌های استفاده از تحلیل چهارچوب زمانی چندگانه است-به این معنا که می‌توانید برای یافتن نقاط ورود و خروج بهتر از نزدیک به بررسی شرایط بپردازید. با افزودن بعد زمان به تحلیل‌تان، می‌توانید از سایر معامله‌گران کوتاه‌فکری پیشی بگیرید که فقط به ارزیابی یک چهارچوب زمانی می‌پردازند.

آیا تمام این مسائل را درک کردید؟ خب، اگر پاسخ‌تان منفی است نگران نباشید، در این بخش به مثالی اشاره می‌کنیم که این مسائل را برایتان شفاف‌تر خواهد کرد.

مثلاً سیندرلا را در نظر بگیرید. او از تمیز کردن اتاق دختران نامادری‌اش خسته می‌شود و تصمیم می‌گیرد معامله کند.

پس از چند معامله نمایشی، درمی‌یابد که بیشتر به معامله جفت ارز EUR/USD تمایل دارد و احساس می‌کند که با نگاه به نمودار یک ساعته احساس بهتری دارد. او فکر می‌کند که نمودارهای ۱۵ دقیقه‌ای بسیار سریع و نمودارهای ۴ ساعته بسیار طولانی هستند- و این که او به خواب هم نیاز دارد.

اولین کاری که سیندرلا انجام می‌دهد بررسی نمودار چهارساعته EUR/USD است. این روش به او کمک می‌کند تا روند کلی را مشخص کند.



او به وضوح می‌بیند که این جفت ارز روند صعودی دارد.

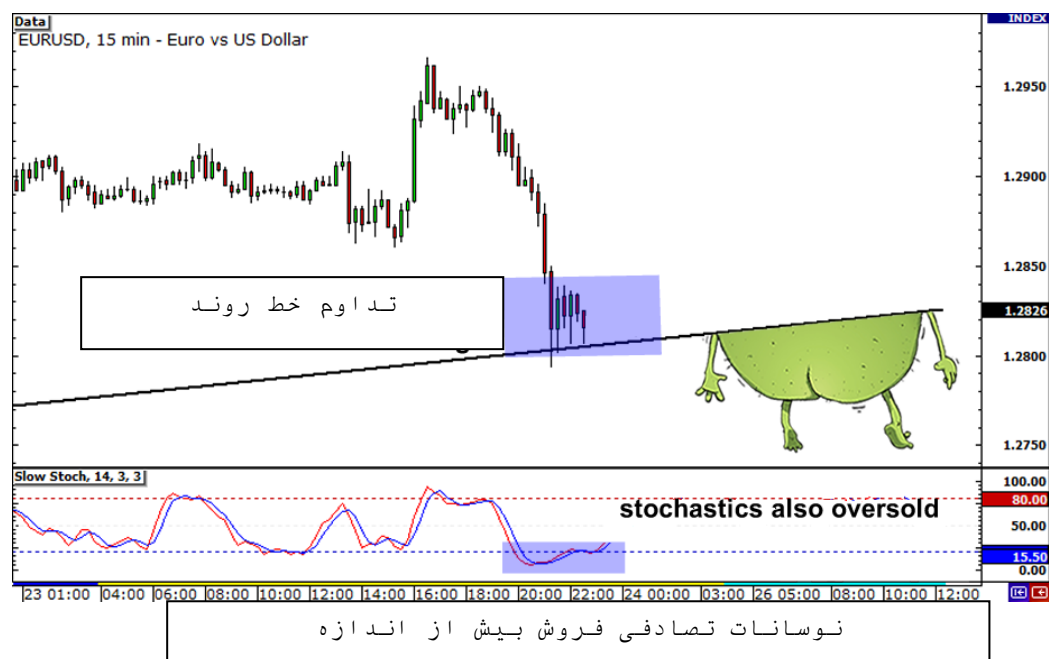
همین مساله این نشانه را به سیندرلا می‌دهد که باید فقط به دنبال سیگنال‌های خرید باشد. سپس، این روند به دوست او تبدیل می‌شود، درست است؟ او نمی‌خواهد که در یک مسیر غلط قرار گیرد و کفش‌اش را از دست بدهد.

اکنون تمرکزش را مجدداً به چهارچوب زمانی ترجیحی‌اش معطوف می‌کند (چهارچوب یک ساعته) تا بتواند هر نقطه ورودی را مشخص کند. او همچنین تصمیم می‌گیرد تا با این شاخص احتمالی ظاهر شود.



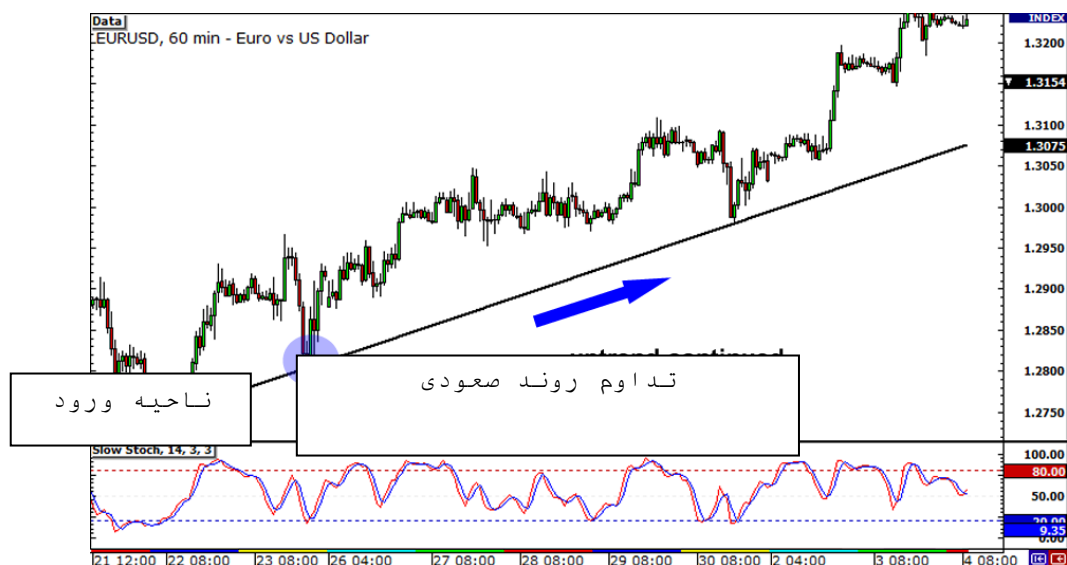
زمانی که به نمودار یک‌ساعته باز می‌گردد، می‌بیند که یک نمودار شمعی دوجی شکل گرفته است و شاخص احتمال از شرایط فروش بیش‌ازاندازه گذشته است.

اما سیندرلا هنوز مطمئن نیست. او می‌خواهد مطمئن شود که نقطه ورود واقعا خوبی داشته باشد. بنابراین به نمودار ۱۵ دقیقه‌ای مراجعه می‌کند تا ببیند می‌تواند ورود بهتری داشته باشد و تاییدیه بهتری بگیرد.



بنابراین سیندرلا به نمودار ۱۵ دقیقه‌ای چشم می‌دوزد و می‌بیند که خط روند با قدرت تداوم می‌یابد. در واقع در این چهارچوب، نه تنها خط روند بلکه شاخص احتمال هم شرایط فروش بیش از اندازه را نشان می‌دهد.

او درمی‌یابد که بهترین زمان برای ورود و خرید است. بگذارید ببینیم بعد چه اتفاقی می‌افتد.

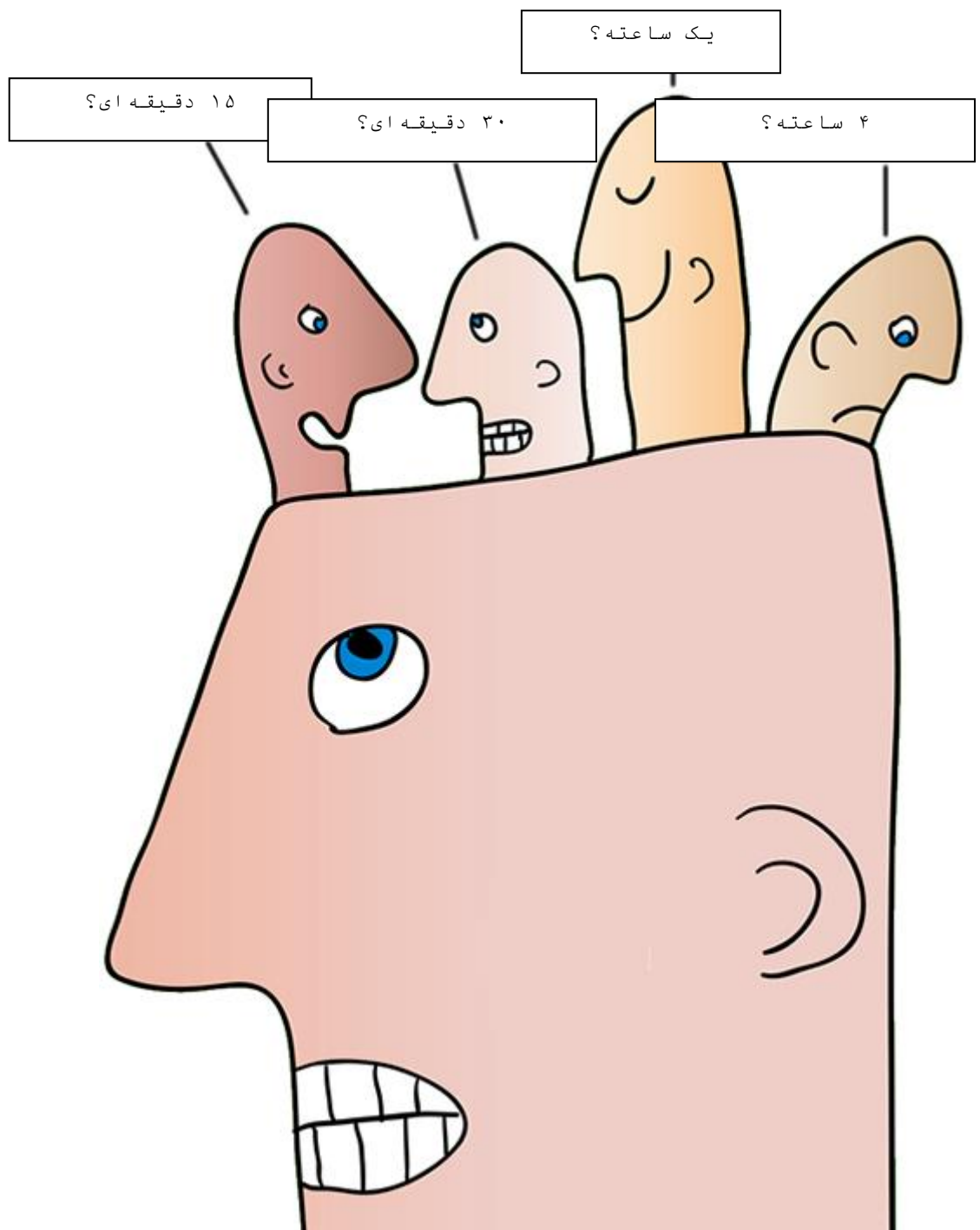


روند صعودی ادامه می‌یابد و EUR/USD به افزایش خود ادامه می‌دهد.

سیندرلا فقط با ۱.۲۸۰۰ وارد شد و اگر این معامله را چند هفته باز نگه می‌داشت می‌توانست ۴۰۰ پیپ افزایش قیمت داشته باشد! و یک جفت کفش شیشه‌ای دیگر هم بخرد!

بدیهی است که در این که چه تعداد چهارچوب زمانی را می‌توانید بررسی کنید محدودیت‌هایی وجود دارد. اما نیازی ندارید که یک صفحه نمایش کامل از نمودار برای شما مطالب گوناگونی را بازگو کنند.

دست کم از دو چهارچوب استفاده کنید اما بیشتر از سه چهارچوب لازم نیست چراکه افزایش تعداد چهارچوب‌ها فقط شما را گیج می‌کند و دیگر قادر به تحلیل شرایط نخواهید بود و تا مرز دیوانگی هم پیش خواهید رفت.



ما از سه چهارچوب زمانی استفاده می‌کنیم. احساس ما بر این است که این رویکرد انعطاف‌پذیری بیشتری ایجاد می‌کند و از این طریق می‌توانیم روندهای بلند، میان و کوتاه‌مدت را کشف کنیم.

بزرگترین چهارچوب زمانی که در آن به بررسی روند اصلی‌مان می‌پردازیم به ما تصویر بزرگی از جفت ارزی را نشان می‌دهد که می‌خواهیم با آن معامله کنیم.

چهارچوب زمانی بعدی چهارچوبی است که معمولاً به آن توجه می‌کنید و به ما سیگنال‌های خرید میان‌مدت یا گرایش‌های خرید می‌دهد.

کوچکترین چهارچوب زمانی روند کوتاه مدت را نشان می‌دهد و به ما کمک می‌کند تا واحدهای ورود و خروج خوبی بیابیم.

از آنجایی که میان این چهارچوب‌ها اختلاف زمانی به اندازه کافی وجود دارد، برای مشاهده اختلاف موجود در این حرکت می‌توانید از هر چهارچوب زمانی استفاده کنید.

برای مثال می‌توانید از چهارچوب‌های زیر استفاده کنید:

- یک دقیقه‌ای، ۵ دقیقه‌ای، و ۳۰ دقیقه‌ای
- ۵ دقیقه‌ای، ۳۰ دقیقه‌ای، و ۴ ساعتی
- ۱۵ دقیقه‌ای، ۱ ساعته و چهار ساعته
- یک ساعته، ۴ ساعته، و روزانه
- ۴ ساعته، روزانه، و هفتگی و...

وقتی سعی می‌کنید که در مورد زمان میان نمودارها تصمیم‌گیری کنید، مطمئن شوید که برای حرکت روبه‌عقب و روبه‌جلوی چهارچوب زمانی کوچکتر اختلاف به اندازه کافی وجود دارد بدون آن که هر حرکت در چهارچوب زمانی بزرگتر انعکاس یابد.

اگر این چهارچوب‌های زمانی به هم بسیار نزدیک باشند، قادر به یافتن تفاوت آنها نخواهید بود و از این رو نمی‌تواند خیلی کارآمد باشد.

خلاصه: تحلیل بازه زمانی چندگانه

خب اکنون این کار را انجام داده‌اید! بنابراین می‌توانید به باکس ابزار معاملاتی‌تان تحلیل چهارچوب زمانی چندگانه را هم بیافزایید! بله ممممممم!

در اینجا برخی از نکات مهم باید یادآوری شوند:

- باید تصمیم بگیرید که چه چهارچوب زمانی برایتان مناسب است. برای این کار هم باید در بازارهای مختلف چهارچوب‌های مختلف را امتحان کنید، نتایج‌تان را ثبت کنید و این نتایج را تحلیل کنید تا دریابید که کدامیک برایتان مفید خواهند بود.
- زمانی که چهارچوب زمانی مورد نظرتان را یافتید، به سوی چهارچوب زمانی طولانی‌تر بعدی حرکت کنید. سپس بر مبنای مسیر روند و برای خرید یا فروش تصمیم استراتژیک‌تان را اتخاذ کنید. پس از آن به چهارچوب زمانی مورد نظرتان باز گردید تا در مورد نقطه ورود و خروج تصمیمات تاکتیکی مربوطه را اتخاذ کنید.
- افزودن بعد زمان به تحلیل‌تان سبب می‌شود تا از سایر معامله‌گرهای کوتاه‌فکری که فقط به ارزیابی یک چهارچوب زمانی می‌پردازند پیشی بگیرید.
- هنگام انجام معامله، بررسی چند چهارچوب زمانی را برای خودتان به یک عادت تبدیل کنید.
- مطمئن شوید که این کار را انجام می‌دهید! نباید بدون دانستن این که کف چهارچوب زمانی کجاست خود را درگیر معامله کنید! مطمئن شوید که به سرعت میان آنها حرکت می‌کنید. حتا باید نموداری همزمان با چند چهارچوب زمانی داشته باشید!

- چهارچوب‌هایی که فکر می‌کنید می‌خواهید به بررسی آنها پردازید را انتخاب کنید و فقط روی این چهارچوب‌های زمانی تمرکز کنید. در طول این چهارچوب‌ها تمام آنچه که باید در مورد عملکرد بازار بدانید را فرا بگیرید.
- به تعداد زیادی چهارچوب زمانی چشم ندوزید، چراکه با حجم اطلاعاتی زیادی روبرو می‌شود و مغزتان منفجر خواهد شد. و از آنجایی که خونتان به همه جا پاشیده است با یک میز کثیف روبرو خواهید شد. دو یا سه چهارچوب زمانی کافی است. بیش از این تعداد سردرگمی به همراه دارد.
- نمی‌توان این مساله را بارها تکرار کرد: اما باید قدرت دید پرنده را داشته باشید (از بالا بنگرید). استفاده از چند چهارچوب زمانی تناقض میان شاخص‌ها و چهارچوب‌های زمانی را از میان می‌برد. همیشه تحلیل بازار را با حرکت به عقب و نگاهی به این تصویر بزرگ آغاز کنید.